بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیم

سلسله جلسات «تمدن نوین اسلامی، تنها مسیر ظهور»، استاد بغدادی[[1]](#footnote-1)

مرحله اول: **رویکردهای مهدویت و زمینه سازی عاقلانه**

یه جلساتی با عنوان بصیرت ما شروع کردیم خدمت دوستان، سالی چهار پنج جلسه بیشتر قسمتمون نبود، الان سال سوم، سال اول یه نظامی از مباحث بصیرت حوزوی، اهمیت مباحث بصیرت برای حوزوی و فرق بصیرت حوزوی با بصیرت عمومی رو عرض کردیم. یه نظامی از مباحث بصیرت، که لازمه هر فردی، به طور ویژه طلبه بهش بپردازه رو عرض کردیم. سال دوم چنتا بحث خیلی مهم داشتیم، یکی بحث تقابل تمدنی حق و باطل بود، یکی بحث شورش شیطان علیه پنج تن بود، یکی هم بحث جریان شناسی مرجع سازی از صانعی تا شیرازی بود. یکی دو تا بحث دیگه هم بود. امسال اگه خدا بخواد می خوایم بحثی رو شروع کنیم که رو بحثای سال قبل استواره اما یه نظامی به اهداف کلانمون، یه دغدغه های ویژه ای، یه نگاه دیگه ای به هویت کار انقلاب اسلامی، هویت کار امام و آقا دستمون بده.

اسم این مباحثو گذاشتیم تمدن نوین اسلامی، که در واقع اینجوری عنوان زدیم، از **تمدن نوین اسلامی تا تمدن آرمانی حضرت مهدی عج الله تعالی**، که سه تا بخش داره، هر بخش هم دو تا فصل داره، کلا شش تا فصل شکل می گیره، که یه بخشش رو سال قبل گفتیم و یه بخشش رو امسال می خوایم البته به صورت فشرده بگیم. اگه بخوام بحثو شروع کنم و یه مطلبی رو به عنوان تمهید بگم که اصلا جریان چیه؟ چیکار می خوایم بکنیم؟ احتمالا این عنوان شاید یکم مبهم باشه. و این که اصلا چرا می خوایم از تمدن شروع کنیم و تمدن رو محور قرار بدیم و بحث کنیم درباره اش؟ اینطوری عرض کنم که تمدن یه بحثیه که چندین و چند پرسش اصلی و مهم و کاربردی ما رو یه جا با هم جواب می ده. اگه کسی خوب به ابعاد مباحث تمدنی به طور ویژه تمدن نوین اسلامی مسلط باشه، چندین و چند سوال و پرسش مهم همزمان با هم پاسخ پیدا می کنه. پاسخ مشترک به همه اون سوالا هم تمدنه.

چه سوالاییه که با بحث تمدن جواب پیدا می کنه؟ جواب مشترک و نهایی و کامل پیدا می کنه نه جواب های متوسط و اولیه تر؟ چند سوال لیست کردم؛ فقط حول سوال دهم بحث رو پیش می بریم. [این سوالا نا امیدانه هست!]

**تمهید؛**

**تمدن؛ پاسخ یک جا و همزمان به ده پرسش اساسی.**

سوال اول؛ این همه مشکلات اقتصادی مشکلات مملکت، این همه گرونی، سختی ها، کی می خواد وضع ما بهتر بشه، درست بشه؟ و این مشکلات تمون بشه؟ این همه توی فشاری نباشیم؟

سوال دوم؛ پس کسی دشمنی و فشار آمریکا و مستکبران دنیا، [تموم می شه] کی فشار این قلدرای جهان از سر مسلمونا، از سر ما برداشته می شه؟ کی دست از سر ما بر می دارن؟ کی می تونیم شکستشون بدیم. هی می گیم هی می گیم ولی در عمل نمی شه چرا؟ و همیشه هست. همیشه این دشمنی و احساس ضعف هست.

سوال سوم؛ چرا مسلمونا اقتدار و عزت گذشته ی خودشو از دست داد؟ اسلامی که اومد و به یه اوجی رسید، همیشه افتخار به گذشته مون می کنیم که مهد علم و دانش و ترقی بودیم الان چرا این شکلی شدیم؟ چرا کشورای اسلامی مغلوب و مستمعمره اند؟ چرا دنباله روی یک سری کشور غیر مسلمان و کافر و مشرکند؟ این وعده ای بود که دین داده؟ این بود اون سروری ای که قرار بود دین بیاره؟ چرا اینجوریه؟

سوال چهارم؛ واقعا می شه با این همه عظمت و زرق و برق کشورای کافر و کشورای مشرک و زرق و برق کشورهای غربی مقابه کرد؟ اصلاً می شه؟ واقعا چی کار می شه کرد؟ این همه ابزارهای رسانه ای، ابزارهای اقتصادی، این همه این همه اقتدار جهانی؟ چیکار می شه کرد؟ آیا ما راهی جز دنباله رو بودن داریم؟ می شه یه جایگزین خداپسند برای اونا تهیه کرد؟ یه الگوی رقیب الهی؟ خیلی از جوان های اون ها شاید تشنه باشند ولی هیچ راهی ندارن، راه بسته است. [از دید اون کسی که داره اشکال می کنه]

سوال پنجم؛ دستورای دین ما برای 1400 سال قبله، با سطح زندگی اون موقع، شرایط زندگی اون موقع، چطور با این پیشرفت ها و مختصات دنیای مدرن و عصر جدید می شه هم اسلام رو داشت و هم اینا رو داشت ؟ چطور می شه بین دین و مدرنیته جمع کرد؟ بین اسلام و پیشرفت روز جمع کرد؟ یا مثل بعضیا باید بریم توی یه روستایی یه جایی بدون دغدغه زندگی کنیم؟ یا اسلام باید چنین جاهایی باشه یا اگر می خوای مدرن زندگی کنی اسلام نمی تونه باشه.

سوال ششم؛ این که ما حوزوی ایم، وظیفه ی اصلی و نهایی حوزه تبلیغه، درس می خونیم که به فهم عمق دین برسیم که **اقامه ی دین** کنیم، که نشر دین کنیم، بهترین نوع تبلیغ دین چیه؟ این همه تلاش می کنیم، کتاب می نویسیم، ولی کجا می تونیم به اون حجم عظیم تبلیغات کفر، حجم عظیم رسانه ها و کتابای اونا برسیم؟ اصلا این همه کار فرهنگی می کنیم، هیئت می زنیم، مؤسسات فرهنگی می زنیم، فعالیت می کنیم، کار تربیتی می کنیم، اینا کی می خواد جواب بده؟ ما هر کاری می کنیم می بینیم صد برابر از اون ور کار داره انجام می شه. یه کار فرهنگی تربیتیِ سیستماتیک، یه کارخونه ای که به صورت اتوماتیک و در حجم انبوه انسان تربیت بکنه، خودبخود کار فرهنگی بکنه، کار تربیتی بکنه.

فضای این سوالا با هم فرق داره ولی جالبه که همه ی اینا حولِ یه محور جمع می شه، جواب واحد پیدا می کنه.

سوال هفتم؛ این که چی شد امام ره نهضتشو شروع کرد؟ مثل بقیه تو حوزه نشسته بود، درس می داد، درس می گفت، خلاصه زندگی می چرخید دیگه، سیر و سلوک، علم، همه ی اینا، چی شد؟ چه انگیزه ای؟ چ هدفی؟ احساس نیاز به چی، امام ره رو بلند کرد، حرکت داد؟ و چرا تو این حرکت تاکید به حکومت داشت؟ خب علمای دیگه بودن، تاکید محوری شون مثلا روی فرهنگ بود، مدلای مختلف داشتیم، از تاکید روی کار فرهنگی و روی هیئت و کار تربیتی تا تاکید روی اقتصاد و ... چرا امام ره انقدر اصرار به حکومت داشت؟ همه چیو حاضر بود پای حکومت بده. مثلا آقای شریعتمداری یکی از کسانی بود که دارالتبلیغ رو راه انداخت، دارالتبلیغ یه جای بزرگی بود که اصلا برای تبلیغ اسلام و حتی در دوره های اولش بزرگانی بودند، اسم نمیارم، از همین بزرگانی که انقلابیای الانند، شاید یکی دو نفر رو دیدم به امام ره حق دادند. امام ره با آقای شریعتمداری به دلایلی مخالفت کرد، ظاهرش این بود که داره با دارالتبلیغ مخالفت می کنه ولی امام ره می گفت باطن این کار انحرافِ قیامه. یعنی شما می خواین طلبه ها رو به اسم تبلیغ دین ببرین تو این دارالتبلیغ و اینا و ... می خوام بگم حکومت از دارالتبلیغ برای امام ره مهم تر بود. چرا اینجوری بود؟

 سوال هشتم؛ اون افق نگاه آقا چیه؟ اون سرچشمه ی اندیشه ی آقا چیه؟ مثلا می خوایم سیر مطالعاتی از اندیشه ی آقا داشته باشیم، این جور دغدغه ها، می خوایم حرف رهبرمونو بفهمیم، می خوایم حرف ولی زمانمونو متوجه بشیم، خب چیکار باید بکنیم؟ از کجا باید شروع کنیم؟ اون سطح اندیشه، اون اوج افقی که آقا تو اون تراز قرار داره و فکر می کنه و طرح می ده و مهندسی می کنه چیه؟

سوال نهم؛ اون منطقی که حاکم بر رهبری کلان جمهوری اسلامیه، چه امام ره چه حضرت آقا، اون جهت گیری کلان اون، کشور داره همین جوری اداره می شه؟ یه روز اون ماجرا است یه روز این ماجراست، یه رهبری منفعله؟ که مثلا ببینیم آمریکا چه طرحی داده؟ این با اون دست داد نداد؟ این به اون پیام داد نداد، اون حمله کرد نکرد؟ ما هم به تناسبش یه حرکتی بکنیم یه حرفی بزنیم. اینه یا واقعا یه برنامه ی کلان، بلکه فرا کلان در جمهوری اسلامی وجود داره که برای صدها سال هست و همین الان هم داره بر اساس اون پیش می ره؟ آیا همچین چیزی هست یا داره همین جوری پیش می ره؟

تا این جا ما 9 تا سوال، 9 تا دغدغه، 9 تا حیطه رو گفتیم، و گفتیم چرا می خوایم از تمدن شروع کنیم، چون که تمدن نوین اسلامی پاسخ همزمان به همه ی این ده پرسشه. الان می خوایم از دریچه ی سوال دهم وارد بشیم، سوال دهمی که علاوه بر اون 9 سوال با تمدن نوین اسلامی پاسخ یک جا و همزمان پیدا می کنه.

سوال دهم؛ **مهمترین وظیفه ی عصر غیبت** چیه؟ چیکار کنیم امام زمان ظهور کنه؟ 1200 سال نشده، چرا نشده؟ علمای ما کم دغدغه داشتن؟ هیئتیای ما؟ شیعیان ما؟ چرا نتونستن؟ چرا نشده؟ دعا کم کردیم؟ همه دعا کنیم درست می شه؟ کتاب کم نوشتیم؟ کار فرهنگی کم کردیم؟ چیکار کردیم؟ بهتره بگیم چیکار نکردیم؟ یا نه، اصلا ربطی به ما نداره. خدا هر وقت دوست داشته باشه امر ظهور رو درست می کنه، ما هیچ کاره ایم! ما که می گم امت امام زمان عج الله. آیا می شه یه **طرح عملیاتی داد برای ظهور حضرت**؟ جدا از حرفای کلی، و آرزوها و دعاها و عشق بازی ها و ... می شه طرح عملیاتی داد؟ می شه فکر کرد برای این که امام زمانی که 1200 سال منتظره، حالا منتظر چی؟ فقط منتظر یه امری که معلوم نیست دست کیه؟ یا نه، منتظره اُمَّتشه؟ مثل همه ی انبیاء دیگه، مثل همه ی امامای دیگه. منتظر! منتظره یه کاری بکنن، اون کار چیه؟ اون «**هل مِن ناصرٍ ینصُرُنی**» که وسط خیمه ها تو یه روز گفته شد، 1200 ساله داره گفته می شه، 1200 ساله! چرا نشده؟ چیکار باید می کردیم؟ آیا کاری هست که ما باید می کردیم و نکردیم؟

می خوایم از اینجا شروع کنیم. از این سوال دهم. اون نه تا سوالو بذارید کنار. از این سوال دهم می خوایم وارد بشیم. این همون چیزیه که تیتر این بحثو که اول عرض کردم، از تمدن نوین اسلامی تا تمدن آرمانی حضرت مهدی عج الله تعالی، حول این بحث می خوایم فصول و مباحثمون رو سامان بدیم. چنتا بحثه، حالا من از همین برگه ای که دستتونه یه توضیحی بدم. ما برای این که بخوایم حول پرسش دهم بحثو پیش ببریم و به یه راهکار عملیاتی، رو زمین و اجرایی و عاقلانه برسیم، نه توهمی، نه خیالی، نه همراه با عجله، نه با افراط، نه با تفریط، بخواد همراه باشه و اینو از بزرگانمون بگیریم، نه از فکر ناقص خودمون، این سه بخش، و هر بخش، دو فصلی که می بینید رو تنظیم کردیم. تو سه بخش، این مباحث، به اون نتیجه ی مطلوب و جامع خودش می رسه، اگر دقت کنید اسم بخش اول رو گذاشتیم؛ تقابل تمدنی حق و باطل، اسم بخش دوم رو گذاشتیم؛ تمدن نوین اسلامی تنها مسیر عاقلانه برای زمینه سازی ظهور حضرت حجت عج الله تعالی، اسم بخش سوم رو هم گذاشتیم؛ **ولایت فقیه راهبرد ائمه علیهم السلام برای رهبری تمدن ساز عصر غیبت**. سه تا بحثه، یه بحث حق و باطل، یه بحث زمینه سازی، یه بحثم رهبری این زمینه سازی. این سه تا بحث، مثل حلقه ی تو در تو اگه منسجم بحث بشه، می شه به یه طرح عملیاتی جامع با همه ی زوایا رسید.

چرا از بحث حق و باطل شروع می شه؟ چون اساساً تقریر مسئله ی غیبت از اونجا شروع می شه. یعنی برای این که بفهمیم غیبت چیه؟ چرا؟ و قراره به کجا برسه، از **تقابل تاریخی جبهه ی حق و باطل** باید شروع کنیم، که اصلی ترین نگاه دینی الهی به عالمه. یعنی می شه ادعا کرد نقشه ی الهی برای خلقت انسان بر مدار همین دو جبهه شکل گرفته. جبهه ی حق و جبهه ی باطل. و تقابل هر لحظه و هر زمان جبهه ی حق و باطل، تا بیاد برسه به عصر غیبت. تقریر غیبت امام زمان عج الله تعالی، چرایی غیبت امام زمان، و راهکار عملیاتی زمینه سازی ظهور وابسته به این بخش اوّله که درست این جبهه ی حق و باطل شناخته بشه. حق چیه؟ باطل چیه؟ مؤلفه هاش چیه؟ و مهمتر از همه این که ابعاد این نبرد تاریخی چیه؟ سطوح و لایه هاش چیه؟ تا بیاد جلو، ما همه ی انبیاء رو ذیل این نظام تقابل حق و باطل ببینیم تا برسه دونه دونه ی ائمه علیهم السلام، تا برسه به عصر غیبت. کجاها جبهه ی حق غلبه کرد کجاها جبهه ی باطل؟ عوامل چی بود؟ تقریر می شه ماجرای عصر غیبت چیه؟ چرا به این وضعیت دچار شدیم؟ ما چند سال و حضرت 1200 سال؟ و می شه ادامه داد که این تقابل می خواد به کجا برسه؟

بخش اول: تقابل تمدنی حق و باطل

بخش اول رو که اسمشو گذاشتیم «تقابل تمدنی حق و باطل» تا حد زیادی یه سری از مباحسشو ما سال گذشته ذیل بحث های بصیرتی گفتیم. یه سری مباحث کلی رو به صورت خلاصه وار می گم تا برسیم به بخش دوم. شروع بحث امسال از بخش دومه که اسمش بود «تمدن نوین اسلامی تنها مسیر عاقلانه برای زمینه سازی ظهور حضرت حجت عج الله تعالی». برای بخش اول دو فصل قرار دادیم؛

فصل اول «**تمدن، کارخانه تربیت بشر**»

فصل دوم: حق و باطل، از نبرد تاریخی تا تقابل تمدنی

توضیح اجمالیِ از دو فصل مذکور: دغدغه ی این فصل: اینه که توضیح بده که چرا ما تو تیتر بخش اول گفتیم تقابل **تمدنی** حق و باطل؟ معمولاً شنیدیم تقابل حق و باطل یا نبرد حق و باطل. این جا یه کلمه مهم اضافه شده و اونم «تمدنی» هست. این صفت «تمدنی» می خواد چی رو برسونه؟ پارسال توضیح دادیم که عطف نظر به آیات قرآن شاید بشه این برداشت رو کرد اینو به صورت قطعی نمی گم - هنوز شاهد خیلی جدی بر خلافش پیدا نکردم - که نبرد و تقابل جبهه ی حق و باطل تو طول تاریخ رشد کرده، از تقابل فردی حق و باطل شروع شده، ماجرای شیطان و حضرت آدم علیه السلام، ماجرای هابیل و قابیل علیه السلام، تا اومده تو زمان حضرت نوح علیه السلام شده تقابل اجتماعی، تو زمان حضرت نوح صحبت حضرت نوح و یه نفر دیگه نیست، صحبت از نوح و قوم نوحه، تبدیل شده به تقابل اجتماعی، تقابل فرهنگی، یعنی باطل به صورت یک زنجیره ی اجتماعی به صورت یه نسل باطل که از پدر به پسر این باطل رو منتقل می کنه، اومده تو دوره ی حضرت ابراهیم علیه السلام تبدیل شده به تقابل حکومتی حق و باطل، تو قرآن مقابل حضرت ابراهیم علیه السلام نمروده، یه حاکم قدرتمند که قدرت اجتماعی دستشه. تقابل فردی تو تقابل های بعدی هست، تو تقابل حکومتی هم تقابل فردی هست و هم تقابل اجتماعی اما جدای از قوم و قبیله و فرهنگ یه حاکم مقتدر هم داریم که قدرت و ثروت دستشه و حتی جهت دهی به فرهنگ هم دستشه. این یه سطح بالاتریه. تو عصر حضرت موسی علیه السلام به نظر می رسه عصر تقابل تمدنی حق و باطله. تمدن مصر یه تمدن فاخر قدیمیه.

فرق بین فرد و اجتماع و حکومت و تمدن رو پارسال عرض کردیم. بحث خیلی مهمیه که شما به یک ادراک تمدنی می رسید. تمدن هم اجتماع و فرهنگ توشه، هم روابط فردی توشه، هم قدرت و حکومت سیاسی توشه، هم خیلی چیزای دیگه. صنعت توشه، اقتصاد توشه، ورزش توشه، هنر توشه، علم توشه، اخلاق توشه، سبک زندگی توشه، یک انسان واره ی تمدنیه. شما با یه هویت واحد تمدنی مواجهی که روح این انسان تمدنی فرهنگه. مغزش علمه، دستش صنعته، خونش انرژیه، انرژی یه زمانی آتش بود تا یه زمانی رسید به انرژی ذغال سنگ تا رسید به انرژی نفت، اینا هر کدوم تمدنا رو جا به جا کردن. اون چیزی که به انقلاب صنعتی مشهوره که نماد ابرقدرتی انگلیس از 1800 تا 1950 هست،150 سال موجب ابرقدرتی انگلیس شد، یکی از عوامل خیلی مهمش انرژی ذغال سنگ بود. انرژی بخار بود. و یکی از عواملی که آمریکا تونست این ابرقدرتی رو از انگلیس تو سال1950بگیره تولید صنایعی مبتنی بر انرژی نفت بود. یعنی کشتی های انگلیسی هنوز مبتنی بر انرژی بخار بود کشتی های آمریکایی مبتنی بر انرژی نفت بود. بهینه، سرعت بیشتر، قدرت بیشتر. این تنها دلیل نبود، تمدن بخواد غلبه کنه باید خیلی از ابعادش غلبه کنه.

این نبرد جبهه ی حق و باطل در زمان حضرت موسی علیه السلام به سطح تمدنی رسید. تو فاصله ی بین حضرت نوح تا حضرت ابراهیم، قوم هود، قوم صالح، قوم لوط داریم، اینا همه قومه می رسه به حضرت ابراهیم می شه حکومت نمرود. این فهمی از آیات قرآنه. می تونید یک بار کل قرآن رو با این نگاه بخونید. که خدا تقابل حق و باطل رو چه جوری ترسیم کرده؟ داستان حضرت ابراهیم و موسی علیه السلام متفاوت با هود و لوط و صالح می آد. دقت کنید به چینش داستانا، تقدم و تأخرش. یه بحثی هم که می شه این جا مطرح کرد اوج این تقابل ها است. اوج تقابل فردی حق و باطل کجا بود؟ اوج تقابل اجتماعی حق و باطل کجا بود؟ اوج تقابل حکومتی حق و باطل کجا بود؟ اوج تقابل تمدنی حق و باطل کجا است؟ مثلا اوج تقابل اجتماعی، یه جامعه ای رو تصویر کنید که در سطح و لایه ی تقابل فرهنگی اجتماعی باشه، قوم حضرت لوط علیه السلام رو در نظر بگیرید، حاکمی نیست که دستور به اون عمل بده، همه ی اون مردم اون باطل رو با تمام وجود می خوان. یه بچه تو اون فضا شاهد چه چیزهایی بود؟ این بچه از بچگی تربیت می شه. هوای اون قوم هوای مسمومی بود. فرهنگ هوای جامعه هست که تنفس می کنی.

تمدن اون کلان ترین واحد انسانیه. بالاتر از تمدن چیزی قابل فرض نیست. هر شأنی از شئون زندگی بشر از شئون فردی و اجتماعی و فرهنگ و صنعت و اقتصاد و اخلاق و سبک و زندگی و همه ی اینا، همه ی اینا رو که بذاری روی هم میشه تمدن. الان به چین می گین تمدن چین؟ با این که تو اقتصاد خیلی قویه.

اسم فصل اول رو گذاشتیم «**تمدن کارخانه تربیت بشر**» از انسان الهی در جبهه ی حق تا انسان شیطانی در جبهه ی باطل، این جا باید ذیلش بحث بشه که اصلا چه تعاریفی برای تمدن هست؟ سه دسته تعریف برای تمدن داریم در بین تمدن پژوهان:

یه دسته تمدن رو فقط سخت افزاری معنی می کنند،

یه دسته تمدن رو فقط نرم افزاری تعریف می کنند،

یه دسته از تعریف که برگزیده ی ما است و در بیان حضرت آقا و بزرگان و ادبیات جمهوری اسلامی این تعریف خیلی پر بسامده، تعریف تمدن اعم از ابعاد سخت افزاری و نرم افزاریه.

اونایی که فقط تمدن رو سخت افزای معنی می کنند تمدن رو فقط به مظاهر تمدن تعریف می کنند یعنی صنعت، تکنولوژی، ساختمان، هواپیما، حتی اقتصاد، همین، مظاهر تمدن. یه دسته وقتی لفظ تمدن رو میارن فقط اراده ی نرم افزاری می کنند یعنی تقریبا تمدن رو معادل فرهنگ می گیرند، متاسفانه این در بعضی کشورهای غربی شایعه، و متاسفانه بعضی حوزویان و دانشگاهیان که دغدغه تمدن دارند و می خوان مطلب بنویسند و به آقا کمک کنند اصلا حواسشون نیست که آقا اراده اش از تمدن، گستره اش از سخت افزارترین سخت افزار تا نرم افزارترین نرم افزاره. که تعریف درست هم همینه و تو مباحث تمدن شناسی هست. میان مثلا می نویسن تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی، ناخودآگاه تمدن رو عطف به فرهنگ می کنند، نه این که تو تمدن فرهنگ نیست، هست ولی مشکل اینه که شما بگی تمدن یعنی فرهنگ. مثلا آقای نصر از متفکراییه که تفکر اینطوری داره، که تمدن یعنی ادبیات، تمدن یعنی شعر، تمدن یعنی علم. تمدن اقتصاد، تمدن اقتصاد، تمدن انرژی، تمدن صنعت، تمدن ابزار نظامی، تمدن ارتش و ... چی؟ وقتی می گیم تمدن مصر یعنی علم و فرهنگی داشتن یا اهرام هم جزو تمدنه؟ این در واقع یک جریان شناسی از تعاریف تمدنه که تو فصل اول بیاد. یه بحث دیگه نسبت بین تمدن با واژه هایی که ممکنه همسایه اش باشن، مثل فرهنگ، فرق تمدن و فرهنگ چیه؟ فرق تمدن و حکومت؟ فرق تمدن و مظاهر تمدن؟ این واژه ها رو باید خوب بشناسید تا بفهمید تو تمدن دقیقا داریم به چی اشاره می کنیم. سعی کردم با اون مثال انسان واره ی تمدنی برسونم که یه هویته. وقتی می گیم تمدن مصر همه چی توش هست، هم فرهنگ و عقاید و سبک زندگی مصره، لباسا و ورزش ها و هنر مصر هم هست. همه ی این ها اجزاء تمدن مصر هستن. بزرگترین واحد انسانی. که از زمان حضرت موسی علیه السلام همینطور وارد عرصه تقابل تمدنی شدیم و ادامه داره و تمدن ها با پیشرفتشون این سطح تقابل تمدنی رو بالا می برن. به نظر می رسه چنتا تمدن جدی اون موقع بود. یکی تمدن قوم بنی اسرائیله که خیلی جدیه، یکی تمدن اسلامیه، یکی هم تمدن مدرن اومانیستی که اینم جدیه، این سه سطح رشد و پیچیده تر شدن تمدنه. و یه تمدن موعود حضرت مهدی عج الله تعالی هم داریم. - همین جا یه نکته ی مهمی که شاید برای شما بابی رو باز کنه، اونم اینه که عادت کردیم بگیم حکومت جهانی حضرت مهدی عج الله تعالی، نمی گیم؟ فقط حکومته؟ یعنی فقط حضرت می آد یه سیستم حکومت داری، سیستم اداری، سیستم دولتی، سیستم قضایی راه بندازه؟ همین؟ یا علم رشد می کنه؟ فرهنگ رشد می کنه؟ سبک زندگی؟ .... روایاتی که - تو یکی از کتابای مکارم دیدم، از منبع اصلی اش ندیدم - درباره آخر الزمان داریم خیلی عجیبه. درباره ی مرکب هایی که خیلی سریعه می خواد به نماز جمعه برسه و نمی رسه، گسترده شدن پایگاه حکومت حضرت - اگه اشتباه نکنم - کل این مسیر اربعین هستش کلش می شه شهر پایتخت تمدن حضرت مهدی عج الله تعالی. پایگاه حضرت نجف امروزیه. حدیث داریم که می گه از دیوارهای نجف تا نزدیک کربلا گسترده می شه. بین دیوارهای نجف تا کربلا خیلی راه نیست. یعنی همین مسیر پیاده روی اربعین. یه تفکر آخرالزمانیه، الکی نیست یک دفعه 20 میلیون این جا جمع بشن. در واقع حکومت جهانی حضرت تمدنه در واقع، اساساً نگاه اسلام به حکومت نگاه تمدنیه، حکومت تو نگاه علوم انسانی غربی به معنای قدرت و غلبه و سلطنت و بذار و بردار سیاسی و اقتصادی و پایگاه قدرت و ثروت و ... چون اینجوری معنی شده ناخودآگاه ارتکاز از حکومت همینه ولی وقتی ما می گیم حکومت جهانی حضرت یعنی تمدن جهانی حضرت، و امام ره که می گفت حکومت به همین معنا می گفت نه به اون معنای مضیّقش. حکومت اسلامی رهبری بر قلب ها است، کدوم یک از نظریات علوم سیاسی غرب، کدوم یک از نظریات حکومت داری غرب می تونه اینو توضیح بده؟

چرا اسم فصل اول رو گذاشتیم تمدن، کارخانه ی تربیت بشر؟ تمدن اون کلان ترین کارخانه است. فرهنگ هم یه کارخانه هست برای تربیت انسان و اجتماع، خود حکومت هم هست ولی اون فراکارخانه اون کلان ترین کارخانه ای که بشر توش تربیت می شه چه تربیت الهی و چه تربیت شیطانی تمدنه. بزرگترین واحد انسانی تمدنه. یکی که الان تو ایران به دنیا می آد موسیقی تمدن غرب داره رو اون اثر می ذاره، علوم انسانیش تربیت می کنه، برج های اونجا تربیتش می کنه، هالیوودش تربیتش می کنه، یه گوشی نمی تونیم بسازیم اونا ببین چه موبایلایی می سازن! این چه اثر تربیتی می ذاره! مظاهر تمدن داره اینو تربیت می کنه. فقط فرهنگ و سبک زندگی نیست که اینو تربیت می کنه. گوشی موبالشم داره اینو تربیت می کنه. ماشینش داره اینو تربیت می کنه. حالا فرض کن برعکس بود. غلبه ی تمدنی با جبهه ی حق بود. ایران ابر قدرت بود. یه جوون تو آمریکا به دنیا می اومد. همش حسرت تولیدات ما رو می خورد. یعنی همینجور ما می نشستیم همینجور انسان الهی تربیت می شد. نمی خواست ما خودمونو بکشیم کار فرهنگی بکنیم تا بتونیم یه نفرو هدایت کنیم. البته اینم وظیفه ی ما است. فرض کن اگه غلبه ی تمدن با ما بود، یه فرد آمریکایی که تو شیکاگو تحصیل می کنه مجبور بود اقتصاد اسلامی بخونه، مجبور بود، اسلام رو قبول نداره، ولی چون تمدن اسلامی غلبه داره اقتصاد اسلامی هم غلبه داره کل معاملات دنیا طبق اقتصاد اسلامیه، مجبوره اقتصاد اسلامی بخونه. احساس می کنید حالا چرا ما مجبوریم اقتصاد لیبرال غربی بخونیم؟ یا یه زمانی یه عده مجبور بودن اقتصاد کمونیستی بخونن؟ اما دیگه هیچکی مجبور نیست. اینا همه تمدنه. تمدن که می ره همه ی وجودش می ره. این تمدن هم که می ره همه ی اجزائش می ره. این موبایلی که دست شما است دست غرب تو کشورهای اسلامیه. اگه غلبه ی تمدنی با ما بود موبایل دست اونا می شد دست تمدن حق تو کشور اونا. جوون ما هم به همین دلیل جبر تمدنی می ره موسیقی غربی گوش می ده. اختیار همراه با جبر تمدنیه. تمدن مجبورش می کنه.

در پاسخ به سوال یکی از طلاب که ادبیات غرب که غنای ادبیات ما رو نداره؛ تو دنیا شکسپیر رو بیشتر می شناسن یا حافظ رو؟ زبان حامل تمدنه، صنعت حامل تمدنه. تو زمان رضاخان که می خواستن روشن فکرای ما رو غرب زده کنند اونا رو یه سفر بردن انگلیس و از یه شهر به یه شهر دیگه با هواپیما بردنشون. همین، تموم شد. دیگه نیاز به دلیل و برهان نبود. حرفای اونا رو بخونید. تو کشور با گاو اینور اونور می رن تو انگلیس با هواپیما و ... مگه می شه این غلط بگن. پس از نوک پا تا فرق سر باید مثل اونا بشیم. هم نرم افزار مهمه هم سخت افزار، هم فرهنگ و سبک زندگی مهمه هم اقتصاد و صنعت.

فرمایش امام ره صحیفه امام ره جلد 8 ص 435 ، نگاه ایشون به حکومت؛ نگاهشون به حکومت نگاه قدرت فقط نیست نگاه تربیتیه، تربیت اصلی ترین هدف دین، بلکه هدف خلقت تربیت انسانه، و همه ی دستورات دین مثل دستور به تشکیل حکومت و تشکیل تمدن در راستای همون تربیته، که به جای این که تربیت فردی کنی بری دونه دونه افراد رو تربیت کنی یا مجموعه فرهنگی بزنی صد نفر رو تربیت کنی بری یه کارخونه بزنی که نسلی و فرانسلی تربیت کنه. اسلام در همه چیزش اصلش آن مقصد اعلی را خواسته. هیچ نظری به این موجودات‏‎ ‎‏طبیعی ندارد الاّ این که در همان نظرْ نظر به آن معنویت دارد و به آن مرتبۀ عالیه دارد. اگر‏‎ ‎‏نظر به طبیعت بکند، به عنوان اینکه طبیعت یک صورتی است از الهیت؛ یک موجی‏‎ ‎‏است از عالم غیب. اگر نظر به انسان بکند به عنوان این است که یک موجودی است که از‏‎ ‎‏او می شود یک موجود الهی درست کرد. تربیت های اسلام تربیت های الهی است؛ چنانکه‏‎ ‎‏حکومت اسلام حکومت الهی است. فرق مابین حکومت های دیگر با حکومت اسلام این‏‎ ‎‏است که آنها حکومت را می خواهند برای اینکه غلبه کنند بعضی بر بعضی و سلطه پیدا ‏‎کنند یک عده ای بر عدۀ دیگر؛ اسلام نیست؛ این منظورش نیست. اسلام از کشورگشاییها‏‎ ‎‏نمی خواهد کشورگشایی کند. اسلام می خواهد که کشورگشایی کند که همه را بکِشد‏‎ ‎‏طرف یک عالم دیگری. همه را تربیت انسانی بکند نه اینکه استفاده از آنها بکند؛ مثل‏‎ ‎‏این رژیمها که شما ملاحظه کردید و می کنید که چه در غرب باشد، چه آنهایی که در‏‎ ‎‏شرق بوده است؛ که همه نظر به این بوده است که یک سلطه ای پیدا کنند و یک‏‎ ‎‏استفاده های مادی بکنند. اسلام اصلش ماده در نظرش مطرح نیست. هر کس قرآن را‏‎ ‎‏مشاهده کند می بیند همۀ چیزهای ماده در آن هست لکن نه به عنوان مادی. همه اش به‏‎ ‎‏عنوان یک مرتبۀ دیگری؛ تعلیم به یک مرتبۀ دیگری.‏

حکومت اسلامی هم اینطوری است که می خواهد حکومت الله در عالم پیدا بشود؛‏‎ ‎‏یعنی می خواهد سرباز مسلمان با سربازهای دیگر فرق داشته باشد: این سرباز الهی باشد.‏‎ ‎‏نخست وزیر مسْلم با نخست وزیر سایر رژیمها فرق داشته باشد؛ این یک موجود الهی‏‎ ‎‏باشد. هر جا یک مملکتی باشد که هر جایش ما برویم صدای الله در آن باشد. اسلام این‏‎ ‎‏را می خواهد. اسلام از کشورگشایی می خواهد که الله را در همۀ عالم نمایش بدهد؛‏‎ ‎‏تربیت الوهیت بکند در همه عالم، تربیت انسانی بکند؛ انسان را برساند به آنجایی که «در‏‎ ‎‏وهم تو ناید آن ...».بنابراین ما باید فرق بگذاریم بین علومی که خودشان مستقلاً اینها را‏‎ ‎‏می بینند و آن علومی که اسلام آنها را طرح کرده. علوم اسلامی همۀ اینها هست به علاوه‏‎ ‎‏اینها همینها هستند، آن علاوه را ندارند. فرق ما بین علوم اسلامی در همه طرف، در همه‏‎ ‎‏جا، با سایر علوم این است که یک علاوه در اسلام هست که این علاوه در آنجا نیست.‏‎ ‎‏آن علاوه ای که در اسلام هست، آن جنبۀ معنویت و روحانیت و الوهیت مسئله است.‏

این مطالب برای ذیل کارخانه ی تربیت بشر بودن تمدن.

حدیث از اثبات الوصية، ص: 20 چاپ انصاریان: و روي ان رجلا سأل العالم عليه السلام عن قول اللّه عز و جل‏ «وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُداوِلُها بَيْنَ النَّاسِ» فقال: ما زال مُذ خلقَ اللّهُ آدمَ في كلِ زمانٍ دولتين دولةٌ للّه جل و عز و هي دولةُ الأنبياء و الاوصياء، و دولةُ لابليس. فاذا كانت الدولة للانبياء و الاوصياء عبد اللّه نبيّه في الظاهر، و اذا كانت دولة ابليس (لعنه اللّه) عبد اللّه في السر.

باز حدیث داریم که اگه خداوند بخواد در آشکار عبادت بشه دولت حق رو غلبه می ده و اگه بخواد در نهان عبادت بشه دولت باطل رو غلبه می ده. البته مطلوب و هدف عبودیت و بندگیه. مطلوب همون بندگی آشکاره. اما این عبادت در خفا می تونه از اسرار غیبت باشه.

سعی کردیم این دو فصل رو اجمالا بیان کنیم. فصل اول «تمدن کارخانه تربیت بشر» و فصل دوم « حق و باطل از نبرد تاریخی تا تقابل تمدنی».

**جمع بندی:**

از این جا شروع کردیم که اصلا چرا قراره بحث بصیرت امسال رو روی محور تمدن قرار بدیم و تمدن نوین اسلامی؟ ده سوال اساسی و دغدغه ی کلان رو در حیطه های مختلف مطرح کردیم که پاسخ همزمان با بحث تمدن پیدا می کنه. اگه بحث تمدن نوین اسلامی خوب فهم بشه همه ی اینا با هم یه جا حل می شه. سوال دهم رو محور قرار دادیم. این سوال که چیکار کردیم که حضرت ظهور نکرده؟ آیا طرح عملیاتی همین الان که حجت شرعی پشتش داشته باشیم برای ظهور حضرت می تونیم داشته باشیم یا نه؟ گفتیم که سه بخش و سه حلقه هست. به نظر معارف انقلاب اسلامی خوب خودشو تو این سه بخش خودشو نشون می ده. یه بخش بخش حق و باطل با همه ی توضیحاتی که دادیم. یه بخش زمینه سازی و تمدن نوین، بخش سوم این که رهبری این تمدن و ضامن اسلامیت این تمدن چیه؟ که عنوانش رو این دادیم که ولایت فقیه راهبرد ائمه علیهم السلام برای رهبری تمدن ساز عصر غیبت. ائمه ای که این همه صحبت از غیبت و سختی اش و ماجراهاش کردن آیا برنامه ای براش نداشتن؟ فقط گفتن خیلی سخته برین مشکلتون رو حل کنین؟ متاسفانه بعضی تقریرها اینجوریه. اما می خوایم وارد بخش دوم بشیم، که امام ره و آقا به طور ویژه بیانات صریح و شفاف دارند که می شه کاری کرد. کار عملیاتی و رو زمین، که ادعا اینه که همه ی سیاست های جمهوری اسلامی رو بر اساس این دارن تنظیم می کنند.[[2]](#footnote-2)

بخش دوم: برنامه و طرح عملیاتی امامین انقلاب برای ظهور

ادعا: یک برنامۀ متعادل، با حجت، به دور از افراط و تفریط و شدنی

این ادعا در ایام غیبت، محقق نشده، گر چه علمای زیادی تلاش کرده اند.

الف) رویکرد های سایر مسلمانان(علما و عوام، غیر از امامین انقلاب) نسبت به مهدویت و ظهور:

بسیاری از دغدغه مندان انقلاب و ظهور، چون با همۀ مسائل و نظامِ ذهنیِ امام خمینی و امام خامنه ای، بطور کامل آشنا نیستند، دچار افراط و تفریط های زیادی می شوند. مثلا عده ای می گویند: امامین انقلاب، کاری با ظهور و زمینه سازیِ ظهور امام عصر ندارند، عده ای می گویند: بله، باید یکسری کارهایی را انجام بدهیم، ولی نمی دانیم چگونه منتهی به ظهور می شود، عده ای می گویند: این گونه کلام ها، ربطی به کلام امام و آقا ندارند.

تنبیه: حضرت ولی عصر در نگاه شیعه: موجودی حیّ و زنده است و بعضی ها تصور اشتباه دارند که حضرت همیشه در خوشی و زیارت و دعا و معنویت اند، بلکه حضرت علاوۀ بر جنبۀ های الهی و معنوی، جنبۀ های انسانی و جسمانی هم دارند، یعنی گرسنه و تشنه و مریض و دچار مشکل و ... می شوند.

رویکرد های دوازده گانه مسلمین به مهدویت و ظهور:

رویکرد های انحرافی:

رویکرد1ـ انکار مغرضانه

رویکرد2ـ کج فهمی های فرقه ای: مثل افکار انجمن حجتیه غلیظ

رویکرد3ـ نا امیدی جاودانه

معرفی کتاب در مورد رویکرد «نا امیدی جاودانه»: کتاب «راز پنهانی و رمز پیدایی»(سید محمد بنی هاشمی) که این کتاب، منحرف کننده است و تأثیر منفی در جامعه و فضای مجازی داشته است. و این شخص، افکار انجمن حجتیه ای دارد.

پاسخی که مؤلف این کتاب برای راز پنهان شدنِ حضرت و رمزِ پیدا شدن و ظهور حضرت بیان می کنند؛ این است که به هیچ وجهی ما هیچ نقشی در ظهور حضرت نداریم و همه اش در دست خداست!!

رویکرد های عوامی:

رویکرد4ـ بی تفاوتیِ عافیت طلبانه: عموم مردم که کاری به ظهور و دغدغۀ آنرا ندارند و مشغول زندگی معمولی می باشند، به گونه ای که امام زمان در زندگی آنها، هیچ گونه حضوری ندارد.

رویکرد5ـ تطبیقات عوامانه: خیلی به دنبال نشانه های ظهور و مصداق یابی دارند.

مثلا دجال و سید خراسانی و جزیرۀ خضرا و...

دجال در روایات شیعه، خیلی کم است، بلکه غالبا در روایات اهل سنت است که احتمال اسرائیلیات بودنش هم وجود دارد(البته باید کار اجتهادی شود)

کتاب «العدد القویه»(برادر علامه حلی)، یکی از این رویکردهای تطبیقات عوامانه است که نشانه های ظهور را ذکر و تطبیق می دهد با وقایع و افراد.

این رویکرد، می گویند: مثلا فلان نشانه های ظهور واقع شده، پس باید ظهور هم رخ دهد(!) در حالیکه اینگونه نیست، بلکه هر گاهی که بخواهد ظهور رخ دهد، نشانه ها محقق می شوند، نه اینکه هر وقت نشانه ها واقع شوند، ظهور رخ می دهد.

این رویکرد، حجیت ندارد.

استدراک: البته نباید نشانه های ظهور را، بی اثر بدانیم، بلکه به آنها توجه شود و البته کار اجتهادی بر روی آنها انجام شود.

رویکرد6ـ انتظار عجولانه:

مثلا عده ای یک روایت را می بینند که در زمان ظهور، هرج و مرج می شود، بر اساس همین روایت، می خواهند کل واقعه ظهور را تفسیر و تحمیل کنند و می گویند: لذا نمی توان در آنصورت تمدن اسلامی داشت. که در نتیجه تلاشی برای تحقق تمدن اسلامی نمی کنند(!).

نکته: در روایات داریم که در زمان زمینه سازی ظهور، عجله نکنید.

رویکردهای لازمِ غیر کافی: این رویکرد ها، لازم و خیلی خوب هم هستند، ولی کافی نیستند، یعنی مشکلی را حل نمی کنند.

رویکرد7ـ عشق بازی های معنوی: مناجات و روضه و دعا(ندبه و...)

تذکر: این خیلی خوب است، و از هیچ، بهتر است ولی کفایت نمی کند.

رویکرد8ـ اقدامات عملی فردگرایانه: مثلا افرادی که خیلی دغدغه ظهور دارند و اقدامات عملی، همچون برگزاری مراسمات دعا و کارهای فرهنگی و... انجام می دهند، ولی روح کار و آنچه که در آخر باقی می ماند، یک کار فردی و شخصی است، و به یک کار جمعی و گروهی و اجتماعی(آمادگی جهانی)، منتهی نمی شود.

تذکر: این خیلی خوب است، و از هیچ، بهتر است ولی کفایت نمی کند.

رویکرد9ـ پیشگویی های عارفانه(بزرگان و علما و عرفا): این پیشگویی ها، موجب ثبات قدم و پشت گرمی است، ولی غرق شدنِ در این مسائل، انسان را از هدف اصلی، باز می دارد.

تذکر: این خیلی خوب است، و از هیچ، بهتر است ولی کفایت نمی کند.

رویکردهای علمی:

رویکرد10ـ علوم و عقایدِ اسلامی:

اقسام:

1. کتب تاریخی در مورد غیبت و ظهور در مورد حضرت،

2. کتب عقایدی و کلامی در مورد حضرت

3. کتب فلسفی ـ عرفانی مهدویت و ظهور

4. کتب فقهی حکومت عصر غیبت و فقه عصر غیبت و عصر ظهور و عصر حضور

5. موضوعات اسلامی با رویکرد های مهدوی: مثل خانواده مهدوی، جامعه مهدوی، اقتصاد مهدوی و...

نکته: بیشتر علمای طول تاریخ حوزه، در این دسته قرار می گیرند، اگر چه که ممکن است که در رویکردهای دیگر هم قرار بگیرند که البته این رویکردها هم، لازم است ولی فقط تئوری و دانشی است و از جنس اقدام و عمل نیستند.

رویکرد11ـ علوم انسانیِ غرب: برخی از پژوهشگران مسلمان سعی دارند با مسئله مهدویت(که اندیشه شیعی است)، برخی از مباحث و علوم غربی را، جواب های اسلامی به آن می دهند.

تذکر: نباید گول این رویکرد را نخورید و خیلی غرق این رویکرد نشوید.

بیان مباحث:

1) مباحث فلسفۀ نظریۀ تاریخ

مثلا پایان تاریخ؟ و...

2) مباحث جهانی شدن

مثلا دهکده جهانی و اقتصاد جهانی و ...

3) مباحث آینده پژوهی

این مباحث آینده پژوهی، مطالب به درد بخور و مفید است، البته باید افراد متخصص وارد چنین عرصه های بشوند ولی باید توجه داشت که به رویکرد انتظار عجولانه تبدیل نشود.

مثلا با مسائلی که از مهدویت فراگرفته ایم، چه برنامه عملیاتی برای 50سالِ آینده بریزیم؟

ب) رویکردهای امامین انقلاب نسبت به مهدویت و ظهور(رویکرد دوازدهم):

رویکرد12ـ رویکرد عملیاتی(زمینه سازی عاقلانه): رویکرد عملیاتی، این است که الان، چیکار کنیم که حجت داشته باشیم که اگر آن کار را بکنیم، وظیفۀ زمینه سازی مان را انجام داده ایم و امید داریم به طور حد اکثری که حضرت ظهور کنند.

نکته یک: در این رویکرد، نیاز های ظهور، به صورت دقیق بررسی می شود و علت اینکه چرا ظهور، محقق نشده و نمی شود را بررسی می کند. لذا سعی می کند که چند مولفه را شناسایی می کنند و بر روی آنها، کارهای اجتهادی و دقیق انجام می دهد که حل شوند و آن کاری که می خواهد انجام دهد که مشکلات ظهور، رفع شود، مسئله تحقق تمدن نوین اسلامی است. یعنی مسئله تمدن نوین اسلامی، اصلی ترین و بزرگترین و بهترین زمینه ساز عاقلانۀ ظهور حضرت می باشد و لو فرض که اصلا حضرتی نمی بود(معاذ الله) و شیعه نمی بودیم، باز هم، تمدن سازی، بزرگترین و بهترین کاری بود که میشد انجام دهیم.

نکته دو: این رویکرد، براساس تدبیر و عقل و حجت می باشد، این رویکرد، سعی می کند که تمام کمالات سایر مبانی را جمع کند و آنها را در ذیل خودش، متعادل و معنا کند، لذا سعی می کند که از تمام پشتوانه های علمیِ سایر مبانی استفاده و بهره ببرد حتی اگر از علوم انسانی غرب باشد، از رویکردهای لازم غیر کافی هم، کاملا استقبال و تشویق می کند و به صورت سیستمی آنها را گسترش می دهد و سعی می کند که رویکردهای عوامانه را، تقریر اجتهادیِ عالمانۀ صحیح بکند و استفاده کند و با رویکرد انحرافی هم، مبارزه می کند.

13/4/1390 در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران: هدف نهائی، تعالی و تکامل و  قرب الهی است. هدف پائین‌تر از آن، انسان‌سازی است؛ هدف پائین‌تر از آن، ایجاد جامعه‌ی اسلامی(یعنی تمدن نوین اسلامی) است، اینها اهداف هستند، این اهداف عوض شدنی نیستند.

<[*https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12857*](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12857)>

استاد بغدادی: مراد مقام معظم رهبری از اینکه فرموده اند: هدف انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، تحقق تمدن نوین اسلامی است. که هدفِ از این تحقق تمدن نوین اسلامی، انسان سازی است(همانطور که آقا در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی می فرمایند: تمدن، عظیم ترین کارخانه تربیت بشر است.) و هدف از انسان سازی، تعالی و تکامل و قرب الهی است.

19/10/1391 در دیدار مردم قم: اگر حرف شما ملت ايران پيش رفت، اگر شما توانستيد پيروز شويد، به آن نقطه‌ى موعود(تحقق تمدن نوین اسلامی) برسيد، آن وقت مسير تاريخ عوض خواهد شد؛ زمينه‌ى ظهور ولىّ‌امر و ولىّ‌عصر (ارواحنا له الفداء) آماده خواهد شد؛ دنيا وارد يك مرحله‌ى جديدى خواهد شد.

<[*https://www.leader.ir/fa/speech/10242/%D8%AF%DB%8C%D8%AF%D8%A7%D8%B1-%D9%85%D8%B1%D8%AF%D9%85-%D9%82%D9%85-%D8%AF%D8%B1-19-%D8%AF%DB%8C*](https://www.leader.ir/fa/speech/10242/%D8%AF%DB%8C%D8%AF%D8%A7%D8%B1-%D9%85%D8%B1%D8%AF%D9%85-%D9%82%D9%85-%D8%AF%D8%B1-19-%D8%AF%DB%8C)>

کتب پیشنهادی مقام معظم رهبری در مورد مهدویت: کتاب «دانشنامۀ حضرت مهدی»، 10جلدی آیت الله ری شهری، دار الحدیث

منبع: سلسله جلسات «تمدن، تنها مسیر ظهور ـ رویکردهای مهدویت و زمینه سازی عاقلانه»، استاد بغدادی

آدرس سایت: <http://tt-ej.ir/post/513>

مرحله دوم: طرح عملیاتی امام خمینی و امام خامنه ای برای ظهور

سئوال) مگر قرار نیست که ما طلبه ها که در حوزه ایم و شهریه می گیریم، قدمی برای اسلام و برطرف کردنِ مشکلات مسلمین برداریم؟، با این حال ما چگونه می توانیم برای امام زمان، کار کنیم و باید چه کاری بکنیم؟!

نگاه امام خمینی به مأموریت نهضت انقلاب اسلامی:

قدم اول: زمینه سازیِ ظهور، اصلی ترین هدف نهضت انقلاب اسلامی است.

سخنان امام خمینی:

پیام تلویزیونی امام به مناسبت عید نوروز1/1/1361: دست عنایت خداوند تبارک و تعالی به سر این ملت کشیده شد و ایمان آنان را تقویت فرمود و امیدواریم که این انقلاب، یک انقلاب جهانی بشود و مقدمه ای برای ظهور امام عصر باشد.

صحیفه امام ج15، ص62: امیدواریم این انقلاب جرقه ای و بارده ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده های زیر ستم، ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک امام عصر، منتهی شود.

صحیفه امام ج20، ص38: با آمادگی خود و صدور انقلاب و ابلاغ پیام خون شهیدان، زمینه را برای قیام منجی عالم فراهم سازیم.

صحیفه امام ج17، ص480: جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران، شروع شده، در حال گسترش است و امید بخش آتیۀ روشن و وعدۀ خداوند متعال را نزدیک و نزدیک تر می نماید، گویی جهان مهیا می شود برای طلوع آفتاب ولایت از مکه معظمه و کعبۀ آلام محرومان و حکومت مستضعفان.

صحیفه امام ج12، ص430: من امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم و این نهضت به نهضت بزرگ اسلام که نهضت ولی عصر است، متصل شود.

صحیفه امام ج، ص : انقلاب اسلامی ایران، با تأیید خداوند منان در سطح جهان در حال گسترش است و ان شاء الله با گسترش آن، قدرت های شیطانی به انزوا کشیده خواهد شد و حکومت مستضعفان بر پا و زمینه برای حکومت جهانی مهدی آخر الزمان، مهیا خواهد شد.

صحیفه امام ج21، ص13: ...

صحیفه امام ج8، ص374: ما همه، انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت کنیم، انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم که قدرت اسلام در عالم، تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور، ان شاء الله مهیا شود.

صحیفه امام ج20، ص345: ما به خواست خدا دست تجاوز و ستمِ همه ستمگران را در کشور های اسلامی می شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت، صدور اسلام راستین و بیان احکام است به سیطره و سلطۀ ظلم جهان خواران، خاتمه می دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی و مصلِحِ کل و امامت مطلق امام زمان، هموار می کنیم.

سخنان مقام معظم رهبری:

10/12/1368 در دیدار سپاه(در ایام نیمه شعبان): مسئله ولادت حضرت مهدی... شما باید زمینه را مهیا کنید تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینۀ آماده، اقدام کند، از صفر که نمی شود شروع کرد، جامعه ای می تواند پذیرای مهدی موعود باشد که در آن، آمادگی و قابلیت باشد و الا مثل انبیاء و اولیاء طول تاریخ می شود.

25/9/1376: تکلیف امروز ما، آماده کردنِ زمینۀ ظهور است که حضرت در آن زمینه، اقدام کند تا مانند بقیۀ معصومین نشود.

28/11/1381: انقلاب، پرچمِ عزت این ملت است و ملت این پرچم را در دست استوار خود، محکم نگه خواهد داشت و به فضل پروردگار، تسلیم امام زمان خواهد کرد.

19/10/1391: اگر حرف شما ملت ایران، پیشرفت، اگر شما توانستید پیروز شوید و به آن نقطۀ موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد و زمینۀ ظهور ولی امر و ولی عصر، آماده خواهد شد.

قدم دوم: طرح ها و راهکارهای عملیاتی برای زمینه سازی ظهور(یعنی چه چیزهایی باید انجام شود تا زمینه سازی ظهور محقق شود):

سخنان امام خمینی:

صحیفه امام ج6، ص233: من امیدوارم که همۀ ملت های اسلام که بواسطه تبلیغات و فعالیت های اجانب از همدیگر متفرق شده اند و مقابل هم قرار دارند، بیدار شوند و همه با هم، یک دولت بزرگ اسلامی بشوند، یک دولت زیر پرچمِ «لا اله الا الله» تشکیل بدهند و این دولت بر همه دنیا غلبه کند. (وحدت ملت ها و دولت های اسلامی)

صحیفه امام ج12، ص148: ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می کنیم، چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ «لا اله الا الله و محمد رسول الله»، در تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم.(صدور اسلام ناب محمدی به تمام جهان و مبارزه با مستکبران)

صحیفه امام ج10، ص446: چون دعوت اسلام، جهانی بوده و ما، دنبالۀ همان نهضتیم، پس انقلاب اسلامی نمی تواند محصور در یک کشور باشد و حتی نمی تواند در کشور های اسلامی محصور باشد.(صدور انقلاب)

صحیفه امام ج10، ص180: اگر چنانچه اسلام به آن معنایی که هست در ایران تحقق پیدا کند، مطمئن باشید که کشور ها یکی پس از دیگری، همین رویه را پیدا می کنند، نظر ما به این است که همۀ بلاد مسلمین، اسلامی باشند، حکومت در دنیا، حکومت اسلامی باشد یا عدل اسلامی در همه جا باشد.(الگو شدن برای سایر کشورها)

صحیفه امام ج21، ص81: ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب ناپذیر، نیاز سربازان اسلام را تأمین می کند، چه نیاز عقیدتی، چه نیاز مبارزاتی(بسیج بزرگ سربازان اسلام)

صحیفه امام ج20، ص319: بسیجیانِ جهان اسلام

صحیفه امام ج20، ص38: با آمادگی خود و صدور انقلاب و ابلاغ پیام خون شهیدان، زمینه را برای قیام منجی عالم فراهم سازید.

صحیفه امام ج20، ص345: ما با خواست خدا، دست تجاوز و ستمِ همۀ ستمگران را در کشور های اسلامی می شکنیم و با صدور انقلاب که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام است به سیطره و سلطۀ ظلمِ جهانخواران خاتمه می دهیم و به یاری خدا، راه را برای ظهور منجی و مُصلِحِ کل و امامت مطلقه امام زمان، هموار می کنیم.

صحیفه نور، ج18، ص12: تحولی که کمتر از صد سال، بعید به نظر می رسید با تقدیر خدای بزرگ در ایام معدود و ساعات معدود، تحقق یافت و چه بسا این دگرگونی در مشرق زمین و سپس در مغرب و اقطار عالم، تحقق یابد و آفاق را به جلوۀ ولی الله الأعظم، صاحب عصر، روشن فرماید و پرچم توحید و عدالتی الهی را بر فراز کاخ های سفید و سرخ، به احتزاز در آورد.

صحیفه امام ج16، ص330: وقتی با هم، دست برادری بدهید(امت واحد)، یک قدرت بزرگ جهانی را شما می توانید تحقق دهید، ایران رو به یک تمدن خواهد رفت.

صحیفه امام ج21، ص80: مسلمانان باید بدانند تا زمانی تعادل قوا در جهان به نفع آنها بر قرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آن، تقدم می یابد، مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی، رونق و زرق و برق کاخ های سفید و سرخ را از بین خواهند برد، ما باید خود را آماده کنیم و جبهۀ قدرتمند اسلامی ـ انسانی با نام و نشان اسلام و انقلاب ما، تشکیل و آقاییِ پابرهنگان، جشن گرفته شود.

سخنان مقام معظم رهبری:

19/10/1391: اگر حرف شما ملت ایران، پیشرفت، اگر شما توانستید پیروز شوید و به آن نقطۀ موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد و زمینۀ ظهور ولی امر و ولی عصر، آماده خواهد شد.

نقطۀ موعود و قلۀ کشور ایران: تمدن نوین اسلامی

23/7/1391: هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است.

19/6/1376: در تمدن اسلامی که نظام جمهوری اسلامی به سمت آن تمدن حرکت می کند، این را هدف گرفته ایم که دانش را با معنویت، پیش ببریم.

14/7/1379 در دیدار اساتید و طلاب حوزه علمیه قم: خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است، یعنی آن تمدنی که علم، همراه با اخلاق است، پرداختن به مادیات، همراه با معنویت و دین است و قدرت سیاسی، همراه با عدالت است، سرنوشت حتمی، عبارت است از اینکه تمدن اسلامی، یکبار دیگر بر مجموعۀ عظیمی از دنیا، پرتوی خود را بگستراند، نه به معنای اینکه لزوما نظام سیاسیِ اسلامی در نقاط دیگر جهان هم، قبل از عصر ظهور، گسترش پیدا کند بلکه تمدن، بر اساس یک فکر جدید، حرف جدید، نگاه جدید به مسائل بشر و مسائل انسانیت و علاج درد های انسانیت است، یک زبان نویی است که دلهای نسل های نو انسان و قشر های محروم جوامع گوناگون به معنای رساندنِ یک پیام است به دلها که به تدریج در میان جوامع مختلف، گسترش و رشد پیدا کند.

29/5/1376: ملت ایران به فضل پروردگار با هدایت الهی، با کمک های معنوی غیبی و با ادعیۀ ذاکیه و هدایت های معنویِ ولی الله الأعظم، خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سر بلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید این، آیندۀ قطعی شماست، جوانان خودشان را برای این حرکت عظیم، آماده کنند، نیروهای مومن و مخلص، اینرا هدف قرار دهند.

نیمه شعبان 1382: در مقابل مستکبران عالم، زمینه این، وجود دارد که توده های مردم بر روی حرف حق خودشان بایستند و در صورت تحقق این زمینه و مقاومت ملت ها، زمینه ظهور امام زمان، محقق خواهد شد.

24/7/1390: مطمئنا آن روزی که ملت های اروپا بفهمند که مشکلاتشان از صهیونیزم است، به پا خواهند خواست، چرا که بسیاری از مشکلات انگلیس، آلمان، ایتالیا، ناشی از سیاست های شبکۀ خبیثِ صهیونیستی است، چون این دولت ها از سرمایه داران و کمپانی دارانِ صهیونیست که در دنیا، زیاد حساب می برند و این بدبختی هایشان، ناشی از سلطۀ شیطانی و اهریمنیِ این شبکه است.

9/7/1390: روزی که مردم آمریکا و اروپا، بفهمند که مشکلاتشان ناشی از سر سپردگی دولت ها به شبکۀ صهیونیستی است، به پا خواهند خواست و خود مردم، نظام های استکباری را از بین می برند.

خلاصه سخنان مقام معظم رهبری: تمدن نوین اسلامی که اوج قله است، همین، تنهاترین اصلی ترین زمینه ساز ظهور است.

طبقه بندی و مراتب تمدن اسلامی(منازل هفتگانه سلوک جامعه به سمت کمال اسلامی):

مقدمه1ـ دعوت اسلامی

مقام معظم رهبری در اولین سالگرد ارتحال امام خمینی(10/3/1369): مصلِحان و نهضت های اسلامی در 150سال اخیر(از جمله: سید جمال الدین اسد آبادی و ...)، همگی این نقص بزرگ را در کار خود داشتند که به جای بر پا کردنِ یک انقلاب اسلامی، به یک دعوت اسلامی، اکتفا کردند. راه خاصِ امام که انقلاب و حکومت بود را، هیچکدام از مصلِحانِ زمان وی، پیش نگرفته بودند و فقط به دعوت اسلامی با قلم، اکتفا کردند که راه انبیاء، اینطور نبود و نتیجۀ کارشان هم، هرگز نتوانست از انحطاط مسلمین، جلوگیری کند و یا حتی اعتقاد اسلامی را در توده ها، افزایش دهد(یعنی انقلاب اسلامی، زمینه افزایش پشتوانه های اعتقادی را ایجاد کرده است، یعنی روح تمدنی و حکومتی، باعث افزایش تأثیر گذاری در جامعه می شود)، امام برای حیات دوبارۀ اسلام، درست همان راهی را پیمود که رسول اعظم پیمود، یعنی راه انقلاب را(یعنی انقلاب اسلامی، اولین گام تحقق تمدن اسلامی است)، تا رسیدن به هدف یعنی حاکمیت بخشیدن به دین خدا(یعنی هدف نهایی و تمدن اسلامی) و متلاشی ساختن قدرت شیطانی طاغوت، این راه را پیمود.

مقام معظم رهبری: امام به ما یاد داد که با مردم، باید انقلاب کرد، یعنی نتیجۀ بیداری نخبگان، باید بیداری توده ها را داشته باشد و توده ها، انقلاب کنند.

در حالی که ما قبلا متأثر از کتب و عقاید عبدو بودیم که می گفت: باید ابتدا نخبگان بیدار شوند که بعد، مردم بیدار شوند، در حالیکه این تفکر، اشتباه است.

مقدمه2ـ بیداری اسلامی

گام1ـ انقلاب اسلامی(شروع فرایند تحقق اهداف اسلامی)

نکته: مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی را، مبدأ پیچ تاریخی می دانند.

مقام معظم رهبری 14/3/1369: وقتی عصر جدیدی در تاریخ بشر، آغاز می شود، هیچ کس نمی تواند خود را از تأثیرات آن عصر، بر کنار دارد، دوران گذشتۀ تاریخ بشر هم، همینطور بوده است، هیچ کس ممکن نیست خودش را از تأثیرات دورانی که با پایه های محکم الهی و انسانی در جهان شروع شده، دور بدارد(انقلاب ما، این کار را کرد و این کار را می کند.)، ما می خواهیم اینرا اعلام کنیم اگر چه بسیاری از ملت ها و دولت های سطح زمین، تحت تأثیرِ این عصر جدید قرار گرفته اند، حتی نقشۀ سیاسی دنیا عوض شده، اما توقع نداریم که تحلیل گران و قضاوت کنندگانِ قدرتمند و سیاسی عالم، اقرار کند که این عصر، آغاز شده است. آنها اعتراف نمی کنند که دوران جدیدی آغاز شده، اما تحت تأثیر این دوران قرار گرفته اند و آنرا احساس می کنند، این عصر و این دوران جدید را باید، دوران امام خمینی نامید.

مقام معظم رهبری 27/10/1373: اگر امروز بگویند حکومت آمریکا که در همه جای دنیا، قلدر منحصر به فردی شده و در همه امور عالم، دخالت می کند، چند سال دیگر به یک کشور معمولی تبدیل خواهد شد و از های و هوی، خواهد افتاد، عینِ سرنوشت انگلیس، یعنی سرنوشت انگلیس را خواهد داشت که تا چند سال پیش(از 1800تا1950میلادی)، قدرت مطرحی بود، ولی امروز یک دولت درجه دو و سه دنیاست، بسیاری از ظاهربینان، خواهند گفت، این حرف ها چیست؟، مگر چنین چیزی امکان دارد؟، چند سال دیگر که بگذرد، ان شاء الله همه خواهید دید که اینطور می شود.

مقام معظم رهبری 19/4/1379 در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی: بنده به عنوان اولین کسی که از اول انقلاب تا امروز در مسائل گوناگون در عرصه های مختلفِ این نظام با جوانب و جریانهای گوناگون مواجه بوده ام، همه آدم ها را می شناسم، همه حرفها را می شناسم، هم با تبلیغات رسانه ای دنیا آشنا هستم، به یک جمع بندی رسیده ام که به طور خلاصه، این است: یک طرح همه جانبۀ آمریکایی برای فروپاشی نظام جمهوری اسلامی ایران طراحی شده است و جوانب آن، از همه جهت، سنجیده شده است، این طرح، طرح بازسازی شده است از آنچه که در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اتفاق افتاد، به نظر خودشان می خواهند همان طرح را در نظام جمهوری اسلامی ایران هم، اجرا کنند، دشمن اینرا می خواهد.

راه حل: مطالعه و بررسی علل اصلی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و اقدامات آمریکا و غرب در این فروپاشی

معرفی کتاب در این زمینه: کتاب «اصلاحات و فروپاشی»(تشریح طرح بازسازی شدۀ فروپاشی شوروی در ایران)، حسن واعظی، انتشارات سروش

مقام معظم رهبری 10/11/1390: بدانید امروز، تاریخ جهان و بشریت، بر سرِ یک پیچ بزرگ تاریخی است، دوران جدیدی دارد در همه عالم، آغاز می شود، نشانۀ بزرگ و واضح این دوران، عبارت است از: توجه به خدای متعال و استمداد از قدرت لایزال الهی و تکیه به وحی. بشریت از مکاتب و ایدئولوژی های مادی عبور کرده، امروز نه مارکسیست لازم دارد و نه لیبرال دموکراسی غرب جاذبه دارد، امروز در میان ملت اسلامی، بیشترین جاذبه، متعلق به اسلام است به قرآن است(که انقلاب اسلامی ایران، این جاذبه را ایجاد کرد)

نکته قابل تأمل: استکبار جهانی و تمدن غرب، بخاطر نبودِ رقیب، اینقدر بزرگ شده و به تمام عالم ظلم می کند، ولی اگر یک رقیب در جلوی آن، قد علم کند، تمدن پوشالی غرب از بین خواهد رفت، همانطور که در حال از بین رفتن است، لذا تمام تلاش آنها، سرکوب و از بین بردنِ انقلاب اسلامی ایران و و بیداری اسلامی(اتحاد تمدنی اسلامی) است.

تنبیه: پیچ تاریخی، پیچِ تاریخ است(!)، یعنی ممکن است که یک نسل یا حتی دو نسل به طول انجامد(پیچ جاده شما که نیست!!)

گام2ـ نظام اسلامی

اهداف انقلاب اسلامی را در قالب قانون در آوردن.

گام3ـ دولت اسلامی

دولت اسلامی: مجموعه ای از کارگزاران که روش و منش شان، اسلامی باشد.

امام خمینی: صحیفه امام ج6، ص233

ما الان، بین دولت اسلامی و کشور اسلامی هستیم.

استاد خسروپناه: الان ما در مرحله تحقق دولت اسلامی هستیم(بعد از تحقق انقلاب اسلامی و نظام اسلامی)، لذا در این عصر برای ما طلاب، فقه نظامات اجتماعی، از اوجب واجبات است، چرا که فقه نظامات اجتماعی، به ما یک توان ساختار سازی و نظام سازی را می دهد و زمانی که این ساختار ها پیدا شد می توانیم دولت اسلامی داشته باشیم.

سبک زندگی اسلامی ـ ایرانی

گام4ـ کشور اسلامی(ایران؛ ام القری و مرکزِ تمدن)

علوم انسانی اسلامی

گام5ـ تمدن نوین اسلامی (اتحاد حکومت های اسلامی)

بین الملل اسلامی

تحقق تمدن نوین اسلامی: تنها ترین و اصلی ترین مسیر زمینه سازی ظهور، یعنی تمدن نوین اسلامی، تمدنِ زمینه سازِ ظهور حضرت است.

تمدن نوین اسلامی، به تصریح امامین انقلاب، بالاترین سند رسمی جمهوری اسلامی که تمام برنامه ها باید در مسیر ظهور حضرت باشد با توضیحی که در این باره بیان فرموده اند.

امام خمینی: صحیفه امام ج21، ص327، صحیفه امام ج16، ص330، صحیفه امام ج21، ص80 و...

گام6ـ بیداریِ مستضعفین جهان

امام خمینی 25آذر1358: ما می خواهیم بفهمانیم که (زر سالاران یهود) با خودِ ملتِ آمریکا(مستضعفین) چه کرده اند(!)

امام خمینی در در وصیتنامه الهی ـ سیاسی، ج21، ص447 و ص448: ف - وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حکام و دست اندرکاران کشورتان یا قدرتهای‌ خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند.(أی: بیداری اسلامی) ما و شماها لااقل در این صد سال اخیر، که بتدریج پای قدرتهای بزرگ جهانخوار(استکبار و استعمار) به همه کشورهای اسلامی و سایر کشورهای کوچک باز شده است مشاهده کردیم یا تاریخهای صحیح برای ما بازگو کردند که هیچ یک از دوَل حاکم بر این کشورها در فکر آزادی(در مقابل استبداد) و استقلال(در مقابل استعمار) و رفاه ملتهای خود نبوده و نیستند؛ بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان یا خود به ستمگری و اختناق ملت خود پرداخته(استبداد) و هرچه کرده‌اند برای منافع شخصی یا گروهی نموده؛ یا برای رفاه قشر مرفه و بالانشین بوده و طبقات مظلوم کوخ و کپرنشین از همه مواهب زندگی حتی مثل آب و نان و قوت لایموت محروم بوده، و آن بدبختان را برای منافع قشر مرفه و عیاش به کار گرفته‌اند؛ و یا آنکه دست نشاندگان قدرتهای بزرگ بوده‌اند(استعمار نو) که برای وابسته کردن کشورها و ملتها هرچه توان داشته‌اند به کار گرفته(ضد استقلال) و با حیله‌های مختلف کشورها را بازاری برای شرق و غرب درست کرده(استعمار) و منافع آنان را تأمین نموده‌اند و ملتها را عقب مانده و مصرفی بار آوردند و اکنون نیز با این نقشه در حرکتند. و شما ای مستضعفان جهان وای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپاخیزید(قیام لله) و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرتها و عمّال سرسپرده آنان نترسید؛ و حکام جنایتکار(استبداد) که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می‌کنند (استعمار) از کشور خود برانید؛ و خود و طبقات خدمتگزار متعهد(مردم سالاری دینی، نه لزوما ولایت فقیه، بلکه ولایت فقیه، عام است)، زمام امور را به دست گیرید و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع(یعنی تمدن اسلامی)، و با دشمنان اسلام و محرومان جهان(بیداری مستضفان جهان) به دفاع برخیزید؛ و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوریهای آزاد و مستقل(یک چیزی شبیه اتحادیه اروپا) به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض(ظهور ولی عصر) خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.

این قسمت از وصیت نامه، استراتژی امامین انقلاب است که اصلا نهضت امام، با این استراتژی، شروع شده و ادامه پیدا کرد و پیروز شد و مقام معظم رهبری هم، در همین راستا، مباحث تمدن سازی نوین اسلامی را مطرح کرده اند، بطور خلاصه: قلبِ اندیشه های امامَین انقلاب، همین قسمت است.

امام خمینی 26مرداد1358: روز قدس، یک روز اسلامی است و یک بسیج اسلامی است، این امر، مقدمه باشد برای حزب مستضعفین در تمام دنیا و ندای اسلام را که وراثت ارض است، محقق کند، با تفرقه، کاری انجام نمی گیرد، اکنون که نمونه ای از این پیوند و اتحاد در بلاد مسلمین تحقق پیدا کرده است، باید در سطح وسیع تری در تمام قشر های انسان باشد، ما از جمیع مستضعفین عالم دعوت می کنیم که در این حزب وارد و مسائل خود را با ارادۀ عمومی، رفع کند و هر مسئله ای در هر ملتی باشد، با این حزب، حل شود.

نکته: بعد از اینکه دعوت امام خمینی در ایران به ثمر نشست، ایشان در یک مقطعی، شروع به دعوتِ مستضعفین جهان کرد و ایدۀ «حزب مستضعفین» را داد، یعنی امام خمینی در تاریخ 26 مرداد1358 که مقارن روز قدس بود، بعد از دعوت مردم ایران و مسلمانان به بیداری، مستضعفین جهان را هم، دعوت به بیداری کرد که روز قدس، پرچمِ دفاع از مستضعفین جهان است.

نتیجه: ظهور حضرت مهدی علیه السلام(حکومت جهانی اسلام)

کتب در این زمینه:

کتاب «تمدن نوین اسلامی در فرمایشات آقا» نشر شهید کاظمی

قدم سوم: آیا این طرح عملیاتی در تصمیم گیری های کلان جمهوری اسلامی دارد یا نه؟

سخنان امام خمینی:

صحیفه امام، ج21، ص327: مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما، محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران، نقطۀ شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت است که خداوند بر همۀ مسلمانان و جهانیان، منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی، اگر لحظه ای مسئولین را از وظیفه ای که بر عهده دارند، منحرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد، باید دولت جمهوری اسلامی، تمام سعی و توان خود را، در ادارۀ هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از هدفِ عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام(تمدن نوین اسلامی) است، منحرف کند.

سخنان مقام معظم رهبری:

14/6/1392 در دیدار خبرگان رهبری: آنچه وظیفۀ ما مجموعۀ مسئولان کشور، وظیفۀ دولت اسلامی است، این است که این سه مؤلفۀ بزرگ را برای همۀ تصمیم گیری ها و همۀ اقدامات، در نظر داشته باشند:

مؤلفۀ اول: آرمان ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی است که آرمان جمهوری اسلامی را می توان در یک جملۀ کوتاه، «ایجاد تمدن اسلامی»، خلاصه کرد.

مؤلفۀ دوم: راهبرد هایی که ما را به این هدف می رساند(استراتژی)، مانند تکیۀ بر اسلامیت، ظالم و مظلوم نبودن، وحدت، اینها سیاست های کلان و راهبرد های اساسی جمهوری اسلامی برای رسیدن به آن آرمان هاست.

مؤلفۀ سوم: واقعیات است که آنچه لازم داریم، آرمان گرایی با نگاهِ به واقعیت هاست.

واقعیات:

اسرائیل، غدۀ سرطانی است باید از بین برود.

آمریکا شیطان بزرگ است.

جنگ جنگ تا رفع فتنه

و...

مقام معظم رهبری: امام خمینی به ما نشان داد که رسیدن به مرز های عصمت، افسانه نیست.

جمع بندی: چه کاری باید انجام دهیم که حضرت ظهور کنند(چه راهبری باید انجام شود):

آیت الله مکارم در کتاب حکومت جهانی مهدی(این کتاب قبل از انقلاب تألیف شده1356):

صفحه212: انقلاب حضرت، انقلاب جهانی است، برای انقلاب جهانی، علاوۀ بر رهبری، آمادگی عمومی هم، لازم است که هنوز دنیا آمادۀ پذیرش چنان حکومتی نیست که به محض آمادگی، قیام او، قطعی است.

صفحه80: سه نوع آمادگی برای ظهور:

الف) آمادگی فکری و فرهنگی: یعنی باید عموم جهان از جهت فکر و فرهنگی، این حالت انتظار و نیاز به حضرت در آنها وجود داشته باشد.

ب) آمادگی اجتماعی: به معنای نا امیدی از تمدن مادی

ج) آمادگی تکنولوژی ـ ارتباطی: معجزه، استثنا است برای اثبات حقانیت، نه برای ادارۀ همیشگی. لذا این کار فقط باید بر اساس محور قواعد طبیعی صورت گیرد.

صفحه215: طریقۀ به وجود آمدن حالت عطش عمومی به حضرت ولی عصر در مردم جهان: یک قسمت، گذشت زمان است(امامین انقلاب: وقتی تمدن اسلامی ایجاد شود، گذر زمان به نفع اسلام است، ولی اگر ایجاد نشود، به ضرر اسلام است) و قسمت دیگر، بستگی به تعلیم و تربیت و رستاخیز فکر دارد.

آیت الله سبحانی در کتاب محاضرات:

صفحه354: (بعد از بحث علامات ظهور)، یکسری کارها هم وجود دارد، در جهت زمینه سازی ظهور؛ زمینه سازی ظهور، تحقق اهداف آن حضرت را، تسهیل می سازد که اصلی ترین آن، سه مورد است:

1ـ آمادگی جهانی

2ـ تکامل صنایع در جبهۀ حق

3ـ لشکر انقلابی جهانی

شهید مطهری در کتاب قیام و انقلاب مهدی:

صفحه58: در روایات داریم که یک دولت حقی وجود خواهد داشت که تا انقلاب مهدی ادامه می یابد و زمینه ساز ظهور خواهد بود.

صفحه59: قیام مهدی، آخرین حلقه از مجموعه حلقات مبارزه حق و باطل است که از آغاز جهان، بر پا بوده است.

آیت الله جوادی در کتاب مهدی، موجود موعود:

صفحه16: اطلاع از آیندۀ محتوم، فرمان مهندسیِ لازم را صادر می کند.

صفحه162: انقلاب اسلامی ایران، این انقلاب گرانقدر، هدفی جز زمینه سازی ظهور آن حضرت ندارد.

صفحه174: انتظار حقیقی، زمینه سازی ظهور حضرت میباشد.

خلاصه: برای زمینه سازی ظهور، چند امر لازم است:

1) آمادگی عمومی(برای پذیرش)

2) سربازانی برای سرداران حضرت که 313نفر میباشند.

3) قدرت و ابزار جنگ نرم و سخت

نتیجه: ایجاد و تحقق تمدن نوین اسلامی، تنها و اصلی ترین مسیرِ عاقلانه برای زمینه سازی ظهور است، بخاطر اینکه جنگ نهاییِ جبهۀ حق و باطل، در بالاترین سطح از جنگ است(جنگ فکری و جنگ سخت افزاری و جنگ سخت افزاری و...)، لذا ما نیازمندِ به بالاترین قدرت در جبهۀ حق را داریم و این بالاترین قدرت جبهه حق، فقط با ایجاد تمدن، محقق می شود.

لایه1ـ امّ القری و مرکز اصلی تمدن نوین اسلامی(دژ مستحکم): ایران

لایه2ـ اتحاد تمدنیِ کشور های اسلامی

حدودا شبیه اتحادیه اروپا یا اتحاد جماهیر شوروی

منبع: سلسله جلسات «تمدن، تنها مسیر ظهور ـ طرح عملیاتی امام خمینی و امام خامنه ای برای ظهور»، استاد بغدادی

آدرس سایت: <http://tt-ej.ir/post/513>

مرحله سوم: نظام تاریخ پژوهی و تاریخ جهان اسلام

مقدمه: امام خمینی یک شخصیتی کاملی بوده در ابعاد و جریان ها و جهات مختلف، در حالیکه بسیاری از علما و مصلحین قبل ایشان، فقط در یک بُعد و یک جهت و یک جریان، مصلح بوده اند، لکن امام، نمونه اتمّ و کامل است.

الف) بُعد مصلِحانۀ امام خمینی: امام خمینی، هم مصلِحِ فکری و دینی بود و هم مصلِح اجتماعی و حکومتی.

مقام معظم رهبری در اولین سالگرد ارتحال امام خمینی(10/3/1369): مصلِحان و نهضت های اسلامی در 150سال اخیر(از جمله: سید جمال الدین اسد آبادی و ...)، همگی این نقص بزرگ را در کار خود داشتند که به جای بر پا کردنِ یک انقلاب اسلامی، به یک دعوت اسلامی، اکتفا کردند. راه خاصِ امام که انقلاب و حکومت بود را، هیچکدام از مصلِحانِ زمان وی، پیش نگرفته بودند و فقط به دعوت اسلامی با قلم، اکتفا کردند که راه انبیاء، اینطور نبود و نتیجۀ کارشان هم، هرگز نتوانست از انحطاط مسلمین، جلوگیری کند و یا حتی اعتقاد اسلامی را در توده ها، افزایش دهد(یعنی انقلاب اسلامی، زمینه افزایش پشتوانه های اعتقادی را ایجاد کرده است، یعنی روح تمدنی و حکومتی، باعث افزایش تأثیر گذاری در جامعه می شود)، امام برای حیات دوبارۀ اسلام، درست همان راهی را پیمود که رسول اعظم پیمود، یعنی راه انقلاب را(یعنی انقلاب اسلامی، اولین گام تحقق تمدن اسلامی است)، تا رسیدن به هدف یعنی حاکمیت بخشیدن به دین خدا(یعنی هدف نهایی و تمدن اسلامی) و متلاشی ساختن قدرت شیطانی طاغوت، این راه را پیمود.

ب) بُعد انقلابی امام خمینی:

مراد از انقلابی بودن: برای بسیاری از انقلابیون جهان(چگوارا، جنبش چپ کمونیستی و گروه منافقین و فدائیان اسلام و...)، انقلابی بودن، هدف بود(یعنی در مبارزه بودن، مقصد بود) لذا زمانی که مبارزه شان تمام می شد، تلاش می کردند تا در جایی دیگر مبارزه کنند(!)، در حالیکه برای ما، انقلابی بودن، هدف نیست، بلکه راهبرد و استراتژی است.

نکته: بسیاری از انقلابیون جهان(مثل یاسر عرفات، کمونیست ها و...) که ادعای انقلابی گری داشتند، در ادامه را، از اهداف و آرمانهایشان(چه درست و نادرست)، دست کشیدند و رو به سازش آوردند، در حالیکه امام خمینی اینگونه نبود.

معنای انقلابی گری برای امام خمینی، سه رکن و رأس اساسی دارد:

یک: جهاد فی سبیل الله در تمام ابعاد

دو: اهل خون دادن و مبارزه

سه: استکبار ستیزی؛ یعنی دشمنِ ظالم بودن

ج) بٌعد تربیتی امام خمینی:

امام خمینی: همه داستان خلقت، تربیت انسان کامل است و حتی اگر می گوییم حکومت و تمدن و اصلا می گوییم اسلام، هدف غاییِ همه اینها، تربیت انسان کامل است.

محور ها و رویکرد های مختلف به تاریخ: شما باید تاریخ 10چیز را بدانید:

محور1. تاریخ ایران: یعنی به طور خاص، کشور ایران با کم و زیادیِ مرزهایش، چه مراحلی را طی کرده و به طور خاص در 150ـ200سال گذشته باید خوب کار کنید، یعن از جنگ های ایران و روس(اوائل قاجاریه 1803میلادی) تا به الان را خوب کار کنید(مقام معظم رهبری).

معرفی کتاب در این محور:

کتاب تاریخ تحولات سیاسی ایران، موسی نجفی و موسی حقانی، نشر دفتر تاریخ مطالعات تاریخ معاصر ایران

این کتاب، خیلی خوب و خلاصه، از قبل از اسلام شروع کرده تا رسیده به صفویه که از صفویه، مفصل بحث می کند بعد، قاجاریه و مشروطه را بحث می کند، مشروطه را خیلی خوب بحث کرده، بعد به تحریم تنباکو می رسد به فتاوا، بعد به پهلوی می رسد و به انقلاب اسلامی، ختم می شود. یک فصل خوب هم در مورد فراماسونری دارد که در آن، از اسناد علمی در مورد فراماسونری بحث می کند.

محور2. تاریخ جهان اسلام: یعنی تحلیلِ واحد از کل جهان اسلام بعنوان یک امت واحد

معرفی کتاب در این محور:

کتاب تاریخ و جغرافیای جهان اسلام، موسسه آیت الله مصباح

محور3. تاریخ تشیع: یعنی مراحل شکل گیری شیعه، حکومت های شیعی

شناخت جریان ها و جنبش های نوادگان امام حسن علیه السلام بعد از عاشورا

کتاب در این باره:

جنبش های حسنیان، نشر شیعه شناسی

کتاب غرب شناسیِ علمای شیعه، آقای رهدار

کتاب خوبی است که نشان داده تقابل مسیحیت و اسلامیت، غرب در بعد اقتصادی، غرب در بعد نظامی و غرب در بعد فرهنگی، غرب از چه زمانی با جهان اسلام تماس پیدا کردند و علمای شیعه، چه مبارزاتی را علیه آنها انجام دادند.

مطالعه این کتاب، یک پیشینه پژوهیِ بسیار خوب برای درک و فهم کار امام و انقلاب اسلامی است که امام در بستر مبارزات چه علمایی استوار بود.

کتاب، سازمان وکالت، موسسه امام خمینی

خیلی کتاب خوبی است، که نشان می دهد که ائمه به چه صورت جهان را براساس سازمان وکالت اداره می کرده اند.

معرفی کتاب در این محور:

کتاب تاریخ تشیع، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

محور4. تاریخ حوزه های شیعه: سیر تطور حوزه های شیعه

امام خمینی در اوایل انقلاب: یکی از بسترهای پیروزی انقلاب، کار عظیمی بود که شیخ عبدالکریم حائری (موسس حوزه علمیه قم) انجام داد.

معرفی کتاب در این محور:

کتاب تاریخ تحول حوزه شیعه

محور5. تاریخ اروپا(خصوصا از 1800میلادی به بعد)

تاریخ اروپا خیلی مهم است، از چند جهت:

1ـ شناخت جنگ جهانی اول و دوم(انگلیس، فرانسه، آلمان و روسیه)

2ـ تاریخچه نفوذ صهیونیست در اروپا

معرفی کتاب:

کتاب تاریخ نفوذ صهیونیست در اروپا(یا صهیونیست و اروپا)

3ـ بستر شکل گیری فراماسونری و صهیونیست

معرفی کتاب در این محور:

تاریخ تمدن، 5جلد، نشر معارف

خیلی خلاصه، مفید و مختصر، ابعاد تمدنیِ غرب و اسلام را از قدیم تا الان نشان دهد.

محور6. تاریخ امریکا

معرفی کتاب در این محور:

کتاب تاریخ آمریکا هاوارد زین، نشر عامل(خیلی مفصل)

کتاب رویای آمریکایی، هاوارد زین که کتاب تاریخ آمریکا را خلاصه کرده، نشر هلال

جزء بهترین کتاب ها در این زمینه است که به صورت درسی نگار آمریکا نوشته شده است.

محور7. تاریخ استکبار؛ یعنی تاریخ استبداد و تاریخ استعمار

نکته مهم: ما هنوز امام را خوب نشناخته ایم، در خوشبینانه ترین حالت می گویند: امام شاه را بیرون کرد. این، ظلمِ به امام است، چرا که امام، نه تنها سلطنت 2500ساله را سرنگون کرد، بلکه هیچ وقت شاه را مستقل نمی دید، بلکه همیشه امام میگفت که دشمن اصلی، آمریکا و صهیونیست است.

نکته: لذا باید استکبار(تاریخ محور جبهه باطل) و دو مفهوم استبداد و استعمار را خوب بشناسید:

استبداد: دخالت کردن از داخل کشور در امور داخلی کشور

مثال: حاکمان مستبِدّ قاجار و ...

استعمار: دخالت کردن از خارج در امور داخلی کشور

مثلا استثمار و استعمار هند توسط انگلیس

استبداد و ظلم، از اول خلقت دنیا وجود داشته و به دلیل وجود صنعت و رسانه و تکنولوژی، اصل بوده ولی در عصر مدرن که از ۱۵۰۰م شروع می شود(یعنی پایان قرون وسطا) و دنیا، صنعتی و کشتیرانی و ارتباطات و تکنولوژی و رسانه و... شده، اصل و محور اساسی، استعمار است.

نتیجه: نهضت امام خمینی، در عین اینکه ضد استبدادی(علیه شاه) بود، ضد استعماری(علیه آمریکا و صهیونیست) هم بود، البته استبداد و استعمار، ذیل واژه «استکبار» که واژه قرآنی است، جمع می شوند، لذا امام هم از این واژه زیاد استفاده کرد.

شعار جمهوری اسلامی ایران: «استقلال آزادی جمهوری اسلامی»

استقلال در مقابل استعمار است.

آزادی در مقابل استبداد است.

مقام معظم رهبری 13/8/1371: بعد از فروپاشی شوروی، همین استبداد به نفع آمریکا و بلوک غرب، افزایش پیدا کرده، بنده در دو ـ سه نطق بین المللی (سازمان ملل زمانی که رئیس جمهور بودم) بر روی این نکته، به عنوان سلطه جهانی، تأکید کردم و امروز احساس می کنم استعمال اصطلاح استبداد جهانی، یا دیکتاتوری بین المللی، گویا تر است.

معرفی کتاب در این محور:

کتاب بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد سال اخیر، شهید مطهری

گر چه کتاب مجملی است، ولی خیلی عالی تحلیل کرده.

کتاب تاریخ استعمار یا شناخت استعمار، جامعه المصطفی

کتابی، نسبتا خوب است

کتاب پیوند بهائیت و صهیونیست، خانم زینت السادات انوری، نشر علّیون

کتاب استعمار فرانو، پژوهشگاه امام خمینی

کتاب عیوضی، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه

کتاب جنبش های اسلامی معاصر، سید احمد موثّقی، نشر سمت

کتاب گونه شناسی جنبش های اسلامی در قرن20، سید محمد موسوی، نشر پیام نور

محور8. تاریخ تقابل اسلام و غرب؛ یعنی پیشینه پژوهیِ تقابل اسلام و غرب

معرفی کتاب در این محور:

کتاب تقابل و رویارویی اسلام و غرب، نشر بوستان کتاب

کتاب تقابل اسلام و غرب، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه

محور9. تاریخ نهضت های ضد استعماری معاصر

نهضت مشروطیت

جنبۀ ضد استبدایِ نهضت مشروطیت، خیلی قوی بود، ولی جنبۀ ضد استعماری اش، خیلی ضعیف بود.

نهضت ملی شدن صنعت نفت

جنبۀ ضد استعمالی نهضت ملی شدن صنعت نفت، خیلی قوی بود، ولی به جنبه ضد استبدادی خیلی توجه نکرده بودند.

انقلاب اسلامی ایران، هم نهضتِ ضد استبدادی بود و هم نهضت ضد استعماری

معرفی کتاب در این محور:

کتاب تاریخ تحولات سیاسی ایران، موسی نجفی و موسی حقانی، نشر دفتر تاریخ مطالعات تاریخ معاصر ایران

این کتاب، خیلی خوب و خلاصه، از قبل از اسلام شروع کرده تا رسیده به صفویه که از صفویه، مفصل بحث می کند بعد، قاجاریه و مشروطه را بحث می کند، مشروطه را خیلی خوب بحث کرده، بعد به تحریم تنباکو می رسد به فتاوا، بعد به پهلوی می رسد و به انقلاب اسلامی، ختم می شود. یک فصل خوب هم در مورد فراماسونری دارد که در آن، از اسناد علمی در مورد فراماسونری بحث می کند.

محور10. تاریخ کلان تقابل جبهه حق و باطل؛ جامع تمام تاریخ های قبلی

معرفی کتاب در این محور:

کتاب تاریخ تمدن و ملک مهدوی، آقای همایون

برای قدم اول، نسبتا خوب است.

کتاب تبار انحراف

این کتاب به همه ابعاد تاریخ تقابل حق و باطل نپرداخته

جمع بندی: اگر فرد و شیعه، به فهمِ تمام ابعاد تقابل حق و باطل نرسد، واقعا در تراز انقلاب اسلامی قرار نمی گیرد.

بررسی تاریخ جهان اسلام به صورت خلاصه:

علت بررسی تاریخ عصر امام خمینی؛ بخاطر اینکه بتوانیم کلام ایشان را فهم کنیم، بررسیِ تاریخ عصر امام خمینی به صورت خاص، اهمیت دارد و صرفا بحث شخصی و فردی نیست، بلکه کمک می کند که شخص، فضای انقلاب را درک کند.

سیری کلی و خلاصه از تاریخ جهان اسلام:

1ـ حکومت واحد پیامبر اکرم صل الله علیه و آله و سلم و حکومت خلفای راشدین(ابوبکر و عمر و عثمان و امیرالمومنین علیه السلام) از 11هـ تا 40هـ (40سال)

2ـ حکومت بنی امیه از 40هـ تا 132هـ(749م)(92سال)

3ـ حکومت بنی عباس از 132هـ تا 656هـ(524سال)

معرفی کتاب در این زمینه:

کتاب دولت عباسیون، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

عوامل تضعیف حکومت بنی امیه:

آل بویه از 321هـ تا 4۸۹هـ(۱۲۰سال)

جنگ های صلیبی همزمان با پایان آل بویه و شروع سلجوقیان از 489هـ تا 691هـ(از 1095 تا 1291م)

از علل اصلی افول تمدن اسلامی

کتاب در این باره:

کتاب جنگ های صلیبی، 8جلد نشر پژوهشگاه امام صادق علیه السلام

سلجوقیان تا ۵۹۰(۱۴۰سال)

حمله مغول از 615هـ تا 769هـ

از علل اصلی افول تمدن اسلامی

4ـ حکومت عثمانی تقریبا 1300م(700هـ) تا 1924م (624سال)

معرفی کتاب:

کتاب دولت عثمانی، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

کتاب صهیونیست و انقراض دولت عثمانی، نشر هلال

صفویه از 1500م 1730(230سال)

نقطه عطف ایران

شروع انحطاط حکومت عثمانی از ۱۷۰۰م

5ـ حکومت قاجار از 1793م

حکومت قاجاریه، مقارن با انقلاب صنعتیِ غرب(1800م)است، لذا شروع استعمار شدید ایران

تحلیل کاربردی: این، یک مکر الهی است، آیا تا حالا فکر کرده اید که چرا غرب با اسلام اینقدر مشکل پیدا کرد؟ بخاطر اینکه سرزمین های اسلامی، ذخایر عظیم نفت و انرژی است. سئوال بعدی، این است که مگر خداوند نفرمود که اسلام، جهانی خواهد شد، چطور می خواهد جهانی شود؟ غرب مدرنی که رسانه و صنعت دارد که کل جهان، تحت تأثیرش قرار می گیرد، که خون و رنگِ حیات تمدن غرب، نفت و انرژی است که این ها دقیقا در کشورهای اسلامی است که غرب با این کارهایش، دارد به اسلام خدمت می کند به اینصورت که ابتدا غرب یک دین بر اساس هوای نفس و شیطانیات در جهان، ایجاد و گسترش می دهد و دنیا را استعمار می کند خصوصا کشورهای اسلامی را، کشور های اسلامی در جلوی تمدن غرب، ایستادگی می کنند، غرب در ابتدا با اسلام مشکل نداشت، چرا که برای غرب، ثروت و انرژی و صنعت، موضوعیت داشت و مهم بود ولی زمانی که مقاومت اسلام را دیدند، با مسلمانان تقابل می کنند، حال با این گسترش و تسلط غرب بر جهان، و از طرفی با وعده حق خداوند که اسلام بر غرب و استکبار پیروز می شود، در اینصورت چون رسانه و حاکمیت جهان است، کل جهان، تحت سلطه و حاکمیت اسلام قرار خواهد گرفت.

یعنی شرایط جهان امروز(رسانه و دهکده جهانی و ...)، باعث حاکمیت اسلام خواهد شد، در حالیکه حکومت صفویه هم، تا حدودی در راه تمدن اسلامی قدم برداشت، ولی چون جهان رسانه نداشت و بصورت دهکده جهانی نبود، نتوانست.

قرارداد ترکمن چای؛ اولین قرارداد استعماری تاریخ ایران

بواسطه این قرارداد، ضربه روحی به مردم وارد شد، هم سرزمینهایی از ایران جدا شد، هم پول هایی از ایران جدا شد و هم حق کاپیتولاسیون را به روس ها داد.

شروع جنگ های ایران و روس ۱۸۰۳

مقام معظم رهبری: جوانان تاریخ معاصر را اواسط قاجار و از جنگ های ایران و روس به بعد بخوانند.

کتاب تاریخ تحولات سیاسی ایران، موسی نجفی و موسی حقانی، نشر دفتر تاریخ مطالعات تاریخ معاصر ایران

این کتاب، خیلی خوب و خلاصه، از قبل از اسلام شروع کرده تا رسیده به صفویه که از صفویه، مفصل بحث می کند بعد، قاجاریه و مشروطه را بحث می کند، مشروطه را خیلی خوب بحث کرده، بعد به تحریم تنباکو می رسد به فتاوا، بعد به پهلوی می رسد و به انقلاب اسلامی، ختم می شود. یک فصل خوب هم در مورد فراماسونری دارد که در آن، از اسناد علمی در مورد فراماسونری بحث می کند.

اشغال سفارت روسیه در تهران و قتل 40نفر از اعضای سفارت و هیربایرف(1808م)؛ اولین قیام جدی مردم ایران

این اشغال سفارت، پیشینۀ و سابقۀ اشغال لانه جاسوسی آمریکاست.

شروع فتنه باب

به قدرت رسیدن ناصرالدین شاه (50سال): اصلی ترین حاکم قاجار

فرد مهمی است در تاریخ ایران(از جهت منفی)؛

جدا شدن بخش های زیادی از ایران

امتیازهای فراوان استعماری

شروع اعزام دانشجو به خارج از کشور و غرب زدگی و روشن فکری

تأثیر فرهنگی از غرب

پیدایش فراماسونری و بابیت

قیام تنباکو 1891م؛ اولین قیام جدی حوزه در دوره معاصر

تحریم تنباکو۱۲۷۰ش(۱۱سال قبل تولد امام)

مرگ ناصرالدین شاه۱۲۷۵ش(6سال قبل تولد امام)

شهادت سید جمال الدین اسد آبادی 1897م، 1276ش(5سال قبل تولد امام)

پرچمدار و شروع کننده و سرسلسله قیام های اسلامی علیه استعمار: سید جمال الدین اسد آبادی

سید جمال اسد آبادی، شیعه و شاگرد شیخ انصاری در فقه و اصول و شاگرد ملا حسین قلیِ در عرفان

اثر جدی و اصلیِ سید جمال اسد آبادی، بر روی جنبش های اهل سنت است.

مهم ترین و جدی ترین شاگرد سید جمال اسد آبادی، محمد عبدو(سنّی) است.

سید جمال، به توصیه شیخ انصاری، به هند رفت، سپس به عثمانی رفت و سپس به پاریس رفت و مجله عروۀ الوثقی را چاپ کرد، این سفر هایش، باعث شد که واقعیت و استعمار را خوب بشناسد. ناصرالدین شاه، سید جمال را به ایران دعوت می کند، سید جمال احساس کرد که این، فرصت خوبی است برای اینکه از قدرت پادشاه و حکومت ایران برای بیدار کردن مردم، علیه استعمار استفاده شود، ولی وقتی رفت و با واقعیت دربار ایران مواجهه شد، متوجه شد که اصلا اینها، دولتی نیستند که بخواهند با استعمار بجنگند، بلکه فهمید که آنها در واقع، دست نشانده های استعمارند و متوجهِ پیوندِ زیاد استعمار و استبداد شد (استکبار)، در اینجا سید جمال، شروع به کارهای ضد استبدادی هم انجام داد، که از ایران اخراج شد و رفت به عثمانی و پادشاه عثمانی هم از تفکر ضد استبدادی و استعماریِ سید جمالی، میترسد و او را مسموم می کنند و یکسال بعد از قتل ناصرالدین شاه، سید جمال شهید می شود.

شهید مطهری در کتاب بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد سال اخیر می فرماید: سید جمال، به خوبی، استبداد داخلی و استعمار خارجی را شناخت و آغاز نهضت بازگشت به اسلام توسط ایشان بود و...

مقام معظم رهبری 30/3/1360: او(سید جمال)، مطرح کننده و به وجود آورنده و آغازگرِ حاکمیت اسلام، نظام اسلام بود، و نمی شود او را با کس دیگر مقایسه کرد، اولین کسیکه سلطه استعماری(به معنای مقطع 1800م به بعد) را برای مردم مسلمان معنا کرد و در ایران، مصر، ترکیه، هند و کل خاورمیانه، اثر گذاشت، ایشان بود، آن زمان، آغاز استعمار بود، کسی استعمار را نمی شناخت و مبارزات سیاسی وی، قابل مقایسه با افراد حول و حوش او نیست.

مقام معظم رهبری 15/11/1389: اثر اصلی سید جمال، آن مرد اسلام خواه، شجاع، مبارز، بزرگ، بهترین جا، در مصر بود و پس از او، محمد عبدو راه او را ادامه داد.

استاد بغدادی: اینکه می گویند که سید جمال گفته: رفتم به غرب، اسلام دیدم و لی مسلمان نه، و به شرق آمدم ...، این اصلا کلام سید جمال نیست و می خواهند با این ها، چهره سید جمال را خراب کنند یا اینکه سید جمال را خوب نمی شناسند.

 منبع: سلسله جلسات «تمدن، تنها مسیر ظهور ـ نظام تاریخ پژوهی و تاریخ جهان اسلام»، استاد بغدادی

آدرس سایت: <http://tt-ej.ir/post/513>

مرحله چهارم: عصر امام خمینی

تولد امام خمینی ۱۲۸۱ش، 1320ق، 1902م

۱. نیمه اول تاریخ معاصر؛ از مشروطه 1283ش تا محمد رضا شاه1320ش(۳۷سال)

زمزمه های آغازین مشروطه؛ 2سالگی امام خمینی ۱۲۸۳ش، 1905م، محرم1323ق

آغاز جنگ جهانی اول؛ 12سالگی امام خمینی 1293ش، 1914م

بروکاست و قحطی ایرانی؛ رحلت مادر امام خمینی

معرفی کتاب:

کتاب قحطی بزرگ، نشر پژوهش های سیاسی(وزارت اطلاعات)

کتاب خیلی خوبی است که براساس اسنادی است که خود آمریکا چاپ کرده، نوشته شده.

پایان جنگ جهانی اول و شکل گیری اتحاد جماهیر شوروی؛ 17سالگی امام خمینی 1919م

تأسیس حوزه قم متأخر توسط آیت الله حائری یزدی و هجرت امام از اراک به قم؛20سالگی امام خمینی 1301ش، 1922م

امام خمینی پس از سه سال تحصیل در خمین و دو سال در اراک به قم هجرت می کند.

آغار رسمی سلطنت پهلوی؛ 22سالگی امام خمینی 1303، 1924م

رحلت میرزاجواد آقا ملکی تبریزی(صاحب المراقبات)؛ 23سالگی امام خمینی 1304ش

26سالگی امام خمینی 1307ش

۱. شروع درس عرفان نزد آیت الله شاه آبادی؛ ورود آیت الله شاه آبادی به قم و تلمذ خاص امام نزد ایشان(عرفانی)

۲. شروع درس خارج فقه و اصول نزد آیت الله حائری یزدی؛ اتمام دروس سطح امام پس از یازده سال و ورود به درس خارج آیت الله حائری یزدی(فقه و اصول)

تألیف شرح دعای سحر

ماجرای فلک شدن و تبعید آیت الله بافقی

ازدواج امام خمینی؛ 27سالگی در 1308ش

تولد آقا مصطفی خمینی؛ 29سالگی امام 1310ش

33سالگی امام خمینی 1314ش

شروع کشف حجاب

برگشت آیت الله شاه آبادی به تهران

یعنی امام هفت سال شاگرد و حتی ملازم ایشان شده بود.

آثار آیت الله شاه آبادی:

شذرات المعارف، آیت الله شاه آبادی

لزوم انسجام مسلمین

تشکیل هیئات منسجم

اخوت اسلامی

رشحات البحار، آیت الله شاه آبادی

34سالگی امام خمینی 1315ش

وفات آیت الله حائری

پایان تحصیلات حوزوی امام خمینی

شهادت آیت الله مدرس

36سالگی امام خمینی 1317ش

شروع درس اخلاق توسط امام به سبک و حالت تدریسی از روی کتاب منازل

تألیف کتاب سر الصلاۀ

آغاز جنگ جهانی دوم 1939(20سال بعد از اتمام جنگ جهانی اول)؛ 37سالگی امام خمینی 1318ش

۲. نیمه دوم تاریخ معاصر؛ از محمد رضا شاه 1۳۲۰ش تا انقلاب اسلامی ایران13۵۷ش(۳۷سال)

پایان حکومت رضا شاه و آغاز حکومت محمد رضا شاه؛ 39سالگی امام خمینی 1320ش

اشغال ایران بین روس و انگلیس

تألیف کتاب آداب الصلاۀ

این تغییر قدرت، در میانه جنگ جهانی دوم است

42سالگی امام خمینی 1323ش

ورود آیت الله بروجردی به قم

تألیف کتاب شرح جنود عقل و جهل

تألیف کتاب کشف الأسرار

43سالگی امام خمینی 1324ش

پایان جنگ جهانی دوم 1945م با بمب اتم آمریکا

آغاز ابر قدرتی آمریکا

44سالگی امام خمینی 1325ش

مرجعیت عام آیت الله بروجردی

اتمام درس اخلاق امام خمینی

46سالگی امام خمینی 1327ش

آغاز تدریس خارج فقه و اصول به اصرار شهید مطهری

تحلیل استاد بغدادی: امام توقعی و انتظاری که از آیت الله بروجردی داشت(یعنی ایجاد انقلاب و تحول)، محقق نشد، لذا خود امام وارد شد و از آنجایی که امام، قبل از این تاریخ، رویکردهای فلسفی و عرفانی داشت، دید که برای زعیم و رهبر انقلاب شدن، باید پشتوانۀ مردمی داشته باشیم و لذا مردم با فلسفه و عرفان، ارتباط ندارند، پس مرجعیت را لازم دید تا مردم را هم، با خود برای تحول و انقلاب، همراه کند.

تاسیس رسمی اسرائیل1948م

ملی شدن صنعت نفت؛ 48سالگی امام خمینی 1329ش

کودتا ۲۸مرداد؛۵۱سالگی امام خمینی ۱۳۳۲ش

این کودتا، اولین و موفقترین کودتای سازمان سیا در خارج از مرزهای آمریکاست

نقطه اصلی ورود آمریکا به ایران و شروع دشمنی خاص آمریکا با ایران فارغ از اسلامیت ایران

رضا شاه تا قبل از کودتا، «محمد رضا شاه انگلیسی» بود ولی بعد از کودتا، «رضا شاهِ آمریکایی» شد.

53سالگی امام خمینی 1334ش

اعدام فدائیان

تشکیل ساواک

58سالگی امام خمینی 1339ش

به رسمیت شناختن اسرائیل توسط ایران

۵۹سالگی امام خمینی۱۳۴۰ش

رحلت آیت الله بروجردی 10فروردین

مقاله شهید مطهری با عنوان «خدمات آیت الله بروجردی به حوزه ها و اسلام»

رحلت آیت الله کاشانی

آغاز رسمی مرجعیت امام خمینی

صحیفه امام ج1، ص46، اولین اجازه نامه امام17فروردین1340: اجازه نامه به سید شجاد حججی در امور حسبیه

۶۰سالگی امام خمینی۱۳۴۱ش

اعتراض به لایحه انجمن ایالتی ولایتیِ دولت(در مقابل دولت)

لایحه انجمن ایالتی ولایتی: اینکه برای انتخاب، شرط قسم خوردن به قرآن و ... برداشته شد. امام خمینی در اینجا علما و آقای شریعتمداری و ... را جمع میکند، نامه محترمانه می نویسند به صورت نرم و محترمانه، که در نتیجه، عملا موفق می شوند، یعنی این لایحه تصویب نمی شود.

آغاز نهضت خمینی

امام خمینی در 12شهریور1341(اولین سند امام علیه استعمار)ج1، ص77: ما با «اسرائیل» و «بهاییها» مخالفیم: راهی که من انتخاب کرده‌ام راهی است که مردم خواهان آن می‌باشند. و اگر من هم مثل دولتیها حرف بزنم مردم مرا هم طرد خواهند نمود. من با هیچ یک از کشورهای مسلمان رابطه‌ای ندارم [(2)](http://(2)) ... ولی موقعی که اختلافاتی بین همان کشورهای اسلامی و حکومت یهود به وجود می‌آید، چاره‌ای جز جانبداری از حکومتهای اسلامی ندارم. و اگر دولت ایران، رابطه خود را با کشور اسرائیل قطع کند، آن وقت روحانیت ایران یکصدا بر ضد تحریکات کشورها ... علیه حکومت شیعه ایران، قیام خواهند نمود. اکنون که پیشرفت آثار تمدن غرب و همچنین نفوذ تبلیغات کمونیستی، بسیاری از مردم ایران و جوانان ما را به سوی فساد کشانیده، برای جلوگیری از این خطر بزرگ، چاره‌ای جز تقویت امور معنوی در مردم نیست؛ و کسانی که به نام تجدد، روحانیت را ضعیف می‌کنند به توسعه فساد دامن می‌زنند. ما با اسرائیل و بهاییها نظر مخالف داریم و تا روزی که مسئولین امر، دست از حمایت این دو طبقه برندارند، ما به مخالفت با آنها ادامه می دهیم.

امام خمينی در 2آذر1341، ج1، ص94: این قانونی که می‌خواهند در مملکت شیوع بدهند، در حزب آقای عَلم طرح شده، و آقای عَلم بدانند که مردم از پای نمی‌نشینند تا لایحه لغو شود؛ و پس از تشکیل مجلس نیز ساکت نخواهند نشست. مطبوعات را سانسور نموده‌اند و می‌گویند آزادی هست… دولت، خوب است وظیفه خود را بداند؛ ما را زیر دست یک مشت کلیمی که خود را به صورت بهایی درآورده‌اند پایمال ننماید. ما به همان نحو که در روزنامه‌ها تصویب لایحه را نوشتند، می‌خواهیم لغو آن را هم درج کنند.

امام خمینی اواخر دی1341، ج1، ص133: آقایان توجه داشته باشند که با وضعی که پیش آمده، آینده تاریک، و مسئولیت ما سنگین و دشوار می‌باشد. حوادثی که اکنون در جریان است، اساس اسلام را به خطر نابودی تهدید می‌کند. توطئه حساب شده‌ای علیه اسلام و ملت اسلام و استقلال ایران تنظیم شده است. باید توجه داشت که این حادثه را نمی‌توان با غائله «تصویبنامه» [(1)](http://(1)) مقایسه کرد و به همان ملاک، نسبت به این ماجرا برخورد نمود.آن غائله به حسب ظاهر به دولت مربوط می‌شد، طرف حساب ما دولت بود؛ شکست نیز به پای دولت محسوب گردید و شکست یک دولت حتی سقوط دولتی در یک حکومت چندان اهمیت ندارد، اساس رژیم را برباد نمی‌دهد و حتی گاهی برای تحکیم رژیم و حفظ آن از خطر، به سقوط دولت مبادرت می‌شود؛ لکن در اینجا آن که روبه روی ما قرار دارد و طرف خطاب و حساب ما می‌باشد، شخص شاه است که در مرز مرگ و زندگی قرار گرفته و چنانکه خود اظهار داشته، عقب نشینی او در این مورد به قیمت سقوط و نابودی او تمام خواهد شد. بنابراین او مأمور است که این برنامه را به هر قیمتی است به مرحله اجرا بگذارد و نه تنها عقب نشینی نمی‌کند و دست از کار نمی‌کشد، بلکه با تمام قدرت و با کمال درندگی با هر گونه مخالفتی مقابله خواهد کرد. بنابراین نباید مثل غائله گذشته، عقب نشینی دستگاه را انتظار داشت؛ و در عین حال، مخالفت و مبارزه با آن از وظایف حتمیه و ضروریه ما می‌باشد، زیرا خطری که اکنون عموم مردم را تهدید می‌کند بزرگتر از آن است که بتوان از آن چشم پوشید و در قبال آن بی‌تفاوت ماند. دستگاه حاکمه برای اغوا و اغفال ملت، دام وسیعی گسترده و به یک سلسله اعمال ظاهر فریب و گمراه کننده دست زده است. و ما اگر در مقابل به بیدار کردن و متوجه ساختن توده مردم اقدام نکنیم و از افتادن آنها به دام استعماری که برای آنان گسترده‌اند جلوگیری ننمایم، ملت اسلام در معرض فنا و نیستی قرار خواهد گرفت؛ فریب خواهد خورد و منحرف خواهد شد؛ و در آن صورت علمای اسلام و جامعه روحانیت علاوه بر آنکه خواه ناخواه خود نیز راه نیستی و انحراف را خواهد پیمود و خدای نخواسته از میان خواهد رفت، پیش خداوند تبارک و تعالی نیز مسئول و مؤاخذ خواهد بود که چاه را دیده و نابینایان را از افتادن در آن برحذر نداشته است.

۶۱سالگی امام خمینی۱۳۴۲ش، 1963م

انقلاب سفید، انقلاب شاه و ملت و مخالفت امام در مقابل شاه(در مقابل شاه)

شاه در این سال می گوید من می خواهم یکسری اصلاحات خیلی گسترده انجام بدهم اسم آنرا انقلاب سفید و انقلاب شاه و مردم می گذاریم، مردم، من یک رفراندم برگزار می کنم، رای بدهید که آیا موافقید یا نه؟

این رفراندم، شش بند داشت(ظاهرش، خیلی زیبا و خوب است):

اصلاحات ارضی؛ گرفتن زمین ها از خان ها و دادن آنها به رعیت ها

امام خمینی به شدت در مقابل این رفراندمِ شاه می ایستد و رسما انتخابات را تحریم می کند، شاه در کشور تبلیغ می کند که روحانیت، ضد مردم و طرفدار سرمایه دارها و خان هاست. بعد شاه و دربار، به گونه ای جلوه می دهند که گویا عده ای رعیت از شهرستانها و روستاها به قم آمده اند و حادثه فیضیه رخ داده است، در حالیکه آنها، سربازان شاه بودند. بلاخره شاه این رفراندم را به رأی می گذارد و رای هم می آورد(6میلیون شرکت کرده بودند). بعد از این انتخابات، امام در عاشورای 13خرداد1342 سخنرانی ای کرد که منجر به دستگیری ایشان شد.

علت مخالفت امام با انقلاب سفید و انقلاب شاه و ملت؛ این انقلاب، اساسا یک طرح آمریکایی معروف به «طرح مارشال» بوده است(10ـ15سال بعد از جنگ سرد) که آمریکا با این طرح می خواست از نفوذ شوروی در کشورهای تحت حمایت آمریکا، جلوگیری کند، یعنی این طرح، خوب بود، ولی آمریکا نمی خواست که تا ابد آن طرح را اجرا کند، بلکه ابتدا می خواست مانع نفوذ روسیه در ایران شود، و بعد بوسیلۀ این طرح، سوار بر منافع ایران شود، یعنی ایران را به طور کامل به امریکا وابسته کنند.

سخنرانی امام در عاشورا 13خرداد1342 و دستگیری امام: اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت دانشمند باشد؛ اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت قرآن باشد؛ اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت علمای دین باشند؛ اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت احکام اسلام باشد. اسرائیل به دست عمال سیاه خود،مدرسه [(1)](http://(1)) را کوبید. ما را می‌کوبند؛ شما ملت را می‌کوبند. می‌خواهد اقتصاد شما را قبضه کند؛ می‌خواهد زراعت و تجارت شما را از بین ببرد؛ می‌خواهد در این مملکت، دارای ثروتی نباشد، ثروتها را تصاحب کند به دست عمال خود. این چیزهایی که مانع هستند، چیزهایی که سد راه هستند، این سدها را می‌شکند؛ قرآن سد راه است، باید شکسته شود؛ روحانیت سد راه است، باید شکسته شود؛ مدرسه فیضیه سد راه است، باید خراب شود؛ طلاب علوم دینیه ممکن است بعدها سد راه بشوند، باید از پشت بام بیفتند، باید سر و دست آنها شکسته شود برای اینکه اسرائیل به منافع خودش برسد؛ دولت ما به تبعیت اسرائیل به ما اهانت می‌کند. آقا! من به شما نصیحت می‌کنم؛ ای آقای شاه! ای جناب شاه! من به تو نصیحت می‌کنم؛ دست بردار از این کارها. آقا! اغفال دارند می‌کنند تو را. من میل ندارم که یک روز اگر بخواهند تو بروی، همه شکر کنند ... من نمی‌خواهم تو اینطور باشی؛ نکن. من میل ندارم تو اینطور بشوی، نکن! اینقدر با ملت بازی نکن! اینقدر با روحانیت مخالفت نکن. اگر راست می‌گویند که شما مخالفید، بد فکر می‌کنید. اگر دیکته می‌دهند دستت و می‌گویند بخوان، در اطرافش فکر کن؛ چرا بیخود، بدون فکر، این حرفها را می‌زنی؟ آیا روحانیت اسلام، آیا روحانیون اسلام، اینها حیوانات نجس هستند؟ در نظر ملت، اینها حیوان نجس هستند که تو می‌گویی؟ اگر اینها حیوان نجس هستند پس چرا این ملت دست آنها را می‌بوسد؟ دست حیوان نجس را می‌بوسد؟ چرا تبرک به آبی که او می‌خورد، می‌کنند؟ حیوان نجس را این کار می‌کنند؟! آقا ما حیوان نجس هستیم؟ [گریه شدید حضار] خدا کند که مرادت این نباشد؛ خدا کند که مرادت از اینکه «مرتجعین سیاه مثل حیوان نجس هستند و ملت باید از آنها احتراز کند»، مرادت علما نباشند و الّا تکلیف ما مشکل می‌شود و تکلیف تو مشکل می‌شود. نمی‌توانی زندگی کنی؛ ملت نمی‌گذارد زندگی کنی. نکن این کار را؛ نصیحت مرا بشنو. آقا! 45 سالت است شما؛ 43 سال داری، بس کن، نشنو حرف این و آن را؛ یکقدری تفکر کن، یکقدری تأمل کن! یکقدری عواقب امور را ملاحظه بکن! یکقدری عبرت ببر! عبرت از پدرت ببر.

قیام15خرداد؛ اعتراض به دستگیری امام

شروع حقیقیِ نهضت خمینی

مقام معظم رهبری 24بهمن1362:

62سالگی امام خمینی1343ش

آزاد سازی امام از زندان

کاپیتولاسیون(در مقابل آمریکا)

امام خمینی در 18شهریور1343، ج1، ص373: من از اوضاع عمومی دول اسلامی بسیار متأسفم؛ از اوضاع خصوص ایران بسیار متأسفم. دولتهای اسلامی، چه سلاطین اسلام، چه رؤسای جمهوری اسلامی، چه نخست وزیران دول اسلامی، در تحت تأثیر استعمارْ غافل از مقاصد دیانت اسلام هستند؛ مطلع نیستند به مسائل اسلام نمی‌خواهند مطلع بشوند به احکام اسلام؛ نمی‌توانند با این وضعی که دارند مطلع بشوند که اسلام چه آورده است‌ برای بشر، و بشر اگر اتباع کند از اسلام، به کجا خواهد رسید. ایجاد اختلاف، نقشه استعمار:دولتهای استعمار طلب، دولتهایی که می‌خواهند ذخایر مسلمین را ببرند، با وسیله‌های مختلف، با نیرنگهای متعدد، دول اسلامی را، سران دول اسلامی را، اغفال می‌کنند. گاهی به اسم شیعه و سنی اختلاف ایجاد می‌کنند. حتی در شرق، آنهایی هم که جزء مسلمین نیستند… مسلمین آنها بودند که مجد آنها دنیا را گرفته بود؛ تمدن آنها فوق تمدنها بود؛ معنویات آنها بالاترین معنویات بود؛ رجال آنها برجسته ترین رجال بود؛ توسعه مملکتشان از همه ممالک بیشتر بود؛ سیطره حکومتشان بر دنیا غالب شده بود. دیدند که با این سیطره، با این وحدت دول اسلامی، نمی‌شود تحمیل کرد چیزهایی را که آنها می‌خواهند؛ نمی‌شود ذخایر اینها را، طلای سیاه اینها را، طلای زرد اینها را، نمی‌شود اینها را قبضه کرد. در صدد چاره برآمدند؛ چاره این بود که بین ممالک اسلامی تفرقه بیندازند.آن چیز مهمی که دول اسلامی را بیچاره کرده است و از ظل قرآن کریم دارد دور می‌کند، آن قضیه نژادبازی است. این نژاد ترک است، باید نمازش را هم ترکی بخواند! این نژاد ایران است باید الفبایش هم چه جور باشد! آن نژاد عرب است، عروبت باید حکومت کند نه اسلام! نژاد آریایی باید حکومت کند نه اسلام! نژاد ترک باید حکومت کند نه اسلام! این نژادپرستی، که در بین آقایان حالا دارد رشد پیدا می‌کند و زیاد می‌شود و دامن می‌زنند به آن، تا ببینیم به کجا برسد. این نژادپرستی که یک مسئله بچگانه است در نظر، و مثل اینکه بچه‌ها را دارند بازی می‌دهند، سران دول را دارند بازی می‌دهند: آقا تو ایرانی هستی! آقا تو ترک هستی! آقا تو نمی‌دانم اندونزی هستی! آقا تو چه هستی! آقا تو کجایی هستی! باید مملکت خودمان را چه بکنیم! غافل از آن نکته اتکایی که همه‌ مسلمین داشتند. افسوس! افسوس! که این نکته - نقطه - اتکا را از مسلمین گرفتند و دارند می‌گیرند، و نمی‌دانم به کجا خواهد منتهی شد. همین نژادبازی که اسلام آمد و قلم سرخ روی آن کشید، و مابین سیاه و مابین سفید، مابین ترک و مابین عجم، ما بین عرب و مابین غیر عرب هیچ فرقی نگذاشت، و فقط میزان را تقوا، میزان را از خدا ترسیدن، تقوای واقعی، تقوای سیاسی، تقواهای مادی، تقواهای معنوی، میزان را اینطور قرار داد انَّ اکرَمَکمْ عِنْدَ اللهِ اتقیکمْ. [(1)](http://(1)) ترک و فارس ندارد، عرب و عجم ندارد، اسلام نقطه اتکاست. قضیه نژادبازی یک ارتجاعی است. آقایان ماها را مرتجع می‌دانند! لکن دارند به 2500 سال قبل - قهقرا - برمی‌‌گردند؛ ما مرتجعیم؟!...این مطالب که من عرض می‌کنم، یک مطالب غیر واقعیت داری است؟ قبول ندارند خودشان که یک واقعیتی است که با کمال تأسف دارم عرض می‌کنم؟ یکی از واقعیات است اینکه دول را به جان هم ریخته‌اند. یک دسته صف آرایی می‌کنند از این طرف در مقابل آنها و چقدر جمعیتشان را مجهز می‌کنند در سرحدات دیگران. الآن که من دارم به شما عرض می‌کنم، به من اطلاع دادند که ترکها دویست هزار جمعیت متمرکز کردند در سرحد کجا. چرا؟ با کی دعوا دارند؟ چرا مسلمین با هم جنگ می‌کنند؟ چه وادار کرده است که مسلمین با هم جنگ کنند؟ جز دست استعمار؟ شما دست استعمار را از روی دوَل اسلامی بردارید، ببینید که چه دولتی در کار هست؛ چه دولتی پیش می‌آید؛ ثغورتان را هم همه حفظ کنید. اگر بنا شد حکومت اسلامی باشد، اگر بنا شد دیانت اسلام حکومت کند، تمام ثغور حفظ می‌شود؛ تعدی دولتی به دولت دیگر نمی‌کند؛ همه مسْلمند؛ همه تحت لوای اسلامند. اینکه می‌بینید تعدی می‌کنند، این برای آن لشکرکشی می‌کند، او برای او لشکرکشی می‌کند، برای اینکه اینها در تحت لوای اسلام نیستند.

امام خمینی در 4آبان1343 ج1، ص415: من تأثرات قلبی خودم را نمی‌توانم اظهار کنم. قلب من در فشار است. این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده‌ام خوابم کم شده است [گریه حضار]. ناراحت هستم [گریه حضار]. قلبم در فشار است [گریه حضار]. با تأثرات قلبی روزشماری می‌کنم که چه وقت مرگ پیش بیاید [گریه شدید حضار]. ایران دیگر عید ندارد [گریه حضار]. عید ایران را عزا کرده‌اند [گریه حضار]؛ عزا کردند و چراغانی کردند [گریه حضار]؛ عزا کردند و دسته جمعی رقصیدند [گریه حضار]. ما را فروختند، استقلال ما را فروختند، و باز هم چراغانی کردند؛ پایکوبی کردند. اگر من به جای اینها بودم این چراغانیها را منع می‌کردم؛ می‌گفتم بیرق سیاه بالای سر بازارها بزنند [گریه حضار]؛ بالای سر خانه‌ها بزنند؛ چادر سیاه بالا ببرند. عزت ما پایکوب شد؛ عظمت ایران از بین رفت؛ عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند آقا، من اعلام خطر می‌کنم! ای ارتش ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای سیاسیون ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای بازرگانان ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای علمای ایران، ای مراجع اسلام، من اعلام خطر می‌کنم! ای فضلا، ای طلاب، ای مراجع، ای آقایان، ای نجف، ای قم، ای مشهد، ای تهران، ای شیراز، من اعلام خطر می‌کنم! خطردار است. معلوم می‌شود زیر پرده‌ها چیزهایی است و ما نمی‌دانیم. در مجلس گفتند نگذارید پرده‌ها بالا برود! معلوم می‌شود برای ما خوابها دیده‌اند! از این بدتر چه خواهند کرد؟ نمی‌دانم، از اسارت بدتر چه؟ از ذلت بدتر چه؟ چه می‌خواهند با ما بکنند؟ چه خیالی دارند اینها؟ این قرضه دلار چه به سر این ملت می‌آورد؟ این ملت فقیر [پس از] ده سال هشتصد میلیون تومان نفع پول به امریکا بدهد؟! در عین حال ما را بفروشید برای یک همچو کاری؟!مملکت در اشغال امریکا: نظامیهای امریکا و مستشارهای نظامی امریکایی به شما چه نفعی دارند؟ آقا! اگر این مملکت اشغال امریکاست، پس چرا اینقدر عربده می‌کشید؟! پس چرا اینقدر دم از «ترقی» می‌زنید؟! اگر این مستشارها نوکر شما هستند، پس چرا از اربابها بالاترشان می‌کنید؟! پس چرا از شاه بالاترشان می‌کنید؟! اگر نوکرند، مثل سایر نوکرها با آنها عمل کنید. اگر کارمند شما هستند، مثل سایر ملل که با کارمندانشان عمل می‌کنند، شما هم عمل کنید. اگر مملکت ما اشغال امریکایی است پس بگویید! پس ما را بردارید بریزید بیرون از این مملکت! چه می‌خواهند با ما بکنند؟ این دولت چه می‌گوید به ما؟ این مجلس چه کرد با ما؟ این مجلس غیر قانونی، این مجلس محرَّم [(1)](http://(1)) این مجلسی که به فتوا و به حکم مراجع تقلید تحریم شده است، این مجلسی که یک وکیلش از ملت نیست، این مجلسی که - به ادعا - هی می‌گویند ما! ما! هی ما از «انقلاب سفید» آمدیم! آقا کو این «انقلاب سفید»؟! پدر مردم را درآوردند! آقا من مطلعم؛ خدا می‌داند که من رنج می‌برم؛ من مطلعم از این دهات؛ من مطلعم از این شهرستانهای دورافتاده؛ از این قم بدبخت [گریه حضار]. من مطلعم از گرسنگی خوردن مردم؛ از وضع زراعت مردم. سکوت، گناهی کبیره: آقا فکری بکنید برای این مملکت؛ فکری بکنید برای این ملت. هی قرض روی‌ قرض بیاورید؟! هی نوکر بشوید! البته دلارْ نوکری هم هست! دلارها را شما می‌خواهید استفاده کنید، نوکریش را ما بکنیم! اگر ما زیر اتومبیل رفتیم، کسی حق ندارد به امریکایی‌ها بگوید بالای چشمت ابرو! لکن شماها استفاده‌اش را بکنید؛ مطلب اینطور است. نباید گفت اینها را؟ آن آقایانی که می‌گویند که باید خفه شد، اینجا هم باید خفه شد؟ اینجا هم خفه بشویم؟ ما را بفروشند و خفه بشویم؟! قرآن ما را بفروشند و خفه بشویم؟ والله، گناهکار است کسی که داد نزند؛ والله، مرتکب کبیره است کسی که فریاد نکند [گریه شدید حضار]. به داد اسلام برسید! ای سران اسلام، به داد اسلام برسید [گریه حضار]. ای علمای نجف، به داد اسلام برسید [گریه حضار]. ای علمای قم، به داد اسلام برسید؛ رفت اسلام [گریه شدید حضار]. ای ملل اسلام، ای سران ملل اسلام، ای رؤسای جمهور ملل اسلامی، ای سلاطین ملل اسلامی، ای شاه ایران، به داد خودت برس. به داد همه ما برسید. ما زیر چکمه امریکا برویم، چون ملت ضعیفی هستیم؟! چون دلار نداریم؟! امریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از امریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر. همه از هم بدتر؛ همه از هم پلیدتر. اما امروز سر و کار ما با این خبیثهاست! با امریکاست. رئیس جمهور امریکا بداند - بداند این معنا را - که منفورترین افراد دنیاست پیش ملت ما. امروز منفورترین افراد بشر است پیش ملت ما. یک همچو ظلمی به دولت اسلامی کرده است، امروز قرآن با او خصم است؛ ملت ایران با او خصم است. دولت امریکا بداند این مطلب را. ضایعش کردند در ایران؛ خراب کردند او را در ایران. تمام گرفتاری ما از امریکاست: آقا تمام گرفتاری ما از این امریکاست! تمام گرفتاری ما از این اسرائیل است! اسرائیل هم از امریکاست. این وکلا هم از امریکا هستند! این وزرا هم از امریکا هستند! همه تعیین آنهاست. اگر نیستند چرا نمی‌ایستند در مقابلش داد بزنند؟

امام خمینی 24مرداد1358: هر چه ضعف در مسلمین و فساد در ممالک است، از حکومت های اسلامی است.

امام خمینی 21شهریور1359: آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است، آمریکا مردم مظلوم جهان را با تبلیغات وسیعش که به وسیلۀ صهیونیست بین الملل، سازماندهی می گردد، استثمار می نماید.

امام خمینی: ای مستضعفان جهان و ای کشور های اسلامی و ای مسلمانان به پا خیزید و حق خود را از مستکبران بگیرید و حکام را از کشور های خود برانید و خود و طبقات خدمتگذار، زمام امور را به دست گیرید و همه زیر پرچم اسلام به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری های آزاد و مستقل پیش روید(یعنی تمدن نوین اسلامی)

تبعید امام در 13آبان1343 به ترکیه

تبعید به عراق(13سال)

نکته: زمانی که امام به نجف رفت، همه انتظار داشتند که امام، علیه شاه و آمریکا صحبت کند و خود را انقلابی جلوه دهد، در حالیکه چنین نکرد، و حتی شاگردان و نزدیکان امام در نجف، در خاطراتشان نوشته اند: ما انتظار داشتیم که امام، موضع گیری کند و درس فقهی که شروع می کند، باب جهاد باشد. ولی امام در واقع، نه علیه شاه صحبت کرد، نه صحبتی علیه آمریکا و نه باب جهاد را شروع کرد، بلکه فقط دربارۀ اخلاق و ادب و علم و... صحبت کرد و درس عادی مکاسب را بیان کرد، بلکه بعد از 5ـ6سال، درس ولایت فقیه را آغاز کردند.

علت این عملکرد امام در تبعید به عراق: بخاطر اینکه تمام تلاش دشمن، این بود که بگوید: خمینی ایران را به هم ریخت، و او، جاسوس انگلیس است که حوزه نجف که پایگاه شیعه است را به هم بریزد(این تبلیغ، به شدت تا چند وقت در نجف، علیه امام وجود داشت)

مقام معظم رهبری: امام که توانست این کار و تحول عظیم را در دنیا ایجاد کرد(انقلاب اسلامی)، بخاطر قدرت و هیمنۀ علمی اش بود که توانست این کار را بکند، یعنی در حوزه، بعنوان یک مرجع و بزرگ و ستون، شناخته شد که بعد، همه حوزه پشتیبانش شدند و سپس مردم به اعتبار حوزه، پشت سر امام قرار گرفتند.

تبعید به فرانسه

نکته مهم:‌ هر سه مخالفت و اعتراض امام(یعنی مخالفت با لایحه انجمن ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید و کاپیتولاسیون)، در واقع اعتراض و مخالفتِ با آمریکاست؛ کاپیتولاسیون و انقلاب سفید، واضح است که مخالفت با آمریکاست ولی لایه انجمن ایالتی ولایتی به اینصورت که؛ اسرائیل، دست آمریکا در منطقه است و بهائیت، حزب اسرائیل در ایران است.

صحیفه امام ج1، ص110 در آذر1341: اینجانب به حسب وظیفه شرعیه به ملت ایران و مسلمین جهان، اعلان خطر می کنم، قرآن کریم و اسلام، در معرض خطر است، استقلال ممکت و اقتصاد آن، در معرض قبضۀ صهیونیست هاست که در ایران به حزب بهائی، ظاهر شده اند...

نکته مهم: ما هنوز امام را خوب نشناخته ایم، در خوشبینانه ترین حالت می گویند: امام شاه را بیرون کرد. این، ظلمِ به امام است، چرا که امام، نه تنها سلطنت 2500ساله را سرنگون کرد، بلکه هیچ وقت شاه را مستقل نمی دید، بلکه همیشه امام میگفت که دشمن اصلی، آمریکا و صهیونیست است.

نکته: لذا باید استکبار(تاریخ محور جبهه باطل) و دو مفهوم استبداد و استعمار را خوب بشناسید:

استبداد: دخالت کردن از داخل کشور در امور داخلی کشور

مثال: حاکمان مستبِدّ قاجار و ...

استعمار: دخالت کردن از خارج در امور داخلی کشور

مثلا استثمار و استعمار هند توسط انگلیس

استبداد و ظلم، از اول خلقت دنیا وجود داشته و به دلیل وجود صنعت و رسانه و تکنولوژی، اصل بوده ولی در عصر مدرن که از ۱۵۰۰م شروع می شود(یعنی پایان قرون وسطا) و دنیا، صنعتی و کشتیرانی و ارتباطات و تکنولوژی و رسانه و... شده، اصل و محور اساسی، استعمار است و لشکر کشی ناپلئون به مصر.

نتیجه: نهضت امام خمینی، در عین اینکه ضد استبدادی(علیه شاه) بود، ضد استعماری(علیه آمریکا و صهیونیست) هم بود، البته استبداد و استعمار، ذیل واژه «استکبار» که واژه قرآنی است، جمع می شوند، لذا امام هم از این واژه زیاد استفاده کرد.

شعار جمهوری اسلامی ایران: «استقلال آزادی جمهوری اسلامی»

استقلال در مقابل استعمار است.

آزادی در مقابل استبداد است.

مقام معظم رهبری 13/8/1371: بعد از فروپاشی شوروی، همین استبداد به نفع آمریکا و بلوک غرب، افزایش پیدا کرده، بنده در دو ـ سه نطق بین المللی (سازمان ملل زمانی که رئیس جمهور بودم) بر روی این نکته، به عنوان سلطه جهانی، تأکید کردم و امروز احساس می کنم استعمال اصطلاح استبداد جهانی، یا دیکتاتوری بین المللی، گویا تر است.

جنبش های ضد استعماری:

پرچمدار و شروع کننده و سرسلسله قیام های اسلامی علیه استعمار: سید جمال الدین اسد آبادی(متوفی: 1897م

سید جمال اسد آبادی، شیعه و شاگرد شیخ انصاری در فقه و اصول و شاگرد ملا حسین قلیِ در عرفان

اثر جدی و اصلیِ سید جمال اسد آبادی، بر روی جنبش های اهل سنت است.

مهم ترین و جدی ترین شاگرد سید جمال اسد آبادی، محمد عبدو است.

سید جمال اسد آبادی، شیعه و شاگرد شیخ انصاری در فقه و اصول و شاگرد ملا حسین قلیِ در عرفان

اثر جدی و اصلیِ سید جمال اسد آبادی، بر روی جنبش های اهل سنت است.

مهم ترین و جدی ترین شاگرد سید جمال اسد آبادی، محمد عبدو(سنّی) است.

سید جمال، به توصیه شیخ انصاری، به هند رفت، سپس به عثمانی رفت و سپس به پاریس رفت و مجله عروۀ الوثقی را چاپ کرد، این سفر هایش، باعث شد که واقعیت و استعمار را خوب بشناسد. ناصرالدین شاه، سید جمال را به ایران دعوت می کند، سید جمال احساس کرد که این، فرصت خوبی است برای اینکه از قدرت پادشاه و حکومت ایران برای بیدار کردن مردم، علیه استعمار استفاده شود، ولی وقتی رفت و با واقعیت دربار ایران مواجهه شد، متوجه شد که اصلا اینها، دولتی نیستند که بخواهند با استعمار بجنگند، بلکه فهمید که آنها در واقع، دست نشانده های استعمارند و متوجهِ پیوندِ زیاد استعمار و استبداد شد (استکبار)، در اینجا سید جمال، شروع به کارهای ضد استبدادی هم انجام داد، که از ایران اخراج شد و رفت به عثمانی و پادشاه عثمانی هم از تفکر ضد استبدادی و استعماریِ سید جمالی، میترسد و او را مسموم می کنند و یکسال بعد از قتل ناصرالدین شاه، سید جمال شهید می شود.

شهید مطهری در کتاب بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد سال اخیر می فرماید: سید جمال، به خوبی، استبداد داخلی و استعمار خارجی را شناخت و آغاز نهضت بازگشت به اسلام توسط ایشان بود و...

مقام معظم رهبری 30/3/1360: او(سید جمال)، مطرح کننده و به وجود آورنده و آغازگرِ حاکمیت اسلام، نظام اسلام بود، و نمی شود او را با کس دیگر مقایسه کرد، اولین کسیکه سلطه استعماری(به معنای مقطع 1800م به بعد) را برای مردم مسلمان معنا کرد و در ایران، مصر، ترکیه، هند و کل خاورمیانه، اثر گذاشت، ایشان بود، آن زمان، آغاز استعمار بود، کسی استعمار را نمی شناخت و مبارزات سیاسی وی، قابل مقایسه با افراد حول و حوش او نیست.

مقام معظم رهبری 15/11/1389: اثر اصلی سید جمال، آن مرد اسلام خواه، شجاع، مبارز، بزرگ، بهترین جا، در مصر بود و پس از او، محمد عبدو راه او را ادامه داد.

استاد بغدادی: اینکه می گویند که سید جمال گفته: رفتم به غرب، اسلام دیدم و لی مسلمان نه، و به شرق آمدم ...، این اصلا کلام سید جمال نیست و می خواهند با این ها، چهره سید جمال را خراب کنند یا اینکه سید جمال را خوب نمی شناسند.

معرفی کتاب در این محور:

کتاب بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد سال اخیر، شهید مطهری

گر چه کتاب مجملی است، ولی خیلی عالی تحلیل کرده.

کتاب تاریخ استعمار یا شناخت استعمار، جامعه المصطفی

کتابی، نسبتا خوب است

کتاب پیوند بهائیت و صهیونیست، خانم زینت السادات انوری، نشر علّیون

کتاب استعمار فرانو، پژوهشگاه امام خمینی

کتاب عیوضی، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه

کتاب جنبش های اسلامی معاصر، سید احمد موثّقی، نشر سمت

کتاب گونه شناسی جنبش های اسلامی در قرن20، سید محمد موسوی، نشر پیام نور

کتاب فلسفه نظریه تاریخ، مجید کافی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه همراه انتشار سمت

کتاب غرب شناسی علمای شیعه در تجربه ایران معاصر، آقای رهدار

در این کتاب به چهره کلامی ـ مسیحی و چهره سیاسی ـ نظامی غرب و چهره اقتصادی و مبارزه علمای شیعه با بعد فکری و فرهنگی غرب پرداخته شده

خیلی برای این کتاب زحمت کشیده شده(800ـ900صفحه)

کتاب شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، چاپ بوستان کتاب

65سالگی امام خمینی1346ش، 1967م

سومین سال تبعید در عراق

جنگ 6روز اعراب با اسرائیل

رعب جهان اسلام از اسرائیل عملا

67سالگی امام خمینی1348ش، 1969م

فوت جلال آل احمد

اوج گیری جنگ سرد و ورود فضانورد آمریکایی به ماه

آغاز درس ولایت فقیه امام در نجف

69سالگی امام خمینی1350ش

آغاز جشن های 2500ساله سلطنت در ایران

74سالگی امام خمینی1355ش

افتضاح جشن هنر شیراز

75سالگی امام خمینی1356ش

29خرداد56 قتل شریعتی

1آبان56 شهادت آقا مصطفی

16دی56 شراب خواری کارتر و شاه در ایران

کارتر گفت: ایران جزیرۀ ثباتِ آمریکا در خاورمیانه است.

17دی56 مقاله توهین آمیز به امام

ریشه اصلی خشم و گُر گرفتنِ مردم و سقوط شاه

19دی56 کشتار مردم معترض قم نسبت به مقاله توهین آمیز به امام و حوزه

29بهمن56 چهلمِ کشتار مردم قم و کشتار مردم معترض تبریز

76سالگی امام خمینی1357ش

12فروردین57 چهلم کشتار مردم تبریز توسط مردم یزد

16اردیبهشت57 اولین مصاحبه امام با روزنامه لُموند در عراق

29خرداد57 سالگرد شریعتی و تبدیل شدن آن به تظاهرات

12تیر57 و 27رجب تحریم چراغانی نیمه شعبان

تحریم جشن های شعبان توسط امام بخاطر کشتارهای مردم و اعلام عزای عمومی

12مرداد57 تبدیل مراسم تشییع مرحوم کافی به تظاهرات

28مرداد57 آتش گرفتن سینما رِکس

17شهریور57 کشتار معروف17شهریور میدان ژاله

14مهر57 تبعید امام به پاریس

نکته جالب: کل جلد4 و5 صحیفه امام، سخنان و صحبت ها و مصاحبه های امام در فرانسه است. و اصلا سفر به پاریس، انقلاب را به شدت، سرعت بخشید.

12بهمن57 بازگشت امام به ایران

22بهمن57 پیروزی انقلاب اسلامی

مصادف با 13ربیع الأول1399هـ بعد از اتمام محرم و صفر

یعنی شروع نهضت از محرم1342ش و پایان نهضت بعد از محرم و صفر است. لذا امام در خیلی جاها فرمودند: رفراندم تاسوعا و عاشورا، سند اعتبار انقلاب است.

اصلی ترین هدف دشمن و آمریکا برای از بین بردن انقلاب اسلامی ایران: بازسازی طرح فروپاشی شوروی در ایران

مقام معظم رهبری 19/4/1379 در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی: بنده به عنوان اولین کسی که از اول انقلاب تا امروز در مسائل گوناگون در عرصه های مختلفِ این نظام با جوانب و جریانهای گوناگون مواجه بوده ام، همه آدم ها را می شناسم، همه حرفها را می شناسم، هم با تبلیغات رسانه ای دنیا آشنا هستم، به یک جمع بندی رسیده ام که به طور خلاصه، این است: یک طرح همه جانبۀ آمریکایی برای فروپاشی نظام جمهوری اسلامی ایران طراحی شده است و جوانب آن، از همه جهت، سنجیده شده است، این طرح، طرح بازسازی شده است از آنچه که در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اتفاق افتاد، به نظر خودشان می خواهند همان طرح را در نظام جمهوری اسلامی ایران هم، اجرا کنند، دشمن اینرا می خواهد.

اتحاد جماهیر شوروی(بعد از نامه امام در سال1368 به گورباچف) و بعد از رحلت امام خمینی، در تاریخ 1369ش و 1990م فروپاشید، یعنی در دوران رهبرِ مقام معظم رهبری، شوروی فروپاشید.

اصلی ترین استراتژی و خط و مشیِ رسمیِ آمریکا در مواجهه با جوامع اسلامی: توسعه شبکه های مسلمانان میانه رو، یعنی آمریکا می خواهد همه احزاب و علما و مسلمانان را به دو دستۀ: اسلام تندرو، رادیکال و افراطی و اسلام معتدل، میانه رو و معقول که اسلام معتدل، اسلام آمریکایی و همسو با برنامه های آنهاست(غرب زده ها)

معرفی کتاب:

کتاب ترجمه استراتژی آمریکا در جوامع اسلامی توسعه شبکه های سکولار ـ لیبرال، موسسه پژوهشی رَند، ناشر: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور

این کتاب در اتاق فکر آمریکا نوشته شده که ترجمه شده

کتاب اتاق های فکر و سیاست خارجی آمریکا، نوشته شده توسط بسیج دانشجویی، ناشر راهدان، مرکز پژوهشی ـ اموزشی کوثر، بسیج دانشجویی دانشگاه تهران

معرفی کتاب در این باره:

کتاب دایره المعارف امام خمینی، نشر سایان

خیلی کتاب به درد به خوری وخوبی است، خیلی منسجم و فشرده، ابعاد زندگی امام را بررسی کرده و خیلی جذاب است همراه با تصاویر.

کتاب نهضت امام خمینی سید حمید روحانی، 5جلد

کتاب چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن روح الله حسینیان

کتاب دوران جدید عالَم، نشر موسسه پژوهش فرهنگی انقلاب اسلامی

تمام سخنان مقام معظم رهبری در مورد غرب

نتیجه گیری: آیا باید به اندیشۀ بیداری اسلامی و مبارزه با استعمار و غرب براساس امت اسلام عمل کنیم یا با اندیشه بیداری اسلامی و مبارزه با استعمار غرب بر اساس دولت اسلام؟ یعنی راه عملیاتی چیست؟ یعنی خطاب امام خمینی، به امت اسلام بود یا دولت اسلام؟

 منبع: سلسله جلسات «تمدن، تنها مسیر ظهور ـ عصر امام خمینی»، استاد بغدادی

آدرس سایت: <http://tt-ej.ir/post/513>

مرحله پنجم: کلان طرح های آمریکا علیه تمدن اسلامی

نفوذ:

استبداد: استکبار ورزیدنِ فرد یا گروهی در داخل کشور بر علیه مردم کشور(در مقابل: آزادی)

استعمار: استکبار ورزیدن کشور خارجی به کشور دیگر(در مقابل: استقلال)

* 1. استعمار سنتی: یعنی اشغال کردن کشور دیگر با شعار عمران و آبادی

از 1500م شروع شد و در 1800م(انقلاب صنعتی) به بلوغ رسید و تا 1900م رو به افول رفت.

* 1. استعمار نو: یعنی به جای اینکه کشور دیگری را غارت کنند، یک حاکمی از خودِ آن کشور در آنجا که دست نشاندۀ آنها بود، می گذاشتند.

از 1880م به بعد شروع شد و تا الان ادامه دارد، ولی به صورت رسمی و آشکار، وجود ندارد.

* 1. استعمار فرانو: یعنی متمایل کردنِ فکر و ذهن و قلب مردمِ یک کشور به سمت خود برای تغییر تفکرات و عقاید آنها در جهت منافع خود(یعنی خودِ مردم با اختیار خودشان، برده آمریکا و مستکبران شوند)

از 1950م، آمریکا و شوروی هم از بخاطر تقسیم غنائم از همدیگر فاصله گرفتند و هم از لحاظ فکری فاصله گرفتند و جنگ سرد و نرم(یعنی در ظاهر، نظامی نیست، ولی علمی و اطلاعاتی و تولید سلاح و ... وجود دارد) بین آمریکا و شوروی شروع شد.

آمریکا در نهایت شوروی را در 1990م بوسیله استعمار فرانو شکست داد؛ به اینصورت که حمله نظامی نکرد، بلکه فکر و بطن و قلب مردم را، به سمت خودش متمایل کرد و خودِ مردم، همان کاری که آمریکا خواست، انجام دادند.

از 1990م به بعد، آمریکا ابرقدرت جهان می شود که این، همزمان با رهبریِ مقام معظم رهبری است.

آمریکا بعد از 1990م، استعمار فرانو اش را که قبلا فقط بر روی شوروی اعمال می کرد، بعد از شکست دادن شوروی، بر روی تمام دنیا شروع به پیاده کردن کرد.

ترجمه عبارت «ما می خواهیم دموکراسی را به جهان صادر کنیم» که توسط آمریکا گفته می شود، یعنی آمریکا می گوید: من(آمریکا)، رئیس همه شما هستم، همه شما، آنچه که من ارزش می دانم، ارزش بدانید.

نکته: اساس و مدار جبهه باطل، بر منیّت و فرعونیت و عنانیت علیه حق تعالی است(ضد بندگی)، لذا در برخی از تمدن ها، با اینکه استعمار سنتی از بین رفته، ولی چون منیت و عنانیت نسبت به حق تعالی دارند، این استعمار به صورت نو و فرانو ظهور می یابد.

اسلحه و ابزار جنگ نرم: رسانه، فکر، علوم انسانی، سبک زندگی، فرهنگ و ... و در نتیجه، ایجاد رعب و ترس

مقام معظم رهبری فرمودند: استکبار و آمریکا راضی است که جمهوری اسلامی باشد و حتی ولایت فقیه هم باشد و یک فرد معممی هم در رأس جامعه باشد، ولی حداقل با آمریکا دشمن نباشد و در جایی که لازم است، از آمریکا تمکین کند.

یعنی مردم ایران، با خواست خودشان به کسی رای بدهند، که آن کس، در راستای اهداف آمریکا باشد. مثل کشور ترکیه الان.

معرفی کتاب در این زمینه:

کتاب شناخت استعمار، چاپ جامعه المصطفی

این کتاب، خیلی قوی نیست، ولی چون تنها کتاب موجود در این زمینه است، خوب و قابل استفاده است.

کتاب استعمار فرانو، جهانی سازی و انقلاب اسلامی، حسن واعظی، چاپ موسسه امام خمینی

کتاب خوبی است.

کتاب شناخت ماهیت استعمار فرانو، عیوضی، چاپ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه

این کتاب، یک نوع علم زده ای دارد، ولی نکات دقیق، زیاد دارد.

مقام معظم رهبری 19تیر1379:  بنده به عنوان کسي که از اوّلِ اين انقلاب تا امروز در مسائل گوناگون و در عرصه هاي مختلفِ اين نظام، با جوانب و جريانهاي گوناگون مواجه بوده ام؛ هم آدمها را مي شناسم، هم حرفها را مي شناسم و هم با تبليغات رسانه اي دنيا آشنا هستم؛ به يک جمعبندي رسيده ام که به طور خلاصه اين است: يک طرح همه جانبه امريکايي براي فروپاشي نظام جمهوري اسلامي طرّاحي شد و جوانب آن از همه جهت سنجيده شد. اين طرح، طرح بازسازي شده اي است از آنچه که در فروپاشي اتّحاد جماهير شوروي اتفاق افتاد. به نظر خودشان مي خواهند همان طرح را در ايران اجرا کنند. دشمن اين را مي خواهد(یعنی استعمار فرانو و جنگ نرم)

البته این جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی، به معنای فروپاشیِ کامل جمهوری اسلامی نیست، بلکه به معنای این است که صورت و ظاهرِ جمهوری اسلامی باشد که در باطن، مقابل آمریکا نایستد.

اصلی ترین استراتژی و خط و مشیِ رسمیِ آمریکا در مواجهه با جوامع اسلامی: توسعه شبکه های مسلمانان میانه رو، یعنی آمریکا می خواهد همه احزاب و علما و مسلمانان را به دو دستۀ: اسلام تندرو، رادیکال و افراطی و اسلام معتدل، میانه رو و معقول که اسلام معتدل، اسلام آمریکایی و همسو با برنامه های آنهاست(غرب زده ها)

معرفی کتاب:

کتاب ترجمه استراتژی آمریکا در جوامع اسلامی: توسعه شبکه های سکولار ـ لیبرال، موسسه پژوهشی رَند، ناشر: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور

کتاب تاریخ آمریکا هاوارد زین، نشر عامل(خیلی مفصل)

کتاب رویای آمریکایی، هاوارد زین که کتاب تاریخ آمریکا را خلاصه کرده، نشر هلال

جزء بهترین کتاب ها در این زمینه است که به صورت درسی نگار آمریکا نوشته شده است.

ما قبلا گفتیم که: نهضت امام خمینی، در عین اینکه ضد استبدادی(علیه شاه) بود، ضد استعماری(علیه آمریکا و صهیونیست) هم بود، بلکه الان میگوییم که هدف اصلیِ امام، این(مبارزه با استعمار فرانو) نبوده است، بلکه هدف اصلی، تمدن سازی نوین اسلام است که جنبۀ سلبیِ تمدن سازی، مقابلۀ با استکبار(أی: استبداد و استعمار) است، یعنی استکبار، فرعِ بر تمدن سازی است و لازمۀ تمدن سازی، نابودیِ استکبار و استکبار ستیزی است.

بررسی اقدامات امام خمینی در دو جبهه سلبی و ایجابی:

جنبۀ سلبی: «یکفر بالطاغوت...»(استکبار ستیزی)

اسناد مبارزاتی امام خمینی:

1ـ صحیفه امام ج1، ص21: دعوت به قیام برای خدا (تاریخی ترین سند مبارزاتی امام خمینی) . [(1)](http://(1))<<https://farsi.rouhollah.ir/library/sahifeh-imam-khomeini/vol/1/title/7>>

2ـ بعد از مرجعیت ایشان در 12شهریور1341، ج1، ص77: ما با «اسرائیل» و «بهاییها» مخالفیم: راهی که من انتخاب کرده‌ام راهی است که مردم خواهان آن می‌باشند. و اگر من هم مثل دولتیها حرف بزنم مردم مرا هم طرد خواهند نمود. من با هیچ یک از کشورهای مسلمان رابطه‌ای ندارم ... [ولی موقعی که اختلافاتی بین همان کشورهای اسلامی و حکومت یهود به وجود می‌آید، چاره‌ای جز جانبداری از حکومتهای اسلامی ندارم. و اگر دولت ایران، رابطه خود را با کشور اسرائیل قطع کند، آن وقت روحانیت ایران یکصدا بر ضد تحریکات کشورها ... علیه حکومت شیعه ایران، قیام خواهند نمود. اکنون که پیشرفت آثار تمدن غرب و همچنین نفوذ تبلیغات کمونیستی، بسیاری از مردم ایران و جوانان ما را به سوی فساد کشانیده، برای جلوگیری از این خطر بزرگ، چاره‌ای جز تقویت امور معنوی در مردم نیست؛ و کسانی که به نام تجدد، روحانیت را ضعیف می‌کنند به توسعه فساد دامن می‌زنند. ما با اسرائیل و بهاییها نظر مخالف داریم و تا روزی که مسئولین امر، دست از حمایت این دو طبقه برندارند، ما به مخالفت با آنها ادامه می دهیم. <](%D9%88%D9%84%DB%8C%20%D9%85%D9%88%D9%82%D8%B9%DB%8C%20%DA%A9%D9%87%20%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%81%D8%A7%D8%AA%DB%8C%20%D8%A8%DB%8C%D9%86%20%D9%87%D9%85%D8%A7%D9%86%20%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1%D9%87%D8%A7%DB%8C%20%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%DB%8C%20%D9%88%20%D8%AD%DA%A9%D9%88%D9%85%D8%AA%20%DB%8C%D9%87%D9%88%D8%AF%20%D8%A8%D9%87%20%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%AF%20%D9%85%DB%8C%E2%80%8C%D8%A2%DB%8C%D8%AF%D8%8C%20%DA%86%D8%A7%D8%B1%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%DB%8C%20%D8%AC%D8%B2%20%D8%AC%D8%A7%D9%86%D8%A8%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%AD%DA%A9%D9%88%D9%85%D8%AA%D9%87%D8%A7%DB%8C%20%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%DB%8C%20%D9%86%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D9%85.%20%D9%88%20%D8%A7%DA%AF%D8%B1%20%D8%AF%D9%88%D9%84%D8%AA%20%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%D8%8C%20%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B7%D9%87%20%D8%AE%D9%88%D8%AF%20%D8%B1%D8%A7%20%D8%A8%D8%A7%20%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1%20%D8%A7%D8%B3%D8%B1%D8%A7%D8%A6%DB%8C%D9%84%20%D9%82%D8%B7%D8%B9%20%DA%A9%D9%86%D8%AF%D8%8C%20%D8%A2%D9%86%20%D9%88%D9%82%D8%AA%20%D8%B1%D9%88%D8%AD%D8%A7%D9%86%DB%8C%D8%AA%20%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%20%DB%8C%DA%A9%D8%B5%D8%AF%D8%A7%20%D8%A8%D8%B1%20%D8%B6%D8%AF%20%D8%AA%D8%AD%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7%D8%AA%20%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1%D9%87%D8%A7%20...%20%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%20%D8%AD%DA%A9%D9%88%D9%85%D8%AA%20%D8%B4%DB%8C%D8%B9%D9%87%20%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%D8%8C%20%D9%82%DB%8C%D8%A7%D9%85%20%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%87%D9%86%D8%AF%20%D9%86%D9%85%D9%88%D8%AF.%20%D8%A7%DA%A9%D9%86%D9%88%D9%86%20%DA%A9%D9%87%20%D9%BE%DB%8C%D8%B4%D8%B1%D9%81%D8%AA%20%D8%A2%D8%AB%D8%A7%D8%B1%20%D8%AA%D9%85%D8%AF%D9%86%20%D8%BA%D8%B1%D8%A8%20%D9%88%20%D9%87%D9%85%DA%86%D9%86%DB%8C%D9%86%20%D9%86%D9%81%D9%88%D8%B0%20%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA%D8%A7%D8%AA%20%DA%A9%D9%85%D9%88%D9%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA%DB%8C%D8%8C%20%D8%A8%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B1%DB%8C%20%D8%A7%D8%B2%20%D9%85%D8%B1%D8%AF%D9%85%20%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%20%D9%88%20%D8%AC%D9%88%D8%A7%D9%86%D8%A7%D9%86%20%D9%85%D8%A7%20%D8%B1%D8%A7%20%D8%A8%D9%87%20%D8%B3%D9%88%DB%8C%20%D9%81%D8%B3%D8%A7%D8%AF%20%DA%A9%D8%B4%D8%A7%D9%86%DB%8C%D8%AF%D9%87%D8%8C%20%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C%20%D8%AC%D9%84%D9%88%DA%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%DB%8C%D9%86%20%D8%AE%D8%B7%D8%B1%20%D8%A8%D8%B2%D8%B1%DA%AF%D8%8C%20%DA%86%D8%A7%D8%B1%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%DB%8C%20%D8%AC%D8%B2%20%D8%AA%D9%82%D9%88%DB%8C%D8%AA%20%D8%A7%D9%85%D9%88%D8%B1%20%D9%85%D8%B9%D9%86%D9%88%DB%8C%20%D8%AF%D8%B1%20%D9%85%D8%B1%D8%AF%D9%85%20%D9%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA%D8%9B%20%D9%88%20%DA%A9%D8%B3%D8%A7%D9%86%DB%8C%20%DA%A9%D9%87%20%D8%A8%D9%87%20%D9%86%D8%A7%D9%85%20%D8%AA%D8%AC%D8%AF%D8%AF%D8%8C%20%D8%B1%D9%88%D8%AD%D8%A7%D9%86%DB%8C%D8%AA%20%D8%B1%D8%A7%20%D8%B6%D8%B9%DB%8C%D9%81%20%D9%85%DB%8C%E2%80%8C%DA%A9%D9%86%D9%86%D8%AF%20%D8%A8%D9%87%20%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%B9%D9%87%20%D9%81%D8%B3%D8%A7%D8%AF%20%D8%AF%D8%A7%D9%85%D9%86%20%D9%85%DB%8C%E2%80%8C%D8%B2%D9%86%D9%86%D8%AF.%20%D9%85%D8%A7%20%D8%A8%D8%A7%20%D8%A7%D8%B3%D8%B1%D8%A7%D8%A6%DB%8C%D9%84%20%D9%88%20%D8%A8%D9%87%D8%A7%DB%8C%DB%8C%D9%87%D8%A7%20%D9%86%D8%B8%D8%B1%20%D9%85%D8%AE%D8%A7%D9%84%D9%81%20%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D9%85%20%D9%88%20%D8%AA%D8%A7%20%D8%B1%D9%88%D8%B2%DB%8C%20%DA%A9%D9%87%20%D9%85%D8%B3%D8%A6%D9%88%D9%84%DB%8C%D9%86%20%D8%A7%D9%85%D8%B1%D8%8C%20%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%AD%D9%85%D8%A7%DB%8C%D8%AA%20%D8%A7%DB%8C%D9%86%20%D8%AF%D9%88%20%D8%B7%D8%A8%D9%82%D9%87%20%D8%A8%D8%B1%D9%86%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D9%86%D8%AF%D8%8C%20%D9%85%D8%A7%20%D8%A8%D9%87%20%D9%85%D8%AE%D8%A7%D9%84%D9%81%D8%AA%20%D8%A8%D8%A7%20%D8%A2%D9%86%D9%87%D8%A7%20%D8%A7%D8%AF%D8%A7%D9%85%D9%87%20%D9%85%DB%8C%20%D8%AF%D9%87%DB%8C%D9%85.%20%20%3C)<https://farsi.rouhollah.ir/library/sahifeh-imam-khomeini/vol/1/title/56>>

3ـ 17مهر1341صحیفه امام ج1، ص78: هشدار امام در مورد تصویبنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی <<https://farsi.rouhollah.ir/library/sahifeh-imam-khomeini/vol/1/title/57>>

4ـ 28مهر1341 صحیفه امام خمینی ج1، ص80: هشدار به نخست‌وزیر در مورد تصویب‌نامه انجمنهای ایالتی و ولایتی <<https://farsi.rouhollah.ir/library/sahifeh-imam-khomeini/vol/1/title/59>>

5ـ 9آذر1341 صحیفه امام خمینی ج1، ص103: لغو تصویبنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی <<https://farsi.rouhollah.ir/library/sahifeh-imam-khomeini/vol/1/title/76>>

6ـ11آذر1341 صحیفه امام خمینی ج1، ص113: آغاز دروس حوزه علمیه قم پس از ختم غائله انجمنهای ایالتی و ولایتی: روحانی حرفش این است. روحانی با اقتصاد مملکت مخالف نیست؛ تهمت می‌زنند پانصد سال روحانیت تمام قطب ارض را حفظ و اداره کرد؛ رجوع کنید به تاریخ. با اینکه خلفا خلفای جور بودند، با همین برنامه اسلامی بر عالم حکومت کردند. آیا اسلام راه ترقی ندارد؟ علما با چه امر اقتصادی مخالفند؟ شما سد خواستید بسازید جلوتان را گرفتند؟ کارخانه خواستید وارد کنید نگذاشتند؟ ما می‌گوییم ذوب آهن را خراب نکنید؛ ذوب آهن کرج را خیال می‌کنید ما خبر نداریم چه کردید؟ علما با استقلال مخالف نیستند؛ مذهب علما استقلال است. دین اقتضا می‌کند بگوییم ما وسیله نداریم؛ مطبوعات دست ما نیست؛ علما را بد معرفی کرده‌اند. <<https://farsi.rouhollah.ir/library/sahifeh-imam-khomeini/vol/1/title/79>>

7ـ 29اسفند1341 صحیفه امام ج1، ص157: ما عید نداریم و این عید را عزای ملی اعلام می‌کنیم، نه به خاطر اینکه مصادف است با شهادت حضرت صادق - سلام الله علیه؛ آن حضرت مقامش عالی و بلند است، ولادت و شهادتش موجب تحکیم و پیشرفت اسلام است. به قول سیدبن طاووس - علیه الرحمه - برای شهادت [مثل‌] امام صادق باید جشن گرفت.  ما در این عید عزاداریم برای مصیبتها و لطمه‌هایی که در این سال به اسلام وارد شد، این سال، سال خوشی برای مسلمین نبود، سال خوبی برای روحانیت نبود. در این سال به اسلام تجاوز شد. علمای دین و روحانیون مورد اهانت قرار گرفتند، هتک شدند. در این سال استعمار توطئه‌هایی را علیه اسلام تدارک دید، عمال پلید استعمار به قرآن جسارت کردند، برای پایمال کردن احکام نورانی قرآن نقشه‌ها کشیدند، برنامه‌ها ریختند، طرحها دادند. اگر مسلمین بدانند که چه توطئه‌ها و نقشه‌هایی علیه عزت اسلام، سعادت ملتهای مسلمان و استقلال ممالک اسلامی در دست اقدام است، دیگر هیچ وقت عید نمی‌گیرند بلکه قیام می‌کنند به وظایف دینی که بر عهده دارند. وظیفه علمای دین، وظیفه ملتهای مسلمان سنگین است. همه وظیفه دارند که از اسلام دفاع کنند. در برابر توطئه‌ها بایستند و با آن مقابله کنند. آنها که در برابر خطرهایی که متوجه اسلام شده است قیام نکنند، مقابله نکنند و به دفاع برنخیزند، آنها در عداد مردگانند. آیا ما ساکت باشیم در حالی که علمای قم مورد شدیدترین اهانتها قرار می‌گیرند؟! به جرم اینکه می‌گویند «ربنا الله»، مربی ما امریکا نیست، مربی ما انگلیس نیست، مربی ما اسرائیل نیست، مربی ما خداست. <<https://farsi.rouhollah.ir/library/sahifeh-imam-khomeini/vol/1/title/103>>

8ـ 12اردیبهشت1342، صحیفه امام ج1، ص206: حالا مشاورین کیانند؟ اسرائیل!؟ مشاورها اسرائیل، از یهود .... دو هزار نفر بهایی را به اقرار خودشان که در روزنامه دنیا [(1)](http://(1)) [نوشته است‌]- بعد فردا مردک [شاه‌] (استاد بغدادی: در اینجا گفته مراد از «مردک»، شاه است، در صورتی که اصلا اینگونه نیست، بلکه منظور، اسرائیل و آمریکاست) نگوید که اشاعه اکاذیب است - در روزنامه دنیا دو هزار نوشته است، اسرائیل بهایی را، اسم بهایی [را] نیاورده؛ [نوشته‌] بعض وابستگان به مذاهب، اسمش را مذهب گذاشت!؛ دو هزار نفر را، و می‌گویند پنج هزار است، دوتایش را اینجا نوشته است، اینکه نوشته حالا؛ اینها با کمال احترام - نه مثل حاجیهای بدبخت ما که وقتی می‌خواهند تذکره [(2)](http://(2)) به آنها بدهند، باید چقدر زحمت بکشند، چقدر رشوه بدهند، چقدر بیچارگی بکشند تا اینکه یک چند را رد کنند، چند تا را قبول بکنند، آن وقت در فرستادنشان چه فضاحتها باشد، در برگشتنشان چه فضاحتها باشد؛ وقتی هم مکه می‌روند، در «منی»، حتی آن نماینده بی‌عرضه آنجا هم شکایت می‌کند که فلان آقا [(3)](http://(3)) را بگیرید از باب اینکه جایی حرف حقی زده است، گفته اسلام در خطر است از دست یهود. آقا مگر شما یهودید؟ مگر مملکت ما، مملکت یهود است؟ <<https://farsi.rouhollah.ir/library/sahifeh-imam-khomeini/vol/1/title/134>>

9ـ سخنرانی امام در عاشورا 13خرداد1342 و دستگیری امام: ای آقای شاه! ای جناب شاه! من به تو نصیحت می‌کنم؛ دست بردار از این کارها. آقا! اغفال دارند می‌کنند تو را. من میل ندارم که یک روز اگر بخواهند تو بروی، همه شکر کنند ... من نمی‌خواهم تو اینطور باشی؛ نکن. من میل ندارم تو اینطور بشوی، نکن! اینقدر با ملت بازی نکن! اینقدر با روحانیت مخالفت نکن ... سازمانها(بهائیت) می‌خواهند آن را از بین ببرند، شاید راست باشد؛ احتمالش را نمی‌دهی تو؟ یک علاجی بکن، اگر احتمال می‌دهی. یک جوری این مطالب را برسانید به این آقا؛ شاید بیدار بشود، شاید روشن بشود یکقدری. اطرافش را گرفته‌اند، شاید نگذارند این حرفها به او برسد. ما متأسفیم، خیلی متأسفیم از وضع ایران، از وضع این مملکت خراب، از وضع این هیأت دولت، از وضع این وضعیتها، از همه اینها متأسفیم. آقای شیرازی بیاید دعا کند؛ من خسته شدم. <<https://farsi.rouhollah.ir/library/sahifeh-imam-khomeini/vol/1/title/152>>

10ـ امام خمینی در 18شهریور1343، ج1، ص373: من از اوضاع عمومی دول اسلامی بسیار متأسفم؛ از اوضاع خصوص ایران بسیار متأسفم. دولتهای اسلامی، چه سلاطین اسلام، چه رؤسای جمهوری اسلامی، چه نخست وزیران دول اسلامی، در تحت تأثیر استعمارْ غافل از مقاصد دیانت اسلام هستند؛ مطلع نیستند به مسائل اسلام نمی‌خواهند مطلع بشوند به احکام اسلام؛ نمی‌توانند با این وضعی که دارند مطلع بشوند که اسلام چه آورده است‌ برای بشر، و بشر اگر اتباع کند از اسلام، به کجا خواهد رسید. ایجاد اختلاف، نقشه استعمار:دولتهای استعمار طلب، دولتهایی که می‌خواهند ذخایر مسلمین را ببرند، با وسیله‌های مختلف، با نیرنگهای متعدد، دول اسلامی را، سران دول اسلامی را، اغفال می‌کنند. گاهی به اسم شیعه و سنی اختلاف ایجاد می‌کنند. حتی در شرق، آنهایی هم که جزء مسلمین نیستند… مسلمین آنها بودند که مجد آنها دنیا را گرفته بود؛ تمدن آنها فوق تمدنها بود؛ معنویات آنها بالاترین معنویات بود؛ رجال آنها برجسته ترین رجال بود؛ توسعه مملکتشان از همه ممالک بیشتر بود؛ سیطره حکومتشان بر دنیا غالب شده بود. دیدند که با این سیطره، با این وحدت دول اسلامی، نمی‌شود تحمیل کرد چیزهایی را که آنها می‌خواهند؛ نمی‌شود ذخایر اینها را، طلای سیاه اینها را، طلای زرد اینها را، نمی‌شود اینها را قبضه کرد. در صدد چاره برآمدند؛ چاره این بود که بین ممالک اسلامی تفرقه بیندازند.آن چیز مهمی که دول اسلامی را بیچاره کرده است و از ظل قرآن کریم دارد دور می‌کند، آن قضیه نژادبازی است. این نژاد ترک است، باید نمازش را هم ترکی بخواند! این نژاد ایران است باید الفبایش هم چه جور باشد! آن نژاد عرب است، عروبت باید حکومت کند نه اسلام! نژاد آریایی باید حکومت کند نه اسلام! نژاد ترک باید حکومت کند نه اسلام! این نژادپرستی، که در بین آقایان حالا دارد رشد پیدا می‌کند و زیاد می‌شود و دامن می‌زنند به آن، تا ببینیم به کجا برسد. این نژادپرستی که یک مسئله بچگانه است در نظر، و مثل اینکه بچه‌ها را دارند بازی می‌دهند، سران دول را دارند بازی می‌دهند: آقا تو ایرانی هستی! آقا تو ترک هستی! آقا تو نمی‌دانم اندونزی هستی! آقا تو چه هستی! آقا تو کجایی هستی! باید مملکت خودمان را چه بکنیم! غافل از آن نکته اتکایی که همه‌ مسلمین داشتند.

11ـ امام خمینی در 4آبان1343 ج1، ص415: من تأثرات قلبی خودم را نمی‌توانم اظهار کنم. قلب من در فشار است. این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده‌ام خوابم کم شده است [گریه حضار]. ناراحت هستم [گریه حضار]. قلبم در فشار است [گریه حضار]. با تأثرات قلبی روزشماری می‌کنم که چه وقت مرگ پیش بیاید [گریه شدید حضار]. ایران دیگر عید ندارد [گریه حضار]. عید ایران را عزا کرده‌اند [گریه حضار]؛ عزا کردند و چراغانی کردند [گریه حضار]؛ عزا کردند و دسته جمعی رقصیدند [گریه حضار]. ما را فروختند، استقلال ما را فروختند، و باز هم چراغانی کردند؛ پایکوبی کردند. اگر من به جای اینها بودم این چراغانیها را منع می‌کردم؛ می‌گفتم بیرق سیاه بالای سر بازارها بزنند [گریه حضار]؛ بالای سر خانه‌ها بزنند؛ چادر سیاه بالا ببرند. عزت ما پایکوب شد؛ عظمت ایران از بین رفت؛ عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند آقا، من اعلام خطر می‌کنم! ای ارتش ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای سیاسیون ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای بازرگانان ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای علمای ایران، ای مراجع اسلام، من اعلام خطر می‌کنم! ای فضلا، ای طلاب، ای مراجع، ای آقایان، ای نجف، ای قم، ای مشهد، ای تهران، ای شیراز، من اعلام خطر می‌کنم! خطردار است. معلوم می‌شود زیر پرده‌ها چیزهایی است و ما نمی‌دانیم. در مجلس گفتند نگذارید پرده‌ها بالا برود! معلوم می‌شود برای ما خوابها دیده‌اند! از این بدتر چه خواهند کرد؟ نمی‌دانم، از اسارت بدتر چه؟ از ذلت بدتر چه؟ چه می‌خواهند با ما بکنند؟ چه خیالی دارند اینها؟ این قرضه دلار چه به سر این ملت می‌آورد؟ این ملت فقیر [پس از] ده سال هشتصد میلیون تومان نفع پول به امریکا بدهد؟! در عین حال ما را بفروشید برای یک همچو کاری؟! مملکت در اشغال امریکا: نظامیهای امریکا و مستشارهای نظامی امریکایی به شما چه نفعی دارند؟ آقا! اگر این مملکت اشغال امریکاست، پس چرا اینقدر عربده می‌کشید؟! به داد اسلام برسید! ای سران اسلام، به داد اسلام برسید [گریه حضار]. ای علمای نجف، به داد اسلام برسید [گریه حضار]. ای علمای قم، به داد اسلام برسید؛ رفت اسلام [گریه شدید حضار]. ای ملل اسلام، ای سران ملل اسلام، ای رؤسای جمهور ملل اسلامی، ای سلاطین ملل اسلامی، ای شاه ایران، به داد خودت برس. به داد همه ما برسید. ما زیر چکمه امریکا برویم، چون ملت ضعیفی هستیم؟! چون دلار نداریم؟! امریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از امریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر. همه از هم بدتر؛ همه از هم پلیدتر. اما امروز سر و کار ما با این خبیثهاست! با امریکاست. رئیس جمهور امریکا بداند - بداند این معنا را - که منفورترین افراد دنیاست پیش ملت ما. امروز منفورترین افراد بشر است پیش ملت ما. یک همچو ظلمی به دولت اسلامی کرده است، امروز قرآن با او خصم است؛ ملت ایران با او خصم است. دولت امریکا بداند این مطلب را. ضایعش کردند در ایران؛ خراب کردند او را در ایران. تمام گرفتاری ما از امریکاست: آقا تمام گرفتاری ما از این امریکاست! تمام گرفتاری ما از این اسرائیل است! اسرائیل هم از امریکاست. این وکلا هم از امریکا هستند! این وزرا هم از امریکا هستند! همه تعیین آنهاست. اگر نیستند چرا نمی‌ایستند در مقابلش داد بزنند؟

و چندین سند مبارزاتی دیگر امام خمینی...

سئوال) چرا امام و رهبری، اینقدر بر روی ظلم و استکبار ستیزی، تأکید و پررنگ می کنند؟

پاسخ: بخاطر اینکه شعار و پرچمِ ظلم ستیزی و استکبار ستیزی، پرچمی است که خیلی راحت مردم دور آن جمع می شوند، ولی ممکن است که اگر امام و رهبری بگویند ما میخواهیم به سمت توحید و کمال حرکت کنیم، ممکن است که عده ای بگویند: ما نمی خواهیم خوب باشیم.

جنبه ایجابی: «...و یومن بالله»(انقلاب اسلامی تا تمدن نوین اسلامی)

1ـ امام خمینی در در وصیتنامه الهی ـ سیاسی، ج21، ص447 و ص448: ف - وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حکام و دست اندرکاران کشورتان یا قدرتهای‌ خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند.(أی: بیداری اسلامی) ما و شماها لااقل در این صد سال اخیر، که بتدریج پای قدرتهای بزرگ جهانخوار(استکبار و استعمار) به همه کشورهای اسلامی و سایر کشورهای کوچک باز شده است مشاهده کردیم یا تاریخهای صحیح برای ما بازگو کردند که هیچ یک از دوَل حاکم بر این کشورها در فکر آزادی(در مقابل استبداد) و استقلال(در مقابل استعمار) و رفاه ملتهای خود نبوده و نیستند؛ بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان یا خود به ستمگری و اختناق ملت خود پرداخته(استبداد) و هرچه کرده‌اند برای منافع شخصی یا گروهی نموده؛ یا برای رفاه قشر مرفه و بالانشین بوده و طبقات مظلوم کوخ و کپرنشین از همه مواهب زندگی حتی مثل آب و نان و قوت لایموت محروم بوده، و آن بدبختان را برای منافع قشر مرفه و عیاش به کار گرفته‌اند؛ و یا آنکه دست نشاندگان قدرتهای بزرگ بوده‌اند(استعمار نو) که برای وابسته کردن کشورها و ملتها هرچه توان داشته‌اند به کار گرفته(ضد استقلال) و با حیله‌های مختلف کشورها را بازاری برای شرق و غرب درست کرده(استعمار) و منافع آنان را تأمین نموده‌اند و ملتها را عقب مانده و مصرفی بار آوردند و اکنون نیز با این نقشه در حرکتند. و شما ای مستضعفان جهان وای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپاخیزید(قیام لله) و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرتها و عمّال سرسپرده آنان نترسید؛ و حکام جنایتکار(استبداد) که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می‌کنند (استعمار) از کشور خود برانید؛ و خود و طبقات خدمتگزار متعهد(مردم سالاری دینی، نه لزوما ولایت فقیه، بلکه ولایت فقیه، عام است)، زمام امور را به دست گیرید و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع(یعنی تمدن اسلامی)، و با دشمنان اسلام و محرومان جهان(بیداری مستضفان جهان) به دفاع برخیزید؛ و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوریهای آزاد و مستقل(یک چیزی شبیه اتحادیه اروپا) به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض(ظهور ولی عصر) خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.

این قسمت از وصیت نامه، استراتژی امامین انقلاب است که اصلا نهضت امام، با این استراتژی، شروع شده و ادامه پیدا کرد و پیروز شد و مقام معظم رهبری هم، در همین راستا، مباحث تمدن سازی نوین اسلامی را مطرح کرده اند، بطور خلاصه: قلبِ اندیشه های امامَین انقلاب، همین قسمت است.

2ـ امام خمینی در 18شهریور1343، ج1، ص373: من از اوضاع عمومی دول اسلامی بسیار متأسفم؛ از اوضاع خصوص ایران بسیار متأسفم. دولتهای اسلامی، چه سلاطین اسلام، چه رؤسای جمهوری اسلامی، چه نخست وزیران دول اسلامی، در تحت تأثیر استعمارْ غافل از مقاصد دیانت اسلام هستند؛ مطلع نیستند به مسائل اسلام نمی‌خواهند مطلع بشوند به احکام اسلام؛ نمی‌توانند با این وضعی که دارند مطلع بشوند که اسلام چه آورده است‌ برای بشر، و بشر اگر اتباع کند از اسلام، به کجا خواهد رسید. ایجاد اختلاف، نقشه استعمار:دولتهای استعمار طلب، دولتهایی که می‌خواهند ذخایر مسلمین را ببرند، با وسیله‌های مختلف، با نیرنگهای متعدد، دول اسلامی را، سران دول اسلامی را، اغفال می‌کنند. گاهی به اسم شیعه و سنی اختلاف ایجاد می‌کنند. حتی در شرق، آنهایی هم که جزء مسلمین نیستند… مسلمین آنها بودند که مجد آنها دنیا را گرفته بود؛ تمدن آنها فوق تمدنها بود؛ معنویات آنها بالاترین معنویات بود؛ رجال آنها برجسته ترین رجال بود؛ توسعه مملکتشان از همه ممالک بیشتر بود؛ سیطره حکومتشان بر دنیا غالب شده بود. دیدند که با این سیطره، با این وحدت دول اسلامی، نمی‌شود تحمیل کرد چیزهایی را که آنها می‌خواهند؛ نمی‌شود ذخایر اینها را، طلای سیاه اینها را، طلای زرد اینها را، نمی‌شود اینها را قبضه کرد. در صدد چاره برآمدند؛ چاره این بود که بین ممالک اسلامی تفرقه بیندازند.آن چیز مهمی که دول اسلامی را بیچاره کرده است و از ظل قرآن کریم دارد دور می‌کند، آن قضیه نژادبازی است. این نژاد ترک است، باید نمازش را هم ترکی بخواند! این نژاد ایران است باید الفبایش هم چه جور باشد! آن نژاد عرب است، عروبت باید حکومت کند نه اسلام! نژاد آریایی باید حکومت کند نه اسلام! نژاد ترک باید حکومت کند نه اسلام! این نژادپرستی، که در بین آقایان حالا دارد رشد پیدا می‌کند و زیاد می‌شود و دامن می‌زنند به آن، تا ببینیم به کجا برسد. این نژادپرستی که یک مسئله بچگانه است در نظر، و مثل اینکه بچه‌ها را دارند بازی می‌دهند، سران دول را دارند بازی می‌دهند: آقا تو ایرانی هستی! آقا تو ترک هستی! آقا تو نمی‌دانم اندونزی هستی! آقا تو چه هستی! آقا تو کجایی هستی! باید مملکت خودمان را چه بکنیم! غافل از آن نکته اتکایی که همه‌ مسلمین داشتند. افسوس! افسوس! که این نکته - نقطه - اتکا را از مسلمین گرفتند و دارند می‌گیرند، و نمی‌دانم به کجا خواهد منتهی شد. همین نژادبازی که اسلام آمد و قلم سرخ روی آن کشید، و مابین سیاه و مابین سفید، مابین ترک و مابین عجم، ما بین عرب و مابین غیر عرب هیچ فرقی نگذاشت، و فقط میزان را تقوا، میزان را از خدا ترسیدن، تقوای واقعی، تقوای سیاسی، تقواهای مادی، تقواهای معنوی، میزان را اینطور قرار داد انَّ اکرَمَکمْ عِنْدَ اللهِ اتقیکمْ. [(1)](http://(1)) ترک و فارس ندارد، عرب و عجم ندارد، اسلام نقطه اتکاست. قضیه نژادبازی یک ارتجاعی است. آقایان ماها را مرتجع می‌دانند! لکن دارند به 2500 سال قبل - قهقرا - برمی‌‌گردند؛ ما مرتجعیم؟!...این مطالب که من عرض می‌کنم، یک مطالب غیر واقعیت داری است؟ قبول ندارند خودشان که یک واقعیتی است که با کمال تأسف دارم عرض می‌کنم؟ یکی از واقعیات است اینکه دول را به جان هم ریخته‌اند. یک دسته صف آرایی می‌کنند از این طرف در مقابل آنها و چقدر جمعیتشان را مجهز می‌کنند در سرحدات دیگران. الآن که من دارم به شما عرض می‌کنم، به من اطلاع دادند که ترکها دویست هزار جمعیت متمرکز کردند در سرحد کجا. چرا؟ با کی دعوا دارند؟ چرا مسلمین با هم جنگ می‌کنند؟ چه وادار کرده است که مسلمین با هم جنگ کنند؟ جز دست استعمار؟ شما دست استعمار را از روی دوَل اسلامی بردارید، ببینید که چه دولتی در کار هست؛ چه دولتی پیش می‌آید؛ ثغورتان را هم همه حفظ کنید. اگر بنا شد حکومت اسلامی باشد، اگر بنا شد دیانت اسلام حکومت کند، تمام ثغور حفظ می‌شود؛ تعدی دولتی به دولت دیگر نمی‌کند؛ همه مسْلمند؛ همه تحت لوای اسلامند. اینکه می‌بینید تعدی می‌کنند، این برای آن لشکرکشی می‌کند، او برای او لشکرکشی می‌کند، برای اینکه اینها در تحت لوای اسلام نیستند.

3ـ امام خمینی 19مهر1351: سر سپردگی بعضی سران ممالک اسلامی است که نتوانسته استعمار و صهیونیست را شکست دهیم.

4ـ امام خمینی 24مرداد1358: هر چه ضعف در مسلمین و فساد در ممالک اسلامی است، زیر سر حکومت های اسلامی است.

5ـ امام خمینی 25آذر1358: ما می خواهیم بفهمانیم که (زر سالاران یهود) با خودِ ملتِ آمریکا(مستضعفین) چه کرده اند(!)

6ـ امام خمینی 10مرداد1360: روز قدس، روز همه مسلمین، بلکه همۀ مستضعفین جهان است و از این نقطۀ حساس، در مقابل مستکبرین بایستیم، وعده خدا نزدیک است و مستکبران رو به زوال اند.

یعنی پرچم فلسطین، می تواند مردم و مستضعفین جهان را بیدار کند(مرحله سوم)

7ـ امام خمینی 23دی1360: مستضعفان به زندگی صحیحِ رفاهی(جنبه مادی) و به تربیت های صحیحِ اسلامی ـ انسانی(جنبه معنوی) برسند.

8ـ امام خمینی 24اردیبهشت1358: باید این نهضت در تمام عالم، گسترده شود، ایران مبدا و نقطۀ اول و الگو برای همه ملت های مستضعف بشود(این کلام امام، همان هویتِ اصلیِ صدور انقلاب است که امام فرمودند)

9ـ امام خمینی 15آبان1357: پیروزی ملت ایران، بدون شک، سرمشق سایر ملل جهان، خصوصا ملت های خاورمیانه خواهد شد که چگونه ملتی با اتکاء به ایدئولوژیِ انقلابی ـ اسلامی بر قدرت های عظیم(مستکبرین)، فائق می آید.

10ـ امام خمینی 26مرداد1358: روز قدس، یک روز اسلامی است و یک بسیج اسلامی است، این امر، مقدمه باشد برای حزب مستضعفین در تمام دنیا و ندای اسلام را که وراثت ارض است، محقق کند، با تفرقه، کاری انجام نمی گیرد، اکنون که نمونه ای از این پیوند و اتحاد در بلاد مسلمین تحقق پیدا کرده است، باید در سطح وسیع تری در تمام قشر های انسان باشد، ما از جمیع مستضعفین عالم دعوت می کنیم که در این حزب وارد و مسائل خود را با ارادۀ عمومی، رفع کند و هر مسئله ای در هر ملتی باشد، با این حزب، حل شود.

نکته: بعد از اینکه دعوت امام خمینی در ایران به ثمر نشست، ایشان در یک مقطعی، شروع به دعوتِ مستضعفین جهان کرد و ایدۀ «حزب مستضعفین» را داد، یعنی امام خمینی در تاریخ 26مرداد1358 که مقارن روز قدس بود، بعد از دعوت مردم ایران و مسلمانان به بیداری، مستضعفین جهان را هم، دعوت به بیداری کرد که روز قدس، پرچمِ دفاع از مستضعفین جهان است.

11ـ امام خمینی 2شهریور1358: من امیدوارم که بتوانیم پرچم جمهوری اسلامی را در همه جای دنیا برپا کنیم.

نکته: توجه امام از همان ابتدای نهضت، به سران حکومت ها و دولت های اسلامی است، چرا که همدلی و هم هدفیِ مسلمین، کافی نیست، بلکه باید به اتحاد تمدنی برسیم که لازمۀ اتحاد تمدنی، اتحاد دولت ها و همسوییِ فرهنگ ها و همدلی در اندیشه هاست.

تحلیل جبهه گیری ها و مبانیِ سلبی و ایجابیِ امام خمینی: اصلی ترین و تنهاترین وظیفۀ ما نسبت به زمینه سازی ظهور، تشکیل تمدن نوین اسلامی است که لازمه این زمینه سازی، مبارزه و از بین بردنِ جبهه باطل و مستکبرین عالم(آمریکا و صهیونیست) است.

اگر کسی، بتواند اندیشه(فکر و ایدئولوژی)، فرهنگ، حکومت و تمدن را(به ترتیب)، خوب تصویر و تحلیل کند و ربط آنها را با همدیگر بفهمد، می تواند نظام نظریِ اندیشه امام را، بفهمد.

مهمترین راهبردِ مستکبرین عالم(آمریکا و صهیونیست) برای مقابله با جبهه حق و تشکیل تمدن نوین اسلامی:

محور اصلی و کلان طرحِ جبهه باطل علیه جبهه حق، استعمار(استکبار) است، بخاطر اینکه اصلا هدف جبهه باطل، سلطه کامل بر منابعِ سایر کشورهاست(استعمار)، البته جبهه باطل، طرح های ریزِ زیادی دارد مثل تهاجم فرهنگی و...، که همه اینها به استعمار ختم می شود.

تطبیق با جبهه گیری های امام: اصل و شروع حرکت امام خمینی، بر ضد استکبار و استعمار بود، یعنی نگاه امام، یک نگاه محدودِ محله ای یا شهری یا کشوری و نابودی شاه و ... نبود، یعنی اینها، اصل نبودند، بلکه در مسیر هدف اصلی بودند که آن هدف اصلی، نابودیِ استکبار و استعمار بود.

استدراک: عده ای فکر می کنند که امام به آمریکا، بد می گفت و آمریکا را دشمن می دانست و همزمانِ با مبارزه با آمریکا، با شاه هم، مبارزه می کرد، این حرف، کاملا اشتباه است، بلکه همانطور گفته شد: امام، ریشه اصلی را، استکبار و استعمار می دانست و حتی در سخنرانی هایش هم، به صورت مستقیم، زیاد شاه را خطاب قرار نمی داد، چون او را دست نشاندۀ استعمار و استکبار می دانست که باید آن خط اصلی و ریشه، یعنی استکبار را، نابود کرد، حتی امام، به شوروی هم، به غلظت آمریکا، دشمنِ اصلی نمی گفت، گر چه شوروی را هم، دشمن می دانست، یعنی خطرِ اصلی از بین غرب و شرق، غرب و آمریکاست.

علت: اولا همانطور که قبلا هم بیان شد، اتحاد جماهیر شوروی، از 1920م به بعد، جدی شد، در حالیکه استکبار و استعمار غرب، ریشه500ساله دارد و ثانیا، شوروی باطلِ آشکار بود(یزید صفت)، یعنی رسما می گفت: خدایی نیست! و اصلا عالم معنایی وجود ندارد!، این دیدگاهِ خشکِ کمونیست، چون با فطرت مخالفت زیاد دارد و فطرت انسان آنرا پس می زند، لذا همه می فهمند که آنها و شوروی، باطلند و امام می فهمید که باطلِ عریان، ماندنی نیست و این، سنت الهی است، بلکه باطل پنهان و شبهه ناک، خطرناک است در حالیکه انگلیس و آمریکا، ادعا می کردند که حکومت مذهبی اند(معاویه صفت)، مثلا رئیس جمهور وقت آمریکا زمانی که به ژاپن، حمله اتمی کردند، در تلویزیون گفت: خدا خواست که ما(آمریکا) زود تر از هیتلر به بمب اتم دست یابیم و وظیفه ای که خدا بر عهده ما گذاشته بود، انجام دادیم(!!!)

با این وجود، واقعا آمریکا، شیطان بزرگ است، یعنی آمریکا، جلوۀ تمدنی قوایِ شیطانی است.

سئوال) شما که می گویید آمریکا ادعای معنویت می کند پوشش دینی دارد، این مطالب، چطور با آمریکای شهوت رانِ سکسی و واقعیتِ غرب و آمریکا، سازگار است؟(تحلیلِ جامعه شناسی آمریکا)

پاسخ: در آمریکا، دو فضای مختلف(دو لبه قیچی) وجود دارد:

الف) فضای بین نخبگان و متفکران و توده مردم است که غالب تر است؛ فضای بنیاد سکولاریسم(أی: جدایی دین از همه عرصه های اجتماعی) و بنیاد اومانیسم و بنیاد لیبرالیسم ـ دموکراسی، یعنی خدا نباید در حکومت وجود داشته باشد، یعنی بی خدایی (همان آمریکایی که می شناسیم)

ب) فضای مسیحیتِ صهیونیست(نِؤوکان ها یا نومحافظه کاران یا إوان جلیسم ها یا انجیلی ها)، یعنی مسیح و آخر الزمان و... (پوشش و روکش های معنوی)

هدف هر دوی این فضا، برای استعمار است و آمریکا با همین روکش های معنوی، توانسته سالها خودش را نگه دارد و خودش را در نزد اذهان عمومی، موجه جلوه دهد، لذا باطل پنهان، چون می خواهد از نیروی مردم بهره ببرد و باقی بماند، برای مردم، بسترِ مذهبی بودن را هم، باز میکند و می گوید: اگر می خواهد مذهبی باشید و خدایی داشته باشید، این یک امر شخصی و فردی است (یعنی مذهبیِ در جهتِ استعمار فرانو!!)، یعنی استفاده ابزاری از دین برای استکبار ستیزی

نکته استطرادی: «بنیادگرایی»: یعنی کسانی که قائل به حضورِ دین و دستورات دینی و حضور شریعت در متن اجتماع و اینکه اصلا حکومت باید دینی باشد.

به تعبیری بنیاد گرایی در بین سیاسیون، به عنوان یک فحش سیاسی شناخته می شود(!!)، یعنی زمانی که گفته می شود: فلان حکومت، بنیادگراست، یعنی یک حکومتِ خشکِ متعصب و خشن بر پایه دستورات دینی. بعد غرب ادعا میکند که با این بنیادگرایی، مخالف است(!!)، بلکه حکومت باید، لیبرال باشد که در آن، دموکراسی و آزادی بیان باشد(!)

مقام معظم رهبری تأکید دارند که شما از واژه سازی آنها نترسید که تا گفتند بنیادگرا، شما بگویید، نه نه ما، بنیادگرا نیستیم(!)، بخاطر اینکه آنها می گویند در مقابل بنیادگرایی، مثلا لیبرال دموکراسی است، بلکه شما بگویید ما بنیادگرای به معنای معتقد به اصول دینی هستیم، ولی متعصب و خشک و خشن نیستیم.

مقام معظم رهبری22تیر1368: رسانه های صهیونیستی ما را به بنیادگرایی نسبت می دهند، در حالیکه اگر بنیادگرایی به معنای بازگشت به اصول و بنیادهای اسلامی است، بزرگترین افتخار ماست، مسلمانان در هیچ نقطه ای از جهان، نباید از نام اصول گرا و بنیادگرا تحاشی کنند.

مقام معظم رهبری 26خرداد1370: در این دام نیفتید که از عنوان بنیادگرایی و ارتجاع و سنت گرایی بترسید.

مقام معظم رهبری 14خرداد1373: اگر بنیادگرایی به معنای احترام به اصول پذیرفته شده است، مقوله خوبی است و همه به آن، افتخار می کنند، اما اگر به معنای تحجر و تعصب است، تهمت به دولتِ جمهوری اسلامی و ملت ایران است.

مقام معظم رهبری 11خرداد1388: پروردگار حکیم، آن بندۀ صالح(امام خمینی) را طوری قرار داده بود که بدون کوچکترین احساسِ حقارت در مقابل سیل تهمت ها که اصول او را ارتجاعی و بنیادگراییِ از اسلام ناب می خواندند، ایستاد و مقابله کرد.

در حقیقت خودِ اسرائیل، بنیادگرای اصلی و اشد است.

هدف از بر چسب بنیادگرایی زدن به انقلاب اسلامی و جبهه حق: خودِ جبهه باطل و غرب و آمریکا و اسرائیل، در عمل، بصورت بنیادگرا عمل می کنند(یعنی خودشان ناخودآگاه از دین، استفاده ابزاری می کنند و باطل خودشان را می پوشانند)، ولی بر چسبش را به ما میزنند، چون می خواهند ما را در دنیا، بد جلوه دهند و بگویند: ایران اسلامی، اگر ما آنها را رها می کردیم و تحریم نمی کردیم و با آنها مبارزه نمی کردیم، یک سگ هاری بود مثل داعش(!!)

معرفی کتاب:

کتاب بنیادگرایی، غلامی، نشر معارف

کتاب خوبی است.

کتاب اوان جلیسم(جُستاری در پدیدۀ راست مسیحی در آمریکا)، طاهری، دفتر مطالعات مهدویت بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق

«توهمِ توطئه» هم، یک بر چسبِ دیگر است که به جبهه حق و جبهۀ ضد استکبار و استعمار می زنند. یعنی به کسانی که برای مقابلۀ با استعمار، تحقیقات و مطالعات انجام می دهند برای بیداری مردم و رهاییِ مردم از تحت استعمار نو، برچسبِ توهم توطئه می زنند، یعنی این حرفها در مورد استعمار و استکبار، الکی و غلط و نادرست اند. مثلا امام خمینی بنابر نظر غرب، اصلی ترین و بنیان گذار توهم توطئه در جوامع اسلامی است(!!)

پاسخ به کسانی که می گویند: شما(جبهه حق و ایران)، توهم توطئه دارید: باید بگوییم که شما حداقل یک دور تاریخ استعمار را بخوانید.

سخن یکی از بزرگان: باطل، مصداق بارز و اتمِّ تهمتی است که به حق می زند.

معرفی کتاب:

کتاب جستارهایی دربارۀ تئوری توطئه در ایران، نشر نی

کتاب تئوری توطئه در فرهنگ سیاسی معاصر ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، نشر سروش

فصل اول این کتاب: توطئه گران در تئوری های توطئه کدامند؟ الف) استعمار، ب) صهیونیست ها پ) فراماسون ها

کتاب نظریه توطئه و فقر روش شناسی، عبدالله شهبازی، نشر سوره مهر

تنها کتابی که توهم توطئه را، برچسب قلمداد کرده.

نکته: زمانی که امام به نجف رفت، همه انتظار داشتند که امام، علیه شاه و آمریکا صحبت کند و خود را انقلابی جلوه دهد، در حالیکه چنین نکرد، و حتی شاگردان و نزدیکان امام در نجف، در خاطراتشان نوشته اند: ما انتظار داشتیم که امام، موضع گیری کند و درس فقهی که شروع می کند، باب جهاد باشد. ولی امام در واقع، نه علیه شاه صحبت کرد، نه صحبتی علیه آمریکا و نه باب جهاد را شروع کرد، بلکه فقط دربارۀ اخلاق و ادب و علم و... صحبت کرد و درس عادی مکاسب را بیان کرد، بلکه بعد از 5ـ6سال، درس ولایت فقیه را آغاز کردند.

علت این عملکرد امام در تبعید به عراق: بخاطر اینکه تمام تلاش دشمن، این بود که بگوید: خمینی ایران را به هم ریخت، و او، جاسوس انگلیس است که حوزه نجف که پایگاه شیعه است را به هم بریزد(این تبلیغ، به شدت تا چند وقت در نجف، علیه امام وجود داشت)

مقام معظم رهبری: امام که توانست این کار و تحول عظیم را در دنیا ایجاد کرد(انقلاب اسلامی)، بخاطر قدرت و هیمنۀ علمی اش بود که توانست این کار را بکند، یعنی در حوزه، بعنوان یک مرجع و بزرگ و ستون، شناخته شد که بعد، همه حوزه پشتیبانش شدند و سپس مردم به اعتبار حوزه، پشت سر امام قرار گرفتند.

کلان طرح های آمریکا و جبهه باطل و استکبار علیه تمدن اسلامی و علیه جبهه حق:

محور اساسی و مقصد اصلی: استعمار فرانو(طرح اول) با تمام ابعادِ سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و...

تعبیرات دیگر از استعمار فرانو:

بوش پدر: گسترش نظم نوین جهانی؛ یعنی معیارهای آمریکایی، سبک زندگی آمریکایی، ارزش های آمریکایی، فکر آمریکایی باید در همه دنیا، نهادینه شود، ما وظیفه داریم دموکراسی(با فهمِ آمریکایی) را صادر کنیم، ما وظیفه داریم حقوق بشر(آمریکایی) را در همه جای دنیا، گسترش بدهیم. نتیجه همۀ این حرف ها و نظم نوین جهانی؛ یعنی آمریکا، رهبر و کدخدای دنیا و نظام تک قطبی. یعنی تعبیر نظم نوین جهانی، بیان سیاسیِ استعمار فرانو می باشد.

فکویاما(نظریه پرداز آمریکایی): نظریه پایان تاریخ؛ اصلی ترین رقیب لیبرال دموکراسی، شوروی بود و بعد از شوروی، هیتلر بود، این دو که از بین رفتند، یعنی دیگر لیبرال دموکراسی، هیچ رقیبی ندارد و تا آخر تاریخ، همه دنیا به سمت لیبرال دموکراسی می رود.

علت بیان چنین نظریه ای؛ این نظریه، در اوایل انقلاب اسلامی ایران بیان شده، لذا بدین معنا نیست که فکویاما نمی دانسته که تمدن اسلام، رقیب لیبرال دموکراسی است، بلکه می دانسته ولی از آنجایی که او، تئوریسین های آمریکایی است(یعنی اهداف آمریکا را تئوریزه می کند) و چون این نظریه، برای آمریکا و جهت دهی اذهان عمومی، خوب است، این نظریه را داده است(!!)

هانتینگتن: نظریه برخورد تمدن ها؛ اصلی ترین رقیب آمریکا و حوزه تمدنی غرب، حوزه تمدنی ایران و اسلام است.

همه این نظریه ها، عبارۀ أخرایِ استعمار فرانو می باشند.

شاخه های طرح اول(یعنی استعمار فرانو، ناظر به دو شاخه است):

شاخه1. استعمار فرانو ناظر به کشورهای موافق آمریکا: (طرح دوم:) اسلام هراسی و ایران هراسی؛ یعنی آمریکا که می خواهد ناظر به تمدن اسلامی، طرح بریزد که نتیجه اش، استعمار فرانو بشود، باید مثلا کره جنوبی، ژاپن، مالزی، اروپا، آمریکای لاتین و... را نسبت به اسلام و ایران، هراسان کند. مثلا بگوید که ایران و اسلام، همان داعش اند. ایران اسلامی می خواهد سلاح هسته ای بسازد و همه ما را نابود کنند.

هدف از چنین اقدامی: بخاطر اینکه کشورهای موافق آمریکا، وارد جبهه آمریکا بشوند که بعد، آمریکا با این شیوه، منابعِ موافقینش را به دست بگیرد و بهره ببرد و آنها را علیه ایران و اسلام بشوراند.

شاخه2. استعمار فرانو ناظر به کشورهای مخالف آمریکا؛

(طرح سوم:)بازسازی طرح فروپاشی شوروی نسبت به ایران(مرکز تمدن اسلامی)

مرکز بودن جمهوری اسلامی ایران:

سئوال) چرا آمریکا و جبهه باطل، به طور خاص، با ایران مشکل دارند؟

پاسخ: چون ایران امّ القرا و علمدار و رهبرِ تمدنِ نوین اسلام است و حال، امام و مقام معظم رهبری بیان می کنند که اگر بتوانند ایران را بزنند، تا سال های سال، خیال جبهه باطل از ناحیه اسلام، راحت است.

شهید سلیمانی: **امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم ها میمانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمیماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمّدی(ص).**

آمریکا و غرب: همانگونه که دشمن آمریکا، هیتلر بود و بعد از 50سال، شوروی شود، الان هم، دشمنِ اصلی آمریکا، اسلامِ سیاسی با تقریر ایران است که ما باید همان کاری که در فروپاشی شوروی کردیم در ایران هم عملیاتی کنیم.

معرفی کتاب:

کتاب اصلاحات و فروپاشی؛ تشریح طرح بازسازی شده فروپاشی شوروی در ایران، حسن واعظی، نشر سروش

خوبی این کتاب، این است که مولف کتاب، با خودِ بزرگان زمان شوروی، مصاحبه کرده، یعنی نصف کتاب، مصاحبه های خود بزرگان شوروی است و در نصف اول هم، توضیح داده که چه عواملی باعث فروپاشیِ شوروی شده است و آمریکا چطوری همین طرح ها را در ایران اجرا می کند.

کتاب چهل تدبیر

کتاب هشت سال اصلاحت طلبی در ایران، علوینی، چاپ مرکز اسناد

کتاب رازهای دهه شصت، صفار هرندی

کتاب اصلاحات در چین و شوروی، نشر موسسه تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران

(طرح چهارم:)اسلام آمریکایی نسبت به کل جهان اسلام

مدل های اسلام آمریکایی:

الف) مدل اسلام جمل: مثل قطر و مصر(اخوان المسلمین) که بنده پول و قدرت و مقام اند.

ب) مدل اسلام صفین: مثل ترکیه(اسلامی بودن در عین لائیک بودن!!)

ج) مدل اسلام نهروان: مثل داعش و تکفیری ها

معرفی کتاب برای اسلام آمریکایی:

سلسله جلسات استاد بغدادی پیرامون اسلام آمریکایی ذیل جنگ های سه گانه امیرالمومنین علیه السلام

کتاب آمریکا و اسلامِ سیاسی(ترجمه)، نشر پژوهشکدۀ مطالعات راهبردی غیر انتفاعی

(طرح پنجم:)طرح خاورمیانه بزرگ نسبت به منطقه خاص خاورمیانه

معرفی کتاب در این زمینه:

کتاب تحول طرح های خاورمیانه ای آمریکا، ابراهیم متقی، چاپ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه

کتاب خوبی است که بررسی کرده که اصلا نگاه امریکا به خاورمیانه به چه صورت است.

نتیجه: همه این طرح ها، در مسیر تحقق طرح اول، یعنی استعمار فرانو قرار دارند.

 منبع: سلسله جلسات «تمدن، تنها مسیر ظهور ـ کلان طرح های آمریکا علیه تمدن اسلامی»، استاد بغدادی

آدرس سایت: <http://tt-ej.ir/post/513>

1. به تقریر طلاب سطح یک، حوزه علمیه مدرسه امام حسین(علیه السلام)، مشهد مقدس، هادی رضایی. شماره تماس در صورت نقد یا پیشنهادی نسبت به تقریر: 09157584102 [↑](#footnote-ref-1)
2. تا اینجای جزوه، از سایت طلبگی تا اجتهاد دانلود شده که غالبا نقل به لفظ است ولی مابقی، تقریر طلاب سطح مشهد است که به صورت نقل به مضمون تقریر شده است. [↑](#footnote-ref-2)